بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ اسلامی
و
تعلیمات دینی

سوّم دبستان

تألیف: ابراهیم امینی، سیدعلی اکبر موسوی حسینی. با همکاری جمعی از دانشمندان

نقّاشی از: منوچهر درفشه، اکبر چابک

اسلایدها از: محمّد جواد کبیری کیان

صفحه آرایی از: ناهید فاریان

۱۳۶۸

به‌نام خدا

از معلّمان و مربّیان محترم تقاضا می‌شود که این نوشته را مجدداً مطالعه فرمایند.

آموزگار و مربّی متعهّد و گرامی!

درود برشما که شغل انسان‌ساز و افتخارآفرین و ارزشمندی دارید.

خدا را سپاس که به لطف و یاری او و به رهبری مرجع بزرگ امام خمینی و به همّت امّت مسلمان، انقلاب اسلامی ما به ثمر رسید و در پی آن انقلاب فرهنگی آغاز شد و پیام امام در رسید که «تربیت و تزکیه مقدّم برتعلیم است» و اینک برای تحقّق هرچه بیشتر انقلاب فرهنگی و پیام امام، لازم است به‌طور فشرده نکات زیر را یادآور شویم:

۱ ــ هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش‌آموزان عزیز نیست. هدف فقط این نیست که درسها را خوب بخوانند و خوب پاسخ دهند. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی‌وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید صحیح دینی با ذاتشان در آمیزد و از عمق جانشان بجوشد. به طوری که از دستبرد شیطان‌صفتان در امان بمانند. هدف این نبوده که فقط اخلاق و رفتار نیک را از بد بشناسند و خوب پاسخ دهند؛ بلکه هدف اصلی این بوده که اخلاق نیک در باطن وجودشان نفوذ کند و با صفات شایستهٔ انسانی پرورش یابند.

هدف این بوده که از کودکان امروز، مردان و زنان شایسته و متعهّد و درستکار و خیرخواه و مهربان و بلند همّت و دانشمند و خدادوست آینده را بسازیم، تا با دلی لبریز از ایمان به‌پاخیزند و آیین حیاتبخش اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان گسترش دهند. کشور بزرگ اسلام را آباد سازند. به یاری ستمدیدگان بشتابند و با مستکبران مبارزه کنند و به خلقهای محروم و مستضعف جهان تحرّک بخشند.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها، نمی‌تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا از همان آغاز تمام امیدمان به شما مربّیان، آموزگاران متعهّد و وظیفه‌شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکتان می‌توانید این امانتهای گرانمایه الهٰی یعنی کودکان را، به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هرچه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می‌توانید به پاس خون هزاران شهید و جانباز، برای رضای

خدا به‌پاخیزید و اعتقادات گرانقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امروز شایسته‌ترین، دلیرترین و درستکارترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

آری چنین مسئولیّت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امّت به‌پا خاستهٔ ایران و ارواح پاک هزاران شهید از شما چنین انتظاری دارند و اگر کسی در این باره کوچکترین کوتاهی روا دارد ــ که هرگز روا نمی‌دارد ــ در پیشگاه خدا و بندگان او مسئول خواهد بود.

۲ ــ دانش‌آموزان را به خواندن و باز خواندن درسها و خوب نوشتن آنها تشویق کنید. سعی کنید دانش‌آموزان مطالب را خوب بفهمند و در عمق جانشان نفوذ کند. آنان را تشویق کنید تا درسها را با یکدیگر مباحثه کنند و از همدیگر بپرسند و پاسخ دهند.

۳ ــ به هنگام تدریس تنها شما متکلّم نباشید بلکه علاوه بر این که با بیانات و توضیحات شیرین و صریح خود مطالب را به خوبی روشن می‌کنید، دانش آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه‌گیری به کمک بخواهید و مخصوصاً نتیجه‌گیری را بر عهدهٔ خود دانش‌آموزان بگذارید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و با نهاد پاک آفریده شده‌اند، شما فطرتشان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

۴ ــ شما در نظر دانش‌آموزان و اولیای آنان از موقعیّت ویژه‌ای برخوردارید. دانش آموزان شما را انسان برتر و شخصیت ممتاز می‌شمارند پیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شما می‌نگرند، از شما تقلید می‌کنند و درس زندگی می‌گیرند. شما با اخلاق و رفتارتان برای آنان الگوی کمال و انسانیّت باشید. با کردار و گفتارتان به آنان درس مهربانی، خیرخواهی، گذشت، انضباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه‌شناسی، کار و کوشش و هدفداری بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجّه کنید که کودکان، دانا و باهوشند و به کردار شما بیش از گفتارتان توجّه دارند و به همین جهت شما مسئولیّت بسیار بزرگی بر عهده دارید.

۵ ــ در تهیّهٔ این کتابها از نوشته‌ها و راهنمایی‌های دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم، بدین وسیله یاریها و زحمات همه را قدر می‌نهیم و به‌ویژه از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می‌نماییم و یادآوری می‌کنیم که پروندهٔ تألیف و تکمیل این کتاب پیوسته مفتوح است و نظرات شما و اولیای‌گرامی دانش آموزان، ما را در این مهمّ یاری خواهد کرد. از شما صمیمانه در خواست می‌کنیم که نظرها و پیشنهادهای مفید خود را به «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش» ارسال دارید.

با سپاس و تشکّر فراوان ــ خدا یار و رهنمای شما

آنچه در این کتاب می‌خوانید

عنوان	صفحه
خداشناسی	
نوزاد قشنگ	۱
گفتگو با عمه کوکب	۵
پسر کنجکاو	۹
خدای دانا و توانا	۱۳
ای خدای مهربان!	۱۵
جهان آخرت	
هر کاری، نتیجه‌ای دارد. هیچ‌کاری بی‌نتیجه نیست	۱۷
بازگشت کارهای ما	۲۱
زندگی در جهان آخرت	۲۳
پیامبران	
پیامبران، معلم انسانها	۲۶
معلم فداکار انسانها	۲۸
معلم و رهبر آگاه مردم	۲۹
آخرین پیغمبر خدا حضرت محمّد	۳۲
محمد امین	۳۴
پیامبر مهربان	۳۹
دین اسلام، آخرین و بهترین دین آسمانی	۴۱
قرآن، پیام خدا	۴۳
قرآنِ روشنگر	۴۶
آشنایی با آداب و اخلاق اسلامی	
سلام، سخنی مهرافزا	۴۷
آیا نامش را می‌دانی؟	۴۸
با پدر و مادر چگونه رفتار کنیم؟	۵۰
امامت و رهبری	
امام، رهبر امّت	۵۳
نخستین امام حضرت امیرالمؤمنین، امام علی علیه‌السلام	۵۶
کار و بخشش	۵۸
امام دوم، حضرت امام حسن، علیه‌السلام	۶۱
کمک به درماندگان	۶۳
امام سوم، حضرت امام حسین، علیه‌السلام	۶۶
دستگیری و کمک، خدا را خشنود می‌کند	۶۸
کودک مبارز و شجاع	۷۱
امام چهارم، حضرت سجاد، علیه‌السلام	۷۴
گفتگو با خدا	۷۶
آشنایی با احکام اسلام	
نماز بخوانیم، نماز بهترین توشه برای انسان است	۷۹
چگونه نماز بخوانیم	۸۱
همیشه، پاکیزه باشیم	۸۹
روزه از بهترین عبادتهاست	۹۱

چاپ شرکت افست «سهامی عام»

حق چاپ محفوظ است

خداشناسی

برای آشنایی بیشتر با
خدای دانا و توانا و مهربان

بخش ۱

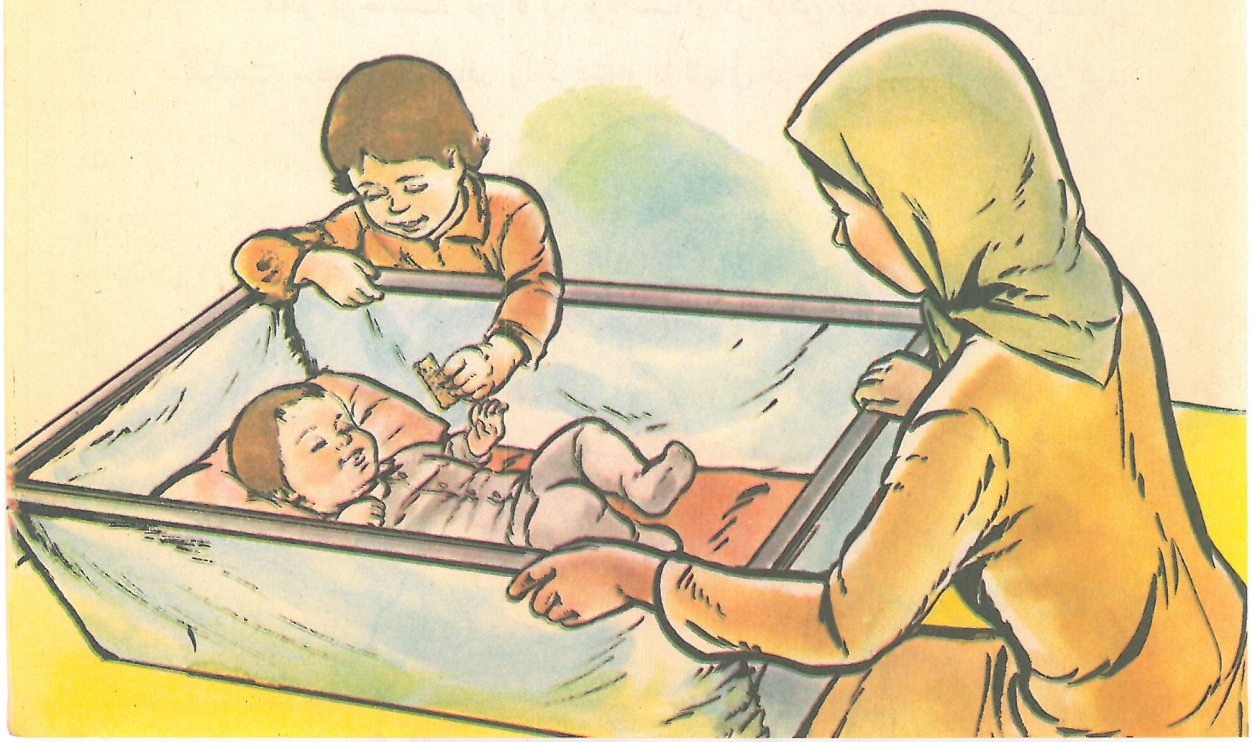
درس اول

به‌نام خدای بخشندهٔ مهربان

«نوزاد قشنگ»

زهرا تازه، دارای برادر شده بود. نام برادرش مجید بود. زهرا خوشحال بود و آن نوزاد کوچک را خیلی دوست می‌داشت.

روزی زهرا کنار تخت مجید ایستاده بود و او را تماشا می‌کرد، به مادرش گفت: مادرجان! مجید کی بزرگ می‌شود تا با من بازی کند؟ من برادرم را خیلی



دوست دارم. مادرش گفت: زهرا جان! صبر کن، ان‌شاءالله مجید بزرگ می‌شود و باهم بازی خواهید کرد.

در این هنگام مجید از خواب بیدار شد و با صدای نازکش شروع به گریه کرد. زهرا ناراحت شد و به مادرش گفت: مادرجان! چرا مجید گریه می‌کند؟ مادر جواب داد: گمان می‌کنم گرسنه باشد.

زهرا دوید و یک دانه شیرینی برداشت تا در دهان برادرش بگذارد.

مادر با عجله گفت: زهرا جان! مجید نمی‌تواند شیرینی بخورد، مگر نمی‌بینی دندان ندارد؟ مبادا چیزی در دهانش بگذاری! چون ممکن است در گلویش گیر کند و خفه شود.

زهرا پرسید پس غذای مجید چیست؟ مادر گفت: دخترم! غذای مجید شیر است. او می‌تواند شیر بخورد و سیر شود.

مادر برخاست، نوزاد را برداشت و در دامن نهاد و پستان در دهانش گذاشت. مجید پستان مادر را گرفت و با لبهای کوچکش شروع به مکیدن کرد.



زهرا قدری به مجید و مادرش نگاه کرد، سپس با تعجّب گفت: مادرجان! پستان شما پیش از این هم شیر داشت؟ مادر گفت: نه، قبلاً شیر نداشت امّا از روزی که مجید به دنیا آمده پستان من پر از شیر شده است. زهرا گفت: مادرجان شما چگونه برای مجید شیر درست می‌کنید؟

مادر گفت: دخترم! درست شدن شیر، دست من نیست، من غذا می‌خورم از غذا شیر درست می‌شود. زهرا گفت: پس چرا پیش از به دنیا آمدن مجید شیر درست نمی‌شد؟ شما که آن‌وقتها هم غذا می‌خوردید. مادر جواب داد: راست می‌گویی من قبلاً هم همین غذاها را می‌خوردم، ولی شیر نداشتم امّا از وقتی که مجید به دنیا آمده، غذایش هم در پستان من درست شده است.

زهرا با تعجّب پرسید: چه کسی به فکر غذای مجید بوده است؟

مادر جواب داد: زهرا جان! خدایی که مجید را آفریده به فکر غذای او هم بوده است. خدا می‌داند که وقتی بچه به دنیا آمد احتیاج به غذا دارد، خدا می‌داند که مجید دندان ندارد و نمی‌تواند مثل ما غذا بخورد، به این جهت پستان مادر را پر از شیر می‌کند تا کودک ناتوان از بهترین و سالم‌ترین غذاها استفاده کند.

زهرا جان! شیر یک غذای کامل است، یعنی تمام احتیاجاتِ بدن کودک، در آن هست و با دستگاه گوارش کودک کاملاً سازگار است.

زهرا گفت: راستی مادرجان! چه خدای دانا و مهربانی داریم، اگر شیر نبود بچهٔ کوچک چه می‌خورد؟

مادر گفت: آری دخترم! خداست که کودک را آفریده و غذا می‌دهد. خدای دانا و مهربان است که شیر سالم و گوارا را برایش درست می‌کند. خدا از

ناتوانی کودک خبر داشته که دوستی او را در دل مادر قرار داده است تا از او نگهداری کند.

خدا به کودک ناتوان و بی‌زبان یاد داده که هنگام گرسنگی گریه کند، تا به خواسته‌هایش توجه کنند.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ آیا زهرا برادر خود را دوست می‌داشت؟ دلیل‌های خود را بگویید.
۲ ــ آیا درست شدن شیر دست مادر است؟ چرا؟
۳ ــ از کجا می‌فهمید که خدا آیندهٔ مجید را می‌دانست؟
۴ ــ چگونه می‌فهمید که خدا دانا و مهربان است؟
۵ ــ اگر مادر، کودکش را دوست نمی‌داشت، چه می‌شد؟
۶ ــ چه کسی مهر و محبّت کودک را در دل مادر قرار داده است؟
۷ ــ اگر کودک هنگام گرسنگی گریه نمی‌کرد، چه می‌شد؟
۸ ــ اگر کودک مکیدن را بلد نبود مادر چگونه به او شیر می‌داد؟
۹ ــ گریستن و مکیدن را چه کسی به کودک یاد داده است؟

گفتگو با عمّه کوکب

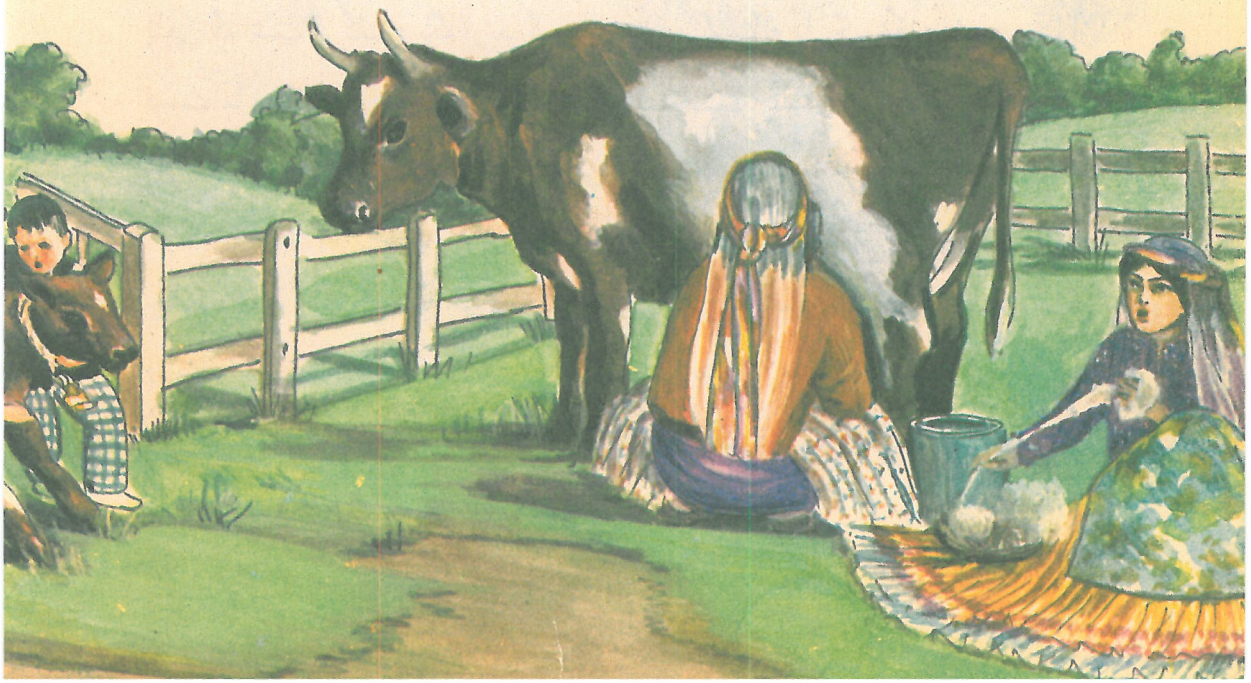
با پدر و مادرم به حسن‌آباد رفته بودیم. در حسن‌آباد مهمان عمّه کوکب بودیم. کوکب خانم زن دانا و مهمان‌نواز و پرکاری است. دو گاو شیرده در منزل نگهداری می‌کند. عمّه کوکب با پسرش عبّاس از گاوها نگهداری می‌کنند، عبّاس، کاه و یونجه و علف برای گاوها می‌آورد، کوکب خانم به آنها آب و علف می‌دهد، شیر آنها را می‌دوشد و ماست و پنیر درست می‌کند. کوکب خانم برای ناهار شیربرنج پخته بود. ماست و پنیر هم سر سفره گذارده بود.

نزدیک غروب کوکب خانم گفت: می‌خواهم گاوها را بدوشم، سطل تمیزی برداشت و به طویله رفت، من و عبّاس هم برای کمک او به طویله رفتیم. ما گوساله را گرفتیم تا کوکب خانم گاو را بدوشد. گوساله ده روزه بود امّا بسیار زیبا و نیرومند بود، آرام نمی‌ایستاد، می‌خواست از دست ما فرار کند.

کوکب خانم گاو را دوشید و به اندازهٔ خوراک گوساله شیر در پستان گاو باقی گذاشت و گفت: بگذارید گوساله بیاید. گوساله با یک تکان خودش را از دست ما رها کرد و به سوی پستان مادر شتافت. پستان را در دهان گرفت و شروع به شیر خوردن کرد. از چابکی و نیرومندی گوساله تعجّب کردم. به عمّه کوکب گفتم: عمّه جان! غذای گوساله چه چیزهایی است که این قدر نیرومند و چابک شده است؟! عمّه کوکب گفت: فقط شیر می‌خورد، شیر یک غذای کامل و سودمند است. هر چه برای رشد و سلامتی بدن لازم است در شیر وجود دارد. ویتامین، موادّ معدنی، چربی، قند و چیزهای دیگر در شیر هست. شیر به تنهایی همهٔ نیازهای بدن گوساله را تأمین می‌کند.

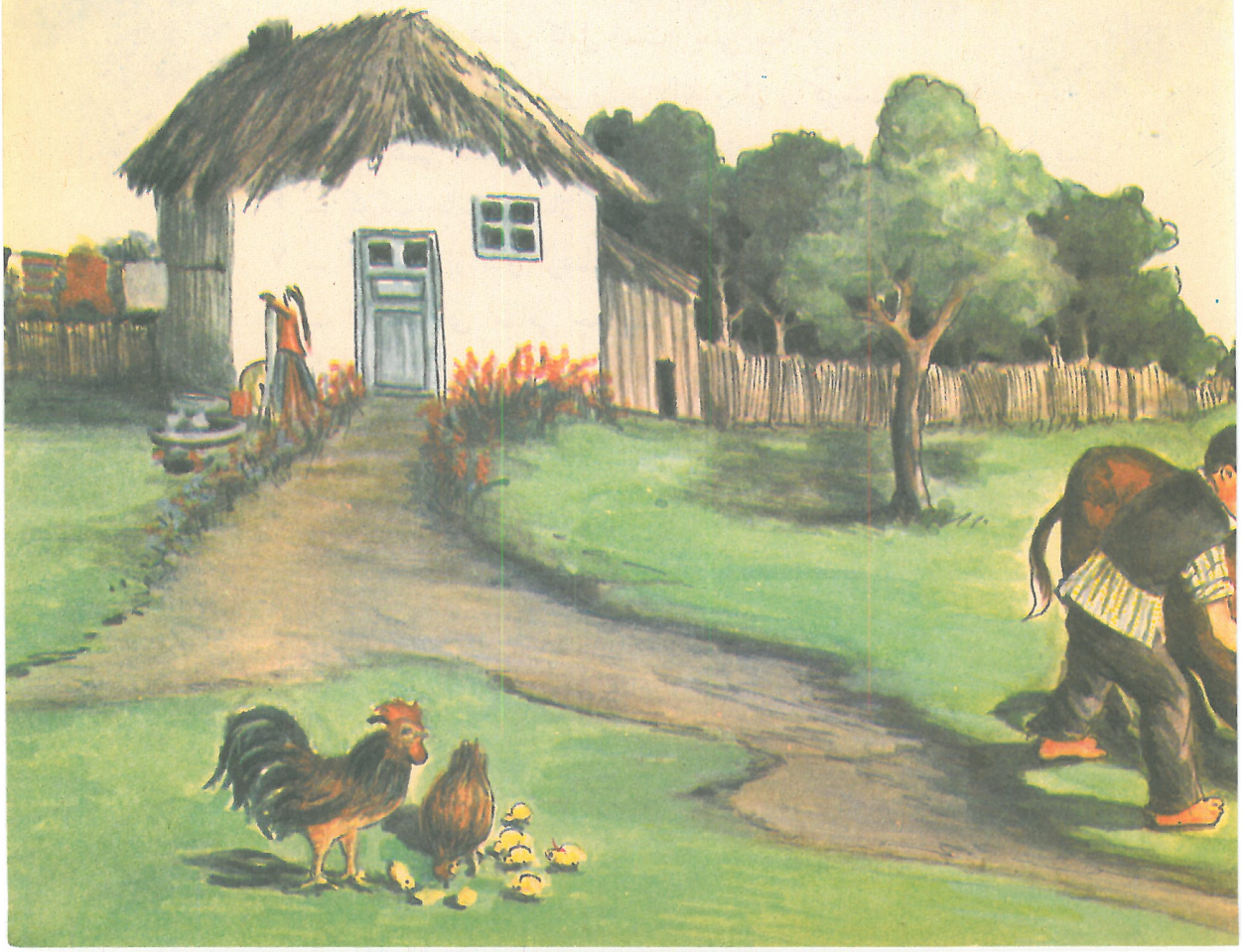
گفتم: عمّه‌جان! مگر گاو از نیازهای بدن گوساله خبر دارد؟ مگر گاو می‌داند که باید چه چیزهایی در شیر خود به وجود بیاورد؟ مگر گاو می‌داند که چگونه باید یک غذای کامل و غنی درست کند؟

کوکب خانم گفت: نه... گاو از نیازهای بدن گوساله خبر ندارد. از ترکیبات شیر خودش هم اطّلاعی ندارد. گاو که با آگاهی و ارادهٔ خودش شیر را درست نمی‌کند، بلکه خدا از نیازهای گوساله خبر داشته و دستگاههای مجهّز شیرسازی در بدن گاو قرار داده است تا هم گوساله غذا بخورد و بزرگ شود و هم ما انسانها از شیر اضافی آن بخوریم و نیرو بگیریم. جواد جان! ما، در جهان پرشکوه و هماهنگی زندگی می‌کنیم. گیاهان از آب و خاک و نور خورشید استفاده می‌کنند و بزرگ می‌شوند. گاو هم علف می‌خورد و در بدنش تبدیل به شیر می‌گردد. گوساله شیر می‌خورد، ما انسانها هم از شیر گاو استفاده می‌کنیم.



چه کسی ــ جز خدای بزرگ و دانا ــ از نیازهای بدن ما و بدن گوساله اطّلاع داشته است و با چنین نظم و هماهنگی،شیر را به وجود آورده است؟

جواد جان! بیا نزدیک، سرپستان گاو را ببین، نوک پستان گاو گِرد و کاملاً به اندازه آفریده شده است تا گوساله به راحتی از آن شیر بخورد. سر پستان سوراخهای بسیار ریز دارد که گوساله با مکیدن،شیر را از آن بیرون می‌آورد. شیر از این سوراخها بیرون نمی‌ریزد و زیاد هم در گلوی گوساله وارد نمی‌شود. خدای مهربان،هم به فکر غذای گوساله بوده و هم به فکر غذای ما انسانها. به این جهت بیش از نیاز گوساله، شیر در پستان گاو درست می‌شود.



خدای دانا و عزیز، این غذای گوارا و سودمند را برای ما آفریده تا از آن استفاده کنیم و نیرومند شویم و او را عبادت کنیم و از او تشکّر کنیم، و با کار و رنج و کوشش، جهان را آباد سازیم و به کمک انسانهای ستمدیده بشتابیم.

پرسش

۱ ــ جواد از چه چیزی تعجّب کرده بود؟
۲ ــ چه غذایی موجب نیرومندی گوساله شده بود؟
۳ ــ «شیر یک غذای کامل است» یعنی چه؟
۴ ــ آیا گاو ترکیبات شیر را می‌داند و آن را درست می‌کند؟
۵ ــ چه کسی دستگاههای مجهّز شیرسازی را در بدن گاو قرار داده است؟
۶ ــ کوکب خانم با نشان دادن نوک پستان گاو چه نتیجه‌ای گرفت؟
۷ ــ آیا بیش از نیاز گوساله شیر در پستان گاو وجود دارد؟
۸ ــ از شیرهای اضافی چه کسانی استفاده می‌کنند؟
۹ ــ از نظم و هماهنگی جهان آفرینش چه می‌فهمیم؟
۱۰ ــ در برابر نعمتهای خدا چه وظیفه‌هایی داریم؟

تمرین

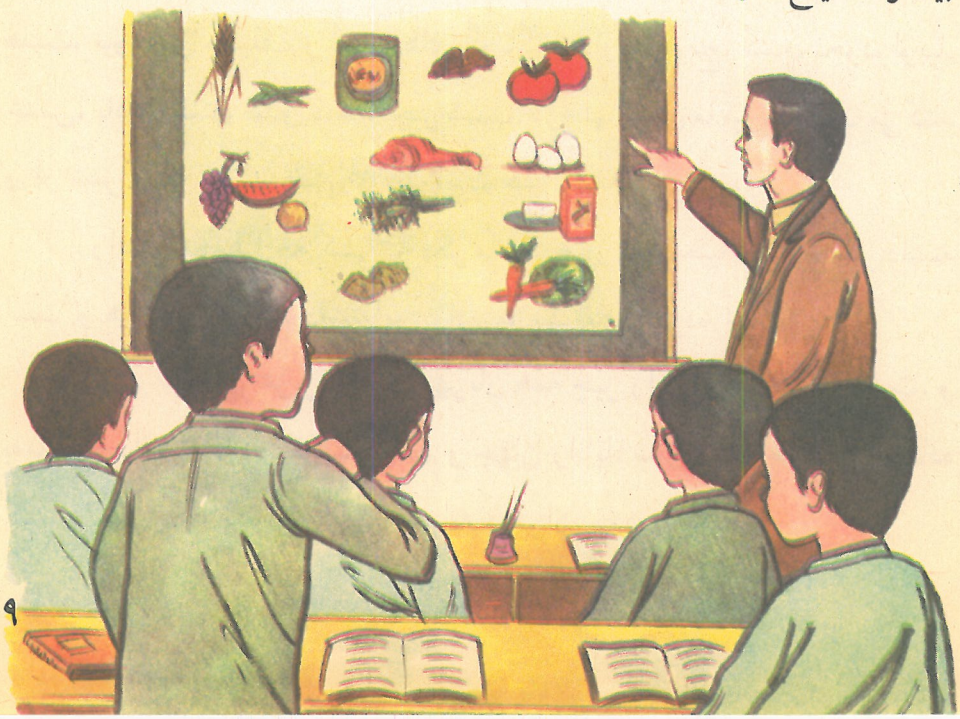
۱ ــ پاسخ این سؤالها را از دوست خود بپرسید.
۲ ــ درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

پسر کنجکاو

حسن در کلاس سوّم درس می‌خواند، او پسر با هوش و کنجکاوی است. می‌خواهد درسهای خود را خوب بفهمد، دربارهٔ هر چیز فکر می‌کند و اگر چیزی را نفهمید می‌پرسد.

یک روز آموزگار، در کلاس درس می‌گفت: بدن ما به غذاهای گوناگون احتیاج دارد. غذا خوردن علاوه بر این که گرسنگی را برطرف می‌کند به بدن ما هم فایده می‌رساند، هر غذایی فایدهٔ مخصوصی دارد. برای این که بتوانیم بدویم و کار کنیم احتیاج به انرژی داریم، انرژی بدن ما را گرم نگه می‌دارد و به ما توانایی بازی و کار و عبادت می‌دهد. بعضی از غذاها به ما انرژی می‌دهند، مانند: سیب‌زمینی، برنج، روغن، خرما، سیب، کشمش،...

هر کسی به این غذاها احتیاج دارد، امّا کسانی که بیشتر کار می‌کنند، بیشتر احتیاج دارند.



بعضی از غذاها برای بزرگ شدن و رشد بدن لازم هستند، مانند: گوشت، تخم‌مرغ، شیر، پنیر...

بدن به ویتامین‌ها و موادّ معدنی هم احتیاج دارد، میوه‌ها و سبزیهای تازه ویتامین دارند و شیر، تخم‌مرغ، اسفناج و سایر سبزی‌ها مواد معدنی هم دارند. بدن ما برای رشد و سلامتی، خیلی چیزها لازم دارد امّا هرچه لازم دارد در انواع غذاها هست.

ما باید میوه‌های گوناگون و غذاهای مختلف تولید کنیم و از آنها استفاده نماییم تا خوب رشد کنیم و سالم باشیم.

حسن از آموزگار اجازه گرفت و گفت: من خیال می‌کردم که غذا خوردن فقط گرسنگی را برطرف می‌کند امّا حالا فهمیدم که ما برای رشد و سلامتی، غذاهای گوناگون لازم داریم، حالا متوجّه شدم که ما خیلی چیزها احتیاج داریم.

آموزگار گفت: امّا جای خوشحالی است که بدن ما هر چه لازم دارد، در جهان هست، میوه‌های مختلف و سبزی‌های گوناگون داریم. برنج، گندم، نخود، لوبیا، عدس، بادام، پسته، فندق... همه چیز هست. درختها برای ما میوه درست می‌کنند و از شیر و گوشت بعضی از حیوانات هم استفاده می‌کنیم.

راستی بچّه‌ها! چه کسی به فکر ما بوده و از تمام احتیاجات ما خبر داشته است و هر چه را لازم داشته‌ایم برای ما پیش‌بینی کرده است؟

آری کودکان عزیز! خدای مهربان همه چیز را برای ما آفریده است، و به‌ما نیرو داده تا کار و کوشش کنیم و جهان را آباد سازیم. هم خودمان استفاده کنیم و خدای را سپاس گوییم، هم به دیگران سود برسانیم.

هر انسان نیرومندی که کار نکند و به مردم سود نرساند، حق ندارد از حاصل دسترنج دیگران استفاده کند. شما نیز به پدر و مادرتان کمک می‌کنید و برای اجتماع سودمند هستید. چون می‌دانید که خدا افراد بیکار و تنبل را دوست ندارد.

به فکر تهیدستان و گرسنگان جهان باشید و از حقوق آنان دفاع کنید.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ اگر چیزی را نفهمیدید چه می‌کنید؟ از چه کسی می‌پرسید؟
۲ ــ اگر مدّتی غذا نخورید چه حالی پیدا می‌کنید؟ چرا؟
۳ ــ احتیاجات بدن خود را چگونه برطرف می‌کنید؟
۴ ــ حیوانات و گیاهان چه خدمتی به ما می‌کنند؟
۵ ــ چه کسی به فکر ما بوده و هر چه لازم داشته‌ایم آفریده است؟
۶ ــ در جهان چه خدمتی برعهدهٔ ماست؟
۷ ــ چه کسی باید جهان را آباد کند؟
۸ ــ چه کسی حق ندارد از حاصل دسترنج دیگران استفاده کند؟
۹ ــ آیا شما به پدر و مادرتان کمک می‌کنید؟ چگونه؟
۱۰ ــ چگونه باید به فکر تهیدستان و گرسنگان باشیم؟

بدن ما، به غذاهای گوناگون «احتیاج» دارد.
اگر غذاهای گوناگون، نداشتیم چه می‌کردیم؟
آیا می‌توانستیم، راه برویم و کار کنیم؟





برای سلامت بدن، باید مقداری آب بنوشیم؛
اگر آب نبود، چه می‌کردیم؟
آیا می‌توانستیم، کارکنیم؟ آیا می‌توانستیم بدویم و بازی‌کنیم؟





آیا می‌دانید: چه کسی، همهٔ «احتیاجات» ما را می‌دانسته و آنها را، برای ما، آفریده است؟ ما چگونه از این همه نعمت، تشکّر می‌کنیم؟

خدای دانا و توانا

بدن ما به غذاهای گوناگون «احتیاج» دارد. اگر غذاهای گوناگون نداشتیم چه می‌کردیم؟

برای سلامت بدن باید مقداری آب بنوشیم، اگر آب نداشتیم چه می‌کردیم؟

اگر دهان نداشتیم که آب و غذا را بخوریم، چه می‌کردیم؟

اگر دندان نداشتیم که غذا را بجویم، چه می‌کردیم؟

ولی جای خوشحالی است، که تمام احتیاجات و وسایل زندگی ما، در جهان، هست. میوه‌های گوناگون می‌خواهیم، که هست؛ سبزی‌های مختلف می‌خواهیم، که هست؛ تشنه می‌شویم، آب، هست.

دهان هم داریم، که با آن غذا بخوریم، دست داریم که غذا را برداریم و در دهان بگذاریم، معده و روده داریم، که غذا را هضم کنند؛ چشم داریم که با آن ببینیم؛ گوش داریم که با آن بشنویم؛ زبان داریم، که با آن حرف بزنیم و مزهٔ غذاها را بچشیم.

هر چه برای رشد و سلامت ما، لازم بوده است، در جهان، هست.

از این نظم دقیق و ارتباط مخصوصی که میان ما و سایر موجودات جهان، برقرار است، می‌فهمیم که:

آفریدگار دانا و توانایی ما را آفریده و قبلاً به فکر ما بوده و تمام «احتیاجات» ما را پیش‌بینی کرده است.

آن آفریدگار، خداست، که هم دانا و هم تواناست.

اگر دانا نبود، نمی‌دانست ما چه چیزهایی را لازم داریم.
و اگر توانا نبود، نمی‌توانست چیزهایی را که لازم داریم، بیافریند.
اکنون فهمیدیم که: خدا «عالم» است یعنی: داناست. و خدا «قادر» است یعنی: تواناست.

خدای دانا و مهربان به تمام بندگان لطف و محبّت دارد. این همه نعمت را برای همگان آفریده است. همهٔ انسانها حقّ زندگی و برخورداری از نعمتهای الهٰی را دارند. ولی بسیاری از ما در اثر جنایتهای تجاوزگران، از بسیاری از نعمتهای الهٰی محروم گشته‌ایم. بسیاری از ما میوه و غذا به قدر کافی در اختیار نداریم. حتّی گاهی از آب شیرین و آشامیدنی نیز محروم هستیم. ما همه مسلمانیم، باید به فکر یکدیگر باشیم. یک مسلمان نمی‌تواند تنها به فکر خود باشد و بر طبق دلخواه بخورد و بیاشامد و بپوشد و حتّی زیاده‌روی هم بکند و به فکر محرومان و تهیدستان نباشد. ما باید همه با هم برای آباد کردن کشور و رفع نیازمندیها بکوشیم و از حقوق پایمال شدهٔ مستمندان دفاع کنیم.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ از نظم دقیق و ارتباط مخصوصی که میان ما و سایر موجودات جهان برقرار است، چه می‌فهمیم؟
۲ ــ نمونه‌ای از ارتباطی که بین ما و سایر موجودات هست، بگویید.
۳ ــ «خدا عالم است» یعنی چه؟ «خدا قادر است» یعنی چه؟
۴ ــ چگونه می‌فهمیم که خدا دانا و توانا است؟

ای خدای مهربان!

ای خدای مهربان که بندگان را آفریده‌ای و همه را دوست داری.
ای مهربان خدا! که این همه نعمت را برای انسانها آفریدی و همه را روزی می‌رسانی. تو ما را آفریده‌ای تا در این جهان خوب و سربلند و در جهان



آخرت سعادتمند زندگی کنیم. پروردگارا! تو به ما مهربان بودی که پیامبران را فرستادی و امامان و رهبران را برگزیدی تا ما را به راه راست هدایت کنند و راه و رسم زندگی خوب را به ما بیاموزند. تا در دنیا و آخرت سعادتمند باشیم.

ای خدای عزیز! تو دوست داری همهٔ بندگان، نیکوکار باشند و بدکاران به خود آیند و بسوی تو باز گردند و در راه راست قدم بگذارند.

بار خدایا! تو از ما خواسته‌ای که باهم مهربان باشیم و برای رفاه و آسایش خلق محروم کوشش و جهاد کنیم و به کسی آزار نرسانیم. تو به ما فرمان داده‌ای که یار و یاور مظلومان باشیم و از آنان حمایت کنیم. تو به ما دستور داده‌ای که با ستمگران و زورگویان دشمن باشیم و با ستمگری پیکار و مبارزه کنیم.

پروردگارا! ما را به وظائف خویش آشنا ساز و یاریمان کن. تا دستورهایت را به کار بندیم و از بندگان شایسته‌ات باشیم.

تمرین

۱ ــ درست خواندن درس را تمرین کنید.

۲ ــ درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

بخش ۲

جهان آخرت
دنیا
مزرعه آخرت است

درس ششم

هر کاری، نتیجه‌ای دارد.
هیچ کاری، بی نتیجه نیست.



نام این مرد، علی‌آقا است.

علی آقا، مرد زرنگ و پرکاری است:

کار می‌کند، می‌کوشد، گل و درخت می‌کارد و آنها را آبیاری می‌کند.

این باغ زیبا را تماشا کنید، باغ علی آقا است، درختهایش بزرگ شده و میوه داده‌اند.

علی آقا، میوه‌ها را می‌چیند، خودش و بستگانش، از آنها استفاده می‌کنند و زیادی آنها را می‌فروشد و از فروش میوه‌ها، سود می‌برد.

خودش زندگی خوبی دارد، و به مردم هم، خدمت و کمک می‌کند.

آری: هرکس کار خوبی بکند، نتیجه‌اش را می‌بیند.



دنیا هم «مزرعهٔ» آخرت، است: هر کس در دنیا کار خوب انجام دهد در جهان آخرت «نتیجهٔ خوب» می‌گیرد.

هر کس در «زمینش» درخت و گل بکارد،
زمینش، باغ و گلستان می‌شود.



این مرد، تنبل و بیکاره است. «مزرعهٔ» او خراب و ویران است. درخت و باغ ندارد.

در فصل تابستان، که دهقانان میوه‌های باغ خود را می‌چینند، او میوه و محصول ندارد، حسرت می‌خورد، می‌گوید:

ای کاش! من هم درخت کاشته بودم! ای کاش، من هم باغ داشتم!

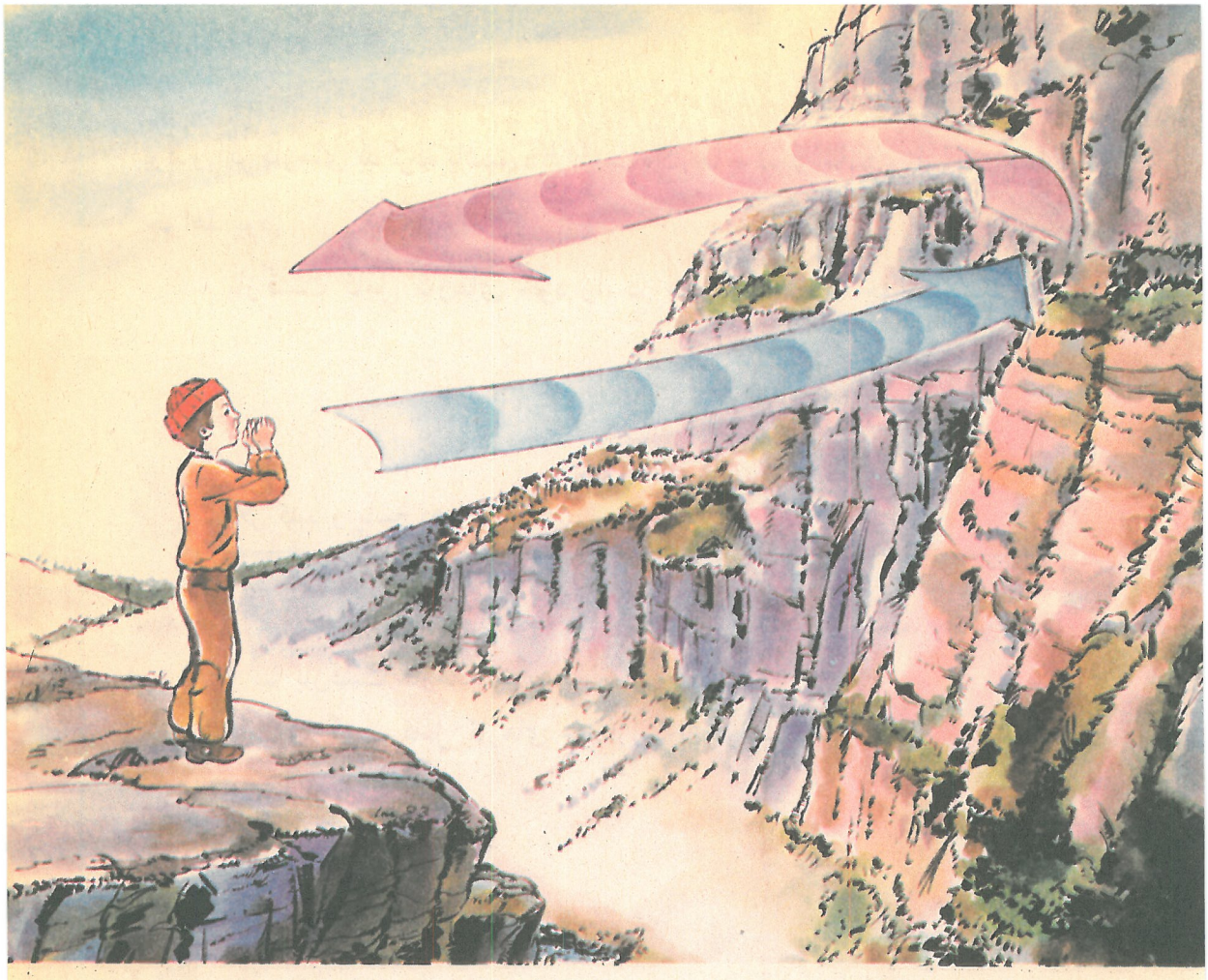
آری، هر کس کار نکند، بهره ندارد و بیچاره و بدبخت می‌شود.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ علی آقا چگونه مردی است؟
۲ ــ علی آقا چه کارهایی می‌کند و چه نتیجه‌ای می‌برد؟
۳ ــ دنیا مزرعهٔ آخرت است یعنی چه؟
۴ ــ نتیجهٔ بیکاری چیست؟ چرا بیکاره حسرت می‌خورد؟

جمله‌های زیر را کامل کنید (در دفتر خود بنویسید.)

۱ ــ هر کس کار نکند _____ ندارد.
۲ ــ بیکاره حسرت می‌خورد و می‌گوید: _____
۳ ــ مزرعه شخص تنبل و بیکاره _____ است.
۴ ــ دنیا _____ آخرت است.
۵ ــ علی آقا چون _____ می‌کند زندگی خوبی دارد و به مردم هم _____



بازگشت کارهای ما

مسعود در برابر کوه، با صدای بلند فریاد می‌کشد و می‌گوید: خوب... خوب...

صدای مسعود به کوه می‌خورد و برمی‌گردد، وقتی صدا برگشت، مسعود آن را می‌شنود، مثل اینکه کوه هم می‌گوید: خوب... خوب...

همهٔ کارهای ما «بازگشت» دارند و ناچار به سوی ما باز خواهند گشت.

اگر کارهای خوب کرده باشیم، «بازگشتِ» کارها برای ما خوب خواهد

بود. و اگر کارهای بد کرده باشیم، «بازگشتِ» کارها به سوی ما، بد و ناراحت کننده خواهد بود.

بازگشت کاملِ کارهای خود را، در «جهانِ آخرت» خواهیم دید.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ مسعود در مقابل کوه چه می‌گوید؟ وقتی صدایش برگشت، چه می‌شنود؟
۲ ــ بازگشت کارهای خوب ما چگونه است؟
۳ ــ بازگشت کامل کارهای خود را کجا خواهیم دید؟



کامل کنید (در دفتر خود بنویسید.)

۱ ــ همهٔ کارهای ما ــــــ و ناچار به سوی ما باز خواهند گشت.
۲ ــ کارهای خوب ما بازگشتِ ــــــ خواهند داشت.
۳ ــ کارهای بد ــــــ بد و ناراحت کننده خواهند داشت.
۴ ــ بازگشت کامل کارهای خود را ــــــ خواهیم دید.

زندگی در جهان آخرت

سعیده، نه سال دارد و در کلاس سوّم، درس می‌خواند. دختر با هوش و کنجکاوی است، مرتّب سؤال می‌کند و جواب می‌خواهد.

روزی از مادرش پرسید: مادرجان! یعنی چه، صبح که می‌شود، صبحانه می‌خوریم، پدر می‌رود سَرِکار، من می‌روم به مدرسه، شما کار می‌کنید تا شب می‌شود، پدر به خانه می‌آید، شام می‌خوریم، شما سفره را جمع می‌کنید، بعد می‌خوابیم؟!

فردا همین‌طور، پس فردا همین‌طور و همیشه همین‌طور!!

این کارها یعنی چه؟ مادرجان! ما برای چه بزرگ می‌شویم، دخترها زن می‌شوند و پسرها مرد می‌شوند؟ و بعد پیر می‌شویم و می‌میریم و زندگی ما تمام می‌شود! این همه کار می‌کنیم که بمیریم؟! چنان‌که مادربزرگ مرد!

چه بی‌نتیجه! چه بیهوده!

سعیده می‌خواهد به مادرش بگوید: این زندگی که ما داریم، هیچ فایده‌ای ندارد؛ چون هر روز، همان کارهای دیروز را تکرار می‌کنیم، یعنی: می‌خوریم و می‌خوابیم و کار می‌کنیم و عاقبت می‌میریم و از این همه کار هیچ «نتیجه‌ای» نمی‌گیریم، زیرا زندگی ما تمام می‌شود و دیگر نیستیم که نتیجه‌ای بگیریم.

مادرش گفت: سعیده‌جان! زندگی و کارهای ما، بی «نتیجه» نیست. ما با مردن نابود نمی‌شویم و زندگی ما تمام نمی‌شود بلکه از این جهان به «جهان آخرت» می‌رویم و در آن جا «نتیجهٔ کاملِ» کارهای خود را می‌بینیم.



سعیده‌جان! ما، در «جهان آخرت» همیشه زنده خواهیم بود، نیکوکاران به بهشت می‌روند و در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند و گناهکاران به جهنّم می‌روند و در عذاب و ناراحتی خواهند بود.

لذّت‌ها و نعمت‌های جهانِ آخرت، عالی‌تر و برتر از لذّت‌ها و نعمت‌هایِ دنیاست؛ هیچ نقص و عیبی ندارند. بهشتیان همواره مورد توجّه و محبّت مخصوصِ پروردگار جهان می‌باشند و خدا همیشه نعمت‌های تازه‌ای به ایشان می‌بخشد؛ بهشتیان از نعمت‌های تازه و محبّت‌های پاکِ پروردگارشان بهره‌مند می‌شوند و از این همه نعمت و محبّت، پیوسته شادمان و خشنودند.

خدا در قرآن می‌فرماید:

ما شما را بیهوده نیافریده‌ایم و شما به سوی ما، به جهان آخرت باز می‌گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ سعیده چه چیزی را بی‌خود و بی‌نتیجه می‌دانست؟... چرا؟
۲ ــ مادرش درجواب، چه گفت؟
۳ ــ آیا ما با مُردن، نابود می‌شویم؟ اگر با مُردن نابود می‌شدیم آیا این همه کار و کوشش، بیهوده و بی‌نتیجه نبود؟
۴ ــ بازگشت و نتیجهٔ کامِل کارهای خود را در کجا خواهیم دید؟
۵ ــ نیکوکاران در جهان آخرت، چگونه خواهند بود؟ گناهکاران چطور؟
۶ ــ «دنیا مزرعهٔ آخرت است»، یعنی چه؟

تمرین (یک یا دو تمرین را انتخاب کنید.)

۱ ــ دربارهٔ مطالب درس با یکی از اعضای خانواده گفتگو کنید.
۲ ــ پاسخ سؤالهای بالا را بنویسید و در کلاس بخوانید.
۳ ــ گفتگوی سعیده رابا مادرش بنویسید.

پیامبران
راهنما و معلّم خوب انسانها

بخش ۲

درس هشتم

پیامبران، معلّم انسانها

این مرد، راه را گم کرده است و سرگردان است.

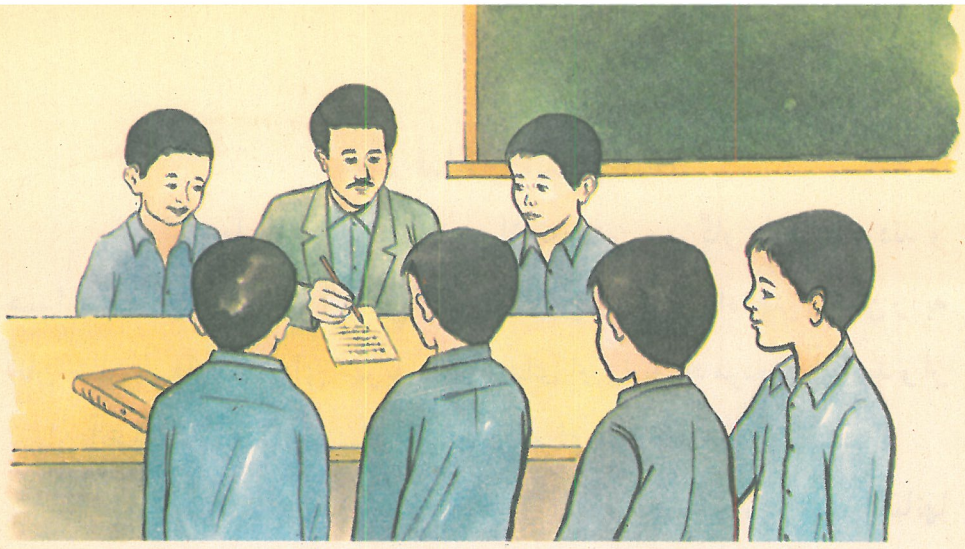
آیا کسی که خودش سرگردان است و راه را بلد نیست، می‌تواند دیگران را رهبری کند؟

آیا او می‌تواند مردم دیگر را به مقصد برساند؟

آیا شما از کسی که راه را بلد نیست، پیروی می‌کنید؟

آیا کسی که خواندن و نوشتن را بلد نیست، می‌تواند به دیگران





خواندن و نوشتن یاد دهد؟

پس: رهبر و راهنما، باید آگاه و دانا باشد، تا بتواند مردم را، سرپرستی و راهنمایی کند و به مقصد برساند.

این کودکان چه می‌کنند؟

چه کسی به آنها درس می‌دهد؟

آیا شما، قبلاً خواندن و نوشتن را بلد بودید؟

چه کسی خواندن و نوشتن را به شما یاد داد؟

آیا شما بدون راهنما و آموزگار، می‌توانستید خواندن و نوشتن را یاد بگیرید؟ نه... هرگز.

پس: کلاس، احتیاج به آموزگار دارد.

آموزگار راهنمای دانش‌آموزان است، کلاس را منظّم می‌کند و به دانش‌آموزان درس می‌دهد.

پیغمبران هم معلّم انسانها هستند، مردم را راهنمایی می‌کنند و راه زندگی بهتر را به آنها نشان می‌دهند و آنها را هدایت و رهبری می‌کنند.

معلّم فداکار انسانها

پیامبران معلّم انسانها هستند و از نخستین روزگار با مردم بودند و همواره در تعلیم و تربیت آنها می‌کوشیدند. آیین زندگی و راه بهتر زیستن را به آنان نشان می‌دادند. خدای مهربان و نعمتهای او را به یاد مردم می‌آوردند و از جهان آخرت و نعمتهای زیبای آن جهان برای مردم سخن می‌گفتند.

پیامبران همانند یک معلّم فداکار و دلسوز به تعلیم و تربیت انسانها می‌پرداختند. راه پرستش خدا را به آنها نشان می‌دادند. آنها اخلاق نیک و بد و کردار نیک و بد را توضیح می‌دادند. و مهربانی و کمک و خیرخواهی و انسان‌دوستی را به مردم می‌آموختند.

در میان همهٔ انسانها، انسانهای نخستین بی‌آلایش و کم‌اطّلاع و ساده‌تر بودند، و پیامبران هم برای ارشاد و راهنمایی آنان تلاش بیشتری کردند و رنج و زحمت بیشتری کشیدند. در اثر زحمتها و کوششها و راهنماییهای پیامبران، انسانها تدریجاً ترقّی و پیشرفت نمودند و با خوبیهای اخلاقی آشنا شدند.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ آیین زندگی و راه بهتر زیستن را چه کسانی به انسانها نشان می‌دهند؟
۲ ــ پیامبران چه چیزهایی را برای مردم یادآوری می‌کردند؟
۳ ــ پیامبران برای راهنمایی چه کسانی بیشتر زحمت کشیدند و تلاش کردند؟
۴ ــ پیامبران چه کارهایی را در بین مردم ترویج می‌کردند؟
۵ ــ رهبر و راهنما باید چه صفاتی داشته باشد؟

معلّم و رهبر آگاه مردم

پیغمبر، معلّم و رهبر آگاه مردم است، هر چه برای رهبری لازم باشد، همه را می‌داند: تمام دستورهای دین را می‌داند، کارهای خوب و بد را کاملاً می‌شناسد.

پیامبر می‌داند که چه کارهایی انسان را در جهان آخرت سعادتمند می‌کند و چه کارهایی انسان را در جهان آخرت بدبخت می‌کند.

پیغمبر، خدا را خوب می‌شناسد، از وضع جهان آخرت و بهشت و جهنّم خبر دارد، از اخلاق خوب و بد کاملاً آگاه است، در علم و دانش سرآمدِ همهٔ مردم است و کسی به مرتبه‌اش نمی‌رسد.

خدای دانا و توانا، همهٔ این علوم را در اختیار پیغمبرش قرار داده تا بتواند مردم را رهبری و سرپرستی کند. پیغمبر معلّم مردم و یک رهبر کامل است.

***

سلام بر ابراهیم

حضرت ابراهیم و همهٔ پیامبران خدا، از مردم بودند و در میان مردم و مانند آنان زندگی می‌کردند و به فرمان و راهنمایی خدا برای سعادت و پیشرفت مردم کوشش می‌کردند.

پیغمبران از نخستین روزگار با مردم بودند. راه زندگی بهتر را به مردم نشان می‌دادند و دربارهٔ خداشناسی و جهان آخرت و کارهای خوب و شایسته با مردم صحبت می‌کردند. با بی‌دینی و ستمگری مبارزه می‌نمودند و از ستمدیدگان

طرفداری می‌کردند. کوشش می‌کردند تا در میان مردم دوستی و برابری برقرار شود.

پیغمبران هزاران سال کوشیدند تا راه عبادت و خداشناسی و بهترین روش زندگی را، برای انسانها روشن کردند. ما اکنون از نتیجهٔ زحمتهای پیغمبران و پیروانشان، استفاده می‌کنیم.

و به همین جهت، از آنان تشکّر می‌کنیم و بر آنان درود می‌فرستیم و می‌گوییم:

سلام بر همهٔ پیامبران خدا!
سلام بر حضرت نوح پیامبر بزرگ خدا
سلام بر پیامبر بزرگ خدا، حضرت ابراهیم!
و سلام بر پیروان ابراهیم!
و سلام بر حضرت موسی و حضرت عیسی، پیامبران بزرگ خدا
و سلام بر آخرین پیامبر خدا، حضرت محمّد.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ رهبر و معلّم مردم کیست و چه چیزهایی را می‌داند تا مردم را رهبری کند؟
۲ ــ علم و دانش پیغمبر چگونه است؟ آیا کسی به مرتبه‌اش می‌رسد؟
۳ ــ چه کسی این علوم را در اختیار پیغمبر قرار داده است؟
۴ ــ پیامبران با چه کسانی مبارزه می‌کردند و از چه کسانی طرفداری می‌کردند؟
۵ ــ پیامبران دربارهٔ چه چیزهایی با مردم صحبت می‌کردند؟
۶ ــ چه کسانی بهترین روش زندگی را به انسانها آموخته‌اند؟
۷ ــ چرا از پیغمبران تشکّر می‌کنیم و بر آنان درود می‌فرستیم؟

جملات زیر را کامل کنید

۱ ــ پیامبران _____ انسانها هستند.
۲ ــ پیامبران از جهان آخرت و _____ برای مردم سخن می‌گفتند.
۳ ــ پیامبران بذر اخلاق نیک و رفتار شایسته را در میان انسانها _____ .
۴ ــ در اثر زحمتهای پیامبران، انسانها تدریجاً _____ نمودند.

آخرین پیغمبر خدا
حضرت محمّد

نام پدرش عبداللّه و نام مادرش آمِنه است. در عامُ‌الفیل، روز هفدهم ربیع‌الاوّل در شهر مکّه به دنیا آمد. هنوز به دنیا نیامده بود که پدرش «عبداللّه» از دنیا رفت. «آمِنه» تا شش سال از محمّد پرستاری کرد ، وقتی که محمّد شش ساله شد، مادرش آمِنه نیز از دنیا رفت.

بعد از مرگ آمنه «عبدالمطّلب، پدربزرگ محمّد» از او نگهداری می‌کرد.

عبدالمطّلب محمّد را خیلی دوست می‌داشت و با او مهربانی می‌کرد، از آیندهٔ محمّد خبر داشت، از دانشمندان یهودی و مسیحی شنیده بود که، پیغمبر بزرگی از مکّه برانگیخته خواهد شد.

عبدالمطّلب مورد احترام عرب بود. در کنار کعبه می‌نشست و مردم اطرافش می‌نشستند. محمّد تنها کسی بود که پهلوی جدّش می‌نشست. گاهی که می‌خواستند نگذارند محمّد پیش جدّش برود، عبدالمطّلب می‌گفت: بگذارید فرزندم بیاید، به خدا سوگند، آثار بزرگی در چهره‌اش نمودار است؛ می‌بینیم روزی را که او رهبر بزرگ شما می‌شود و شما را از ذلّت و ظلم و ستم نجات می‌بخشد.

عبدالمطّلب محمّد را نزدیک خویش می‌نشانید و او را نوازش می‌کرد و چون از آیندهٔ درخشان محمّد آگاه بود در حفظ و نگهداریش می‌کوشید. همیشه با او بود و با او غذا می‌خورد.

محمّد از کودکی با هوش و با ادب بود، «ابوطالب» عمویش می‌گوید:

محمّد، هنگام غذا خوردن بسم‌الله می‌گفت و بعد از غذا، خدا را شکر می‌کرد و اَلْحَمْدُلِلّه می‌گفت.

هیچ‌گاه دروغی از محمّد نشنیدم و کار زشت و ناپسندی از او ندیدم، هیچ‌وقت با صدای بلند نمی‌خندید بلکه همیشه لبخند می‌زد. با کودکان مهربان بود و هرگز به کسی دشنام نمی‌داد.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ حضرت محمّد در چه سالی، به دنیا آمد؟ در چه ماهی و در چه روزی؟
۲ ــ نام مادرش چه بود؟ نام پدرش چه بود؟
۳ ــ عبدالمطّلب با محمّد چه نسبتی داشت؟ دربارهٔ او چه می‌گفت؟
۴ ــ دانشمندان یهودی و مسیحی چه می‌گفتند؟
۵ ــ رفتار حضرت محمّد، در کودکی، چگونه بود؟ عمویش دربارهٔ او چه می‌گفت؟



تمرین (دو تمرین را انتخاب کنید و انجام دهید.)

۱ ــ این درس را برای یکی از اعضای خانواده بخوانید.
۲ ــ پاسخ سؤال ۵ را بنویسید.
۳ ــ دو سؤال دیگر از درس طرح کنید و بنویسید.

محمّد امین

در یکی از سالها، مردم مکّه، خانهٔ کعبه را، از نو می‌ساختند. همهٔ مردم، در ساختن کعبه همکاری می‌کردند.

دیوار کعبه را تا جایگاه مخصوص «حَجَرُالْاَسْوَد» بالا بردند. (حجرالاسود سنگ محترمی است). هر یک از بزرگان مکّه، میل داشت که آن سنگ را تنها خودش در جایگاه مخصوص بگذارد و با این عمل، خود و طایفه‌اش را، سربلند گرداند. کم‌کم کارشان به نزاع کشید، هر کسی می‌گفت: فقط، من، باید حجرالاسود را در جایش بگذارم.

پرخاش و اختلاف زیاد شد. وضع خطرناکی پیش آمد. نزدیک بود جنگ سختی شروع شود؛ آمادهٔ جنگ شدند.

در این هنگام، مرد دانا و خیرخواهی برخاست و گفت: ای مردم! از جنگ واختلاف، دوری‌کنید؛ زیرا جنگ واختلاف، شهرها وخانه‌ها راویران می‌سازد و مردم را پراکنده و بدبخت می‌کند، از نادانی دست بردارید و چارهٔ کار را پیدا کنید.

بزرگان مکّه گفتند: چه کنیم؟! چارهٔ کار چیست؟!

مرد دانا گفت: یک نفر را انتخاب کنید تا در میان شما داوری کند و نزاع و اختلاف را پایان دهد.

گفتند: قبول داریم، پیشنهاد خوبی است.

ولی هر طایفه‌ای می‌گفت: قاضی باید از ما باشد.

باز هم کار، به اختلاف و نزاع کشید.

همان مرد خیراندیش گفت: حالا که نمی‌توانید در انتخاب قاضی، باهم موافقت کنید، نخستین کسی را که از این درِ «مسجدالحرام» وارد می‌شود، قاضی قرار دهید.

همه گفتند: قبول داریم...

چشمها، به سوی آن در، خیره شد؛ دلها در اضطراب بود که: چه کسی وارد می‌شود و به نفع کدام طایفه، داوری خواهد کرد؟

جوانی وارد شد. همه خوشحال شدند و گفتند: چه خوب! محمّد است، محمّد امین! محمّد امین! با انصاف و درستکار است، داوری او را قبول داریم.

حضرت محمّد وارد شد. داستان اختلاف را برایش گفتند. اندکی فکر کرد، سپس فرمود: بزرگان مکّه، همه باید در این کار مهمّ، شرکت کنند.

مردم از روی تعجّب پرسیدند: مگر می‌شود؟!... چگونه؟!...

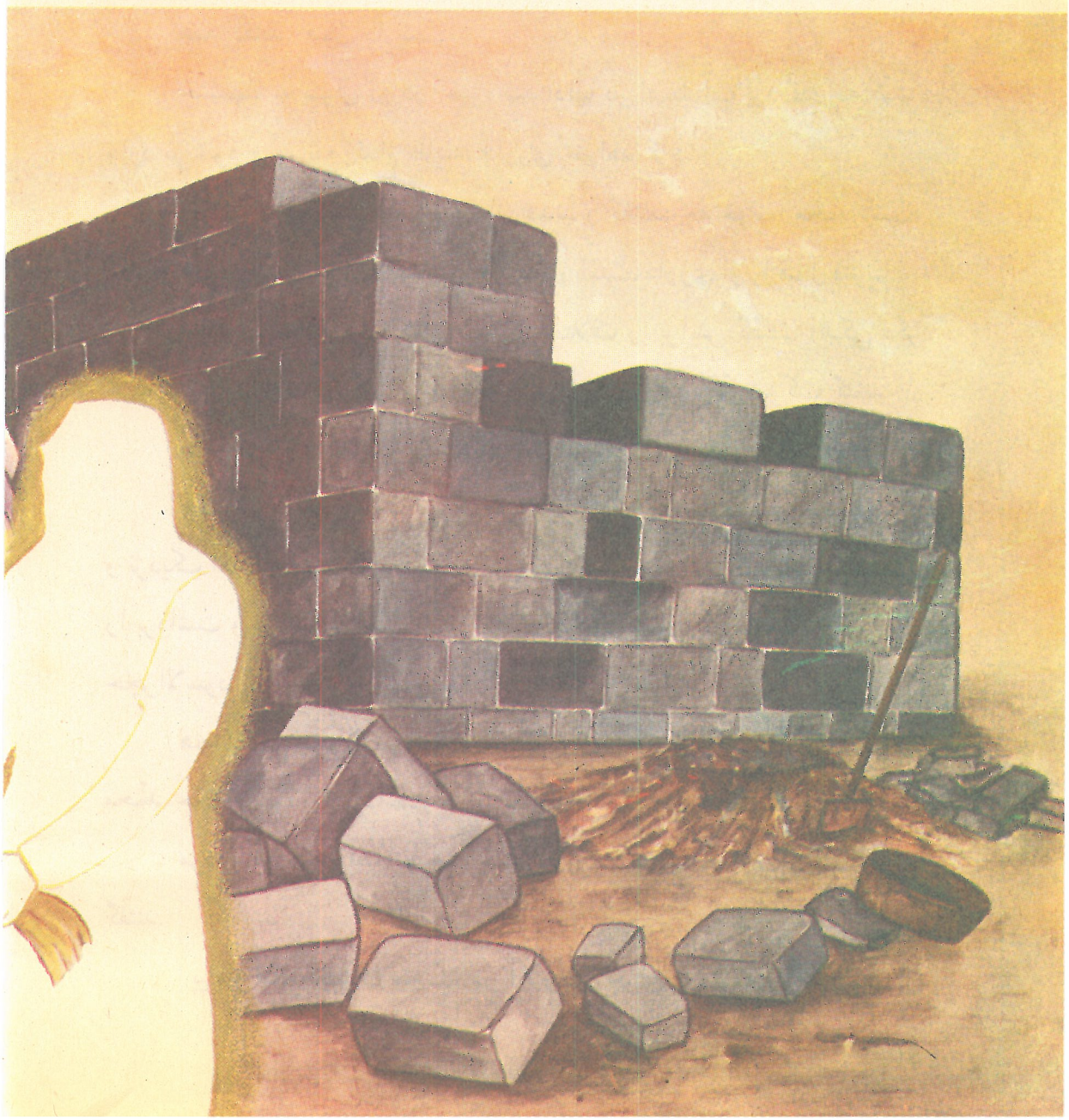
حضرت محمّد فرمود: بزرگ هر طایفه‌ای حاضر شود. همه حاضر شدند و نزدیک آمدند. حضرت محمّد، عبایش را، روی زمین پهن کرد و حجرالاسود را برداشت و در عبا گذاشت. سپس به آنها فرمود: همه، اطراف عبا را بگیرید و حجرالاسود را بردارید و بیاورید!

همه باهم، حجرالاسود را تا جایگاه مخصوص آوردند، آن‌گاه حضرت محمّد حجرالاسود را برداشت و در جایگاه مخصوصش گذاشت.

مردم مکّه، همه راضی و خشنود شدند و به کاردانی حضرت محمّد، آفرین گفتند.

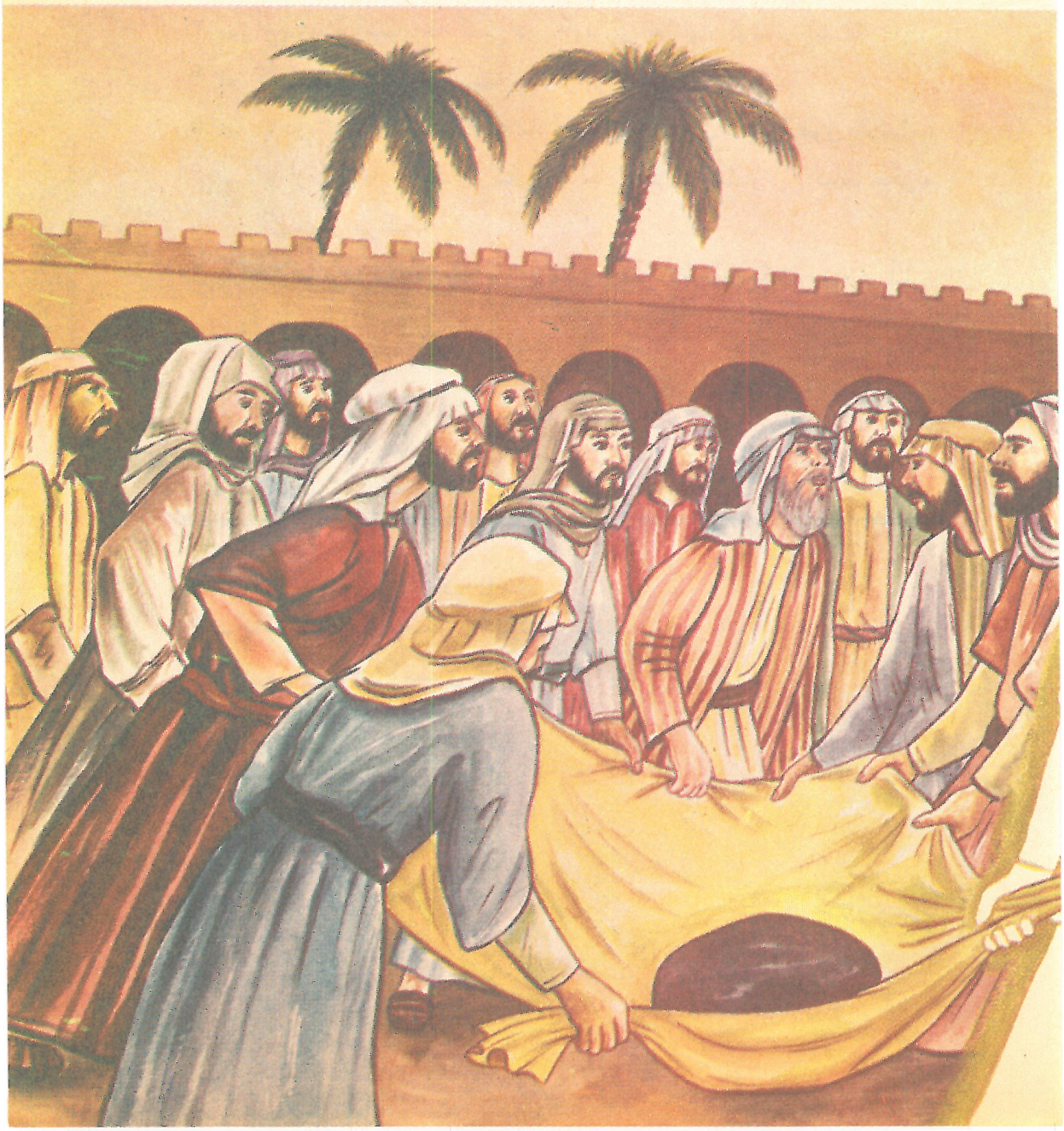
پیامبر ما، حضرت محمّد، در آن زمان جوان بود و هنوز به پیغمبری

برگزیده نشده بود. ولی آن قدر درستکار و امین بود که به نام «محمّد امین» معروف بود؛ مردم به وی اعتماد داشتند و چیزهای گرانبهای خود را به او می‌سپردند، حضرت محمّد در نگهداری امانتها کوشش می‌کرد و سالم تحویل



صاحبانش می‌داد. برای برطرف کردن اختلافات،به او مراجعه می‌کردند و همه، داوری او را، قبول داشتند.

درود و سلام فراوان، بر پیغمبر درستکار و امین



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ پیامبر ما، در جوانی، به چه نامی معروف شده بود؟ ... چرا؟
۲ ــ وقتی حضرت محمّد، از درِ «مسجدالحرام» وارد شد، مردم چه گفتند؟
۳ ــ از دوستان شما، چه کسی در نگهداری امانتها، کوشاتر است؟
۴ ــ کدام یک از دوستان شما، بیشتر مورد اعتماد است؟
۵ ــ آیا دوستان شما، به شما اعتماد دارند؟ آیا داوری شما را قبول دارند؟
۶ ــ آیا از کتابخانهٔ دبستان، کتابی به امانت گرفته‌اید؟ از این کتاب چگونه نگهداری می‌کنید؟
۷ ــ اختلاف مردم مکّه در چه چیزی بود و حضرت محمّد چگونه اختلاف آنان را حلّ کرد؟

تمرین (دو تمرین را انتخاب کنید و انجام دهید.)

۱ ــ خلاصهٔ داستان را بنویسید.
۲ ــ یک صحنه از داستان را نقاشی کنید.
۳ ــ درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

پیامبر مهربان

پیامبر گرامی، حضرت محمّد صلی‌الله علیه و آله همیشه نسبت به ناتوانان و سالخوردگان و کودکان مهربان و دلسوز بود. حتّی در نماز جماعت، رکوع و سجده را طول نمی‌داد مبادا بر سالخوردگان و بیماران دشوار افتد.

امّا برخلاف معمول یک روز سجدهٔ نمازش طولانی شد. یکی از اصحاب که در این نماز جماعت شرکت داشت می‌گوید: طبق معمول، سر از سجده برداشتم ولی دیدم پیامبر هنوز در سجده است. دوباره به سجده رفتم، صبر کردم تا پیامبر سر از سجده برداشت و تکبیر گفت؛ با شنیدن صدای تکبیر، سر از سجده برداشتم. کسی نمی‌دانست چرا پیامبر این سجده را برخلاف معمول طولانی‌تر کرده است.

هنگامی که نماز تمام شد یکی از اصحاب نزد پیامبر رفت و گفت: یا رسولَ الله! شما همیشه سجدهٔ نماز جماعت را کوتاه می‌کردید. چه شد که این بار سجده را طولانی‌تر نمودید؟! پیامبر فرمود: هنگامی که در سجده بودم و می‌خواستم سر از سجده بردارم کودک خردسالم حسن آمد و بر پشتم سوار شد. او تازه سوار شده بود و دوست داشت اندکی بر پشت من بنشیند. قدری سجده را طولانی‌تر کردم، تا آن کودک خردسال دلگیر نشود، و با میل خود پایین بیاید.

پیامبر گرامی ما آن قدر کودکان را دوست می‌داشت که حتّی در حال نماز هم نسبت به آنان دلسوزی می‌کرد. پیامبر به اصحابش سفارش می‌فرمود و می‌گفت:

محبّت و خوشرفتاری با کودکان از اخلاق پیغمبران است. هر کس

بزرگترها را احترام نکند و به خردسالان مهربان و دلسوز نباشد از مسلمانان نیست.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ چرا پیامبر در نماز جماعت سجده‌اش را کوتاه می‌کرد؟
۲ ــ چرا در آن نماز سجده را طولانی‌تر کرد؟
۳ ــ پیامبر با کودکان چگونه رفتار می‌کرد؟
۴ ــ دربارهٔ کودکان به اصحابش چه سفارش کرد؟
۵ ــ دربارهٔ بزرگترها چه سفارش کرد؟
۶ ــ اخلاق پیامبران در برخورد با کودکان چگونه بود؟
۷ ــ شما با پدر و مادر و معلّم خود چگونه رفتار می‌کنید؟
۸ ــ با کوچکترها چگونه رفتار می‌کنید؟ آیا رفتار شما طبق سفارش پیامبر است؟

دین اسلام، آخرین و بهترین دین آسمانی

دین اسلام بهترین و کامل‌ترین دین‌ها است، خدای مهربان، دین اسلام را به وسیله حضرت محمّد ــ صلّی الله علیه و آله ــ برای ما فرستاده است، تا راه پرستش خدا و بهترین روش زندگی را به ما بیاموزد. خدا می‌فرماید: هر کس دین اسلام را نپذیرد و دین و روش دیگری را انتخاب کند، از او قبول نمی‌شود و در جهان آخرت بیچاره و زیانکار می‌گردد.

دین اسلام به ما یاد می‌دهد که: چگونه خدا را بشناسیم.

با پدر و مادر خود چگونه رفتار کنیم، با دیگران چگونه رفتار کنیم، چه کارهایی بکنیم تا در دنیا و آخرت سعادتمند گردیم.

دین اسلام به ما یاد می‌دهد که: چه کارهایی «حلال» است و ما می‌توانیم آنها را انجام دهیم. و چه کارهایی «حرام» است و ما نباید آنها را انجام دهیم.

اسلام رهایی بخش همه انسان‌های ستمدیدهٔ جهان است.

مسلمان کیست؟

مسلمان کسی است که:

۱ ــ به خدای یگانه و جهان آخرت ایمان داشته باشد.

۲ ــ حضرت محمّد را «آخرین پیغمبر خدا» بداند.

۳ ــ در همهٔ کارها تسلیم دستورهای خدا و حضرت محمّد باشد.

۴ ــ دوست و یاور مسلمانان و دشمن ستمگران باشد.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ دین اسلام دو چیز مهم به ما می‌آموزد، آن دو چیست؟
۲ ــ سرانجامِ کسی که اسلام را نپذیرد، چیست؟
۳ ــ به چه کارهایی «حلال» می‌گویند و به چه کارهایی «حرام»؟
۴ ــ مسلمان کیست؟ چهار ویژگی اساسی یک مسلمان را بگویید.
۵ ــ راه رهایی انسانهای ستمدیدهٔ جهان چیست؟

قرآن پیام خدا

قرآن پیام آسمانی و برنامهٔ زندگانی است. خدای مهربان، این کتاب نورانی را به وسیلهٔ حضرت محمّد صلّی‌اللّه علیه و آله برای ما و همهٔ مردم جهان فرستاده است.

قرآن کتاب آزادی و هدایت است. بهترین راه زندگی را به ما می‌آموزد.

راه خداشناسی و عبادت را یاد می‌دهد. اخلاق خوب و بد را معرّفی می‌کند.

درس فداکاری و جانبازی می‌دهد. قرآن پیام خون و شهادت است: به ما می‌گوید: ستم نکنید امّا در برابر ستمگران نیز تسلیم نباشید. از مرگ و شهادت نهراسید و با ستمگران سازش نکنید. قرآن به ما می‌گوید: با نیروی ایمان به اَللّه تکیه کنید و از غیر خدا نترسید و بر بیدینان و ستمگران یورش برید و آنان را خوار و ذلیل گردانید.

قرآن به ما می‌گوید: همه باهم متحد و یکصدا باشید و از مقام رهبری اطاعت‌کنید و به‌فرمان او بر ستمگران بتازید و انسان‌ها را از بند ستم آزادورها سازید، تا در این جهان، سر بلند و آزاد باشید و در جهان آخرت، سعادتمند و کامیاب گردید.

مسلمان باید خواندن قرآن را یاد بگیرد و معنای آن را با راهنمایی دانشمندان دین بفهمد. هم خودش به دستورهای رهایی بخش قرآن عمل کند و هم به دیگران بیاموزد.

پیامبر گرامی ما فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به

دیگران یاد بدهد و باز فرمود: هر کس به قرآن عمل کند بـه بـهشت مـی‌رود و هر کس قرآن را پشت سر بیندازد به جهنّم خواهد رفت.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ قرآن سخن و پیام کیست؟
۲ ــ شما برای یاد گرفتن قرآن، چه برنامه‌ای دارید؟
۳ ــ کسی که به دستورهای قرآن عمل کند، در این جهان و در جهان آخرت چگونه زندگی خواهد کرد؟
۴ ــ سخن پیامبر در مورد یاد گرفتن و یاد دادن قرآن چیست؟
۵ ــ پشت سر انداختن قرآن یعنی چه؟ سخن پیامبر در این مورد چیست؟



جمله‌های زیر را کاملِ کنید

۱ ــ قرآن پیام ____ و برنامه ____ است.
۲ ــ خدای مهربان این کتاب نورانی را به وسیلهٔ ____ برای همه مردم فرستاده است.
۳ ــ قرآن کتاب آزادی و ____ است.
۴ ــ قرآن به ما می‌گوید: ستم نکنید اما در برابر ____ نیز تسلیم نباشید.
۵ ــ قرآن به ما می‌گوید: از مرگ و شهادت ____ و با ستمگران ____ نکنید.
۶ ــ قرآن به ما می‌گوید: با هم متحّد و ____ باشید.

ماییم همه مطیع قرآن
مایيم نگاهدارش از جان



قرآنِ روشنگر

قرآن که کتاب آسمانی است　　روشنگر راه زندگانی است
قرآن که نشان دهد ره راست　　برنامهٔ زندگانی ماست
خیر دو جهان برای انسان　　حاصل شود از عمل به قرآن

* * *

فرموده پیامبر: ای مسلمان　　هر کس که عمل کند به قرآن
قرآن همه جا مقابل اوست　　گلزار بهشت، منزل اوست
امّا به جهنّم است، جایش　　آن‌کس که نکرد اعتنایش

* * *

این است کتاب دینی ما　　برنامهٔ جاودانی ما
ماییم همه مطیع قرآن
ماییم نگاهدارش از جان

شعر از: حبیب‌الله چایچیان

این شعر را حفظ کنید.

درس پانزدهم

سلام، سخنی مهرافزا

پیامبر گرامی ما، حضرت محمّد ــ صلّی اللّه علیه وآله ــ و یارانش نشسته بودند و با یکدیگر صحبت می‌کردند. شخصی بدون اجازه وارد شد و سلام هم نکرد. پیغمبر به او فرمود:

چرا سلام نکردی؟! چرا اجازه نگرفتی؟! برگرد، ...

اجازه بگیر و سلام کن و بعد، وارد شو.

و نیز دربارهٔ سلام کردن فرموده است:

* ای مسلمانان! شما وارد بهشت نمی‌شوید، مگر اینکه باهم مهربان باشید و باهم مهربان نمی‌شوید، مگر وقتی یکدیگر را می‌بینید، باگرمی به‌هم سلام کنید.
* همیشه آشکار و بلند سلام کنید و جواب سلام را هم بلند و آشکار بدهید.
* کسی که اوّل سلام کند، خدای مهربان، ثواب و پاداش بهتری به‌او می‌دهد و اورا بیشتر دوست می‌دارد.
* اوّل سلام کنید، سپس سخن بگویید.

آیا نامش را می‌دانی؟

شاید او یکی از دوستان شما باشد. او می‌کوشد، تا آداب اسلامی را یاد بگیرد و به آن عمل کند.

به دیگران با گرمی، سلام می‌کند، و هر کس به او سلام کرد، با خوش‌رویی، جواب می‌دهد و می‌گوید «سلامٌ علیکم». هنگامی که دوستان خود را می‌بیند، خوشحال می‌شود و با مهربانی و روی خوش دست می‌دهد و سلام و احوال‌پرسی می‌کند.

هنگامی که احوالش را می‌پرسند، در جواب می‌گوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰه خوبم».

وقتی وارد منزل می‌شود، به پدر و مادر و همهٔ اهل منزل سلام می‌کند و وقتی از منزل بیرون می‌رود «خداحافظ» می‌گوید.

هر کس به او نیکی کرد، تشکّر می‌کند، یعنی می‌گوید: «متشکّرم» و اگر توانست جبران می‌کند.

وقتی وارد مجلسی می‌شود با صدای رسا، سلام می‌کند و هر جا که مناسب باشد می‌نشیند.

در مقابل کسی انگشت در بینی نمی‌کند، آب دهان نمی‌اندازد، در حضور دیگران پاهایش را دراز نمی‌کند.

در میان صحبت دیگران حرف نمی‌زند، پر حرفی نمی‌کند، بی‌جهت داد و فریاد نمی‌کند، همیشه آرام و با ادب سخن می‌گوید.

موقع عطسه کردن دستش را جلوی بینی و دهانش می‌گیرد و بعد از عطسه اَلْحَمْدُلِلّٰه می‌گوید. آیا او را می‌شناسی؟ آیا می‌توانی نامش را بگویی؟

خدا او را دوست دارد و به او پاداش نیک می‌دهد.
مردمان خوب نیز او را دوست دارند و به او احترام می‌کنند.
آیا شما هم او را دوست دارید؟



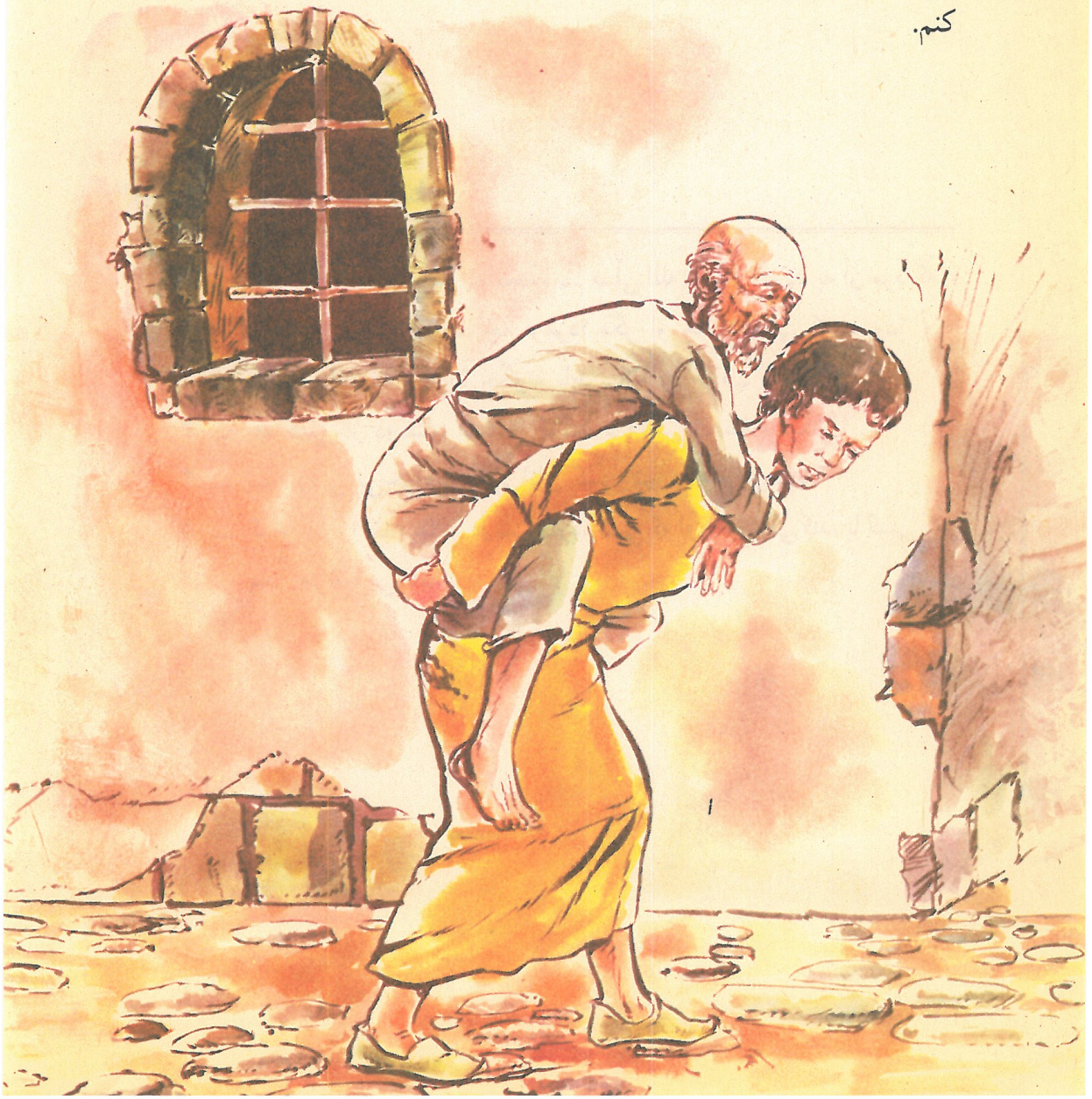
فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ پیامبر گرامی ما، حضرت محمّد ــ صلّی الله علیه و آله ــ به آن مرد که بی‌اجازه وارد شده بود، چه فرمود؟ مگر او چه اشتباهی کرده بود؟
۲ ــ چگونه باید سلام کرد؟ چگونه باید سلام را جواب داد؟
۳ ــ چه کسی از دوستان شما می‌کوشد تا «پیش‌تر» سلام کند؟
۴ ــ شما وقتی می‌خواهید وارد اتاق کسی شوید، چه می‌کنید؟
۵ ــ کدام‌یک را خدا بیشتر دوست دارد، کسی که اوّل سلام می‌کند، یا کسی که بعداً جواب می‌دهد؟

درس شانزدهم

با پدر و مادر چگونه رفتار کنیم؟

جوانی خدمت امام صادق علیه‌السّلام رسید و گفت: ای فرزند پیامبر! پدری دارم که پیر و ناتوان شده است: نمی‌تواند کار کند، نمی‌تواند راه برود، حتّی برداشتن لقمه هم برایش دشوار است، ناچارم در همه کارها به او کمک کنم.



امام صادق فرمود: چه‌خوشبخت و چه‌سعادتمندی! که این‌چنین بامهربانی به پدرت خدمت می‌کنی. همهٔ کارهای پدر را ــ تا آنجا که می‌توانی ــ خودت برعهده بگیر، لباسهایش را تمیز کن، دست و صورتش را بشوی، او را به حمّام ببر، با دست خود لقمه در دهانش بگذار و در همه حال احترامش را نگهدار. در مواقع فراغت نزدش بنشین و از وی دلجویی کن، به حرفهایش توجّه کن و دلداریش بده،مبادا به او بی‌احترامی کنی، مبادا سخن تندی بگویی، مبادا کاری کنی که از تو ناراحت و غمگین شود.

او در کودکی برای تو زحمتها کشیده و رنجها برده است اکنون وظیفه داری که به یاریش بشتابی و خدمتگزارش باشی.

خدا را سپاسگزار باش که به‌تو نیرو داده تا به‌پدرت خدمت کنی و به‌این وسیله سعادتمند گردی. خدا خواسته که به‌این وسیله تو را بیامرزد و از عذاب دوزخ در امانت بدارد و بهترین پاداشها را در بهشت به تو ببخشد.

خدا فرمان داده که جز او را نپرستیم و در همه حال با پدر و مادر مهربان و نیکوکار باشیم.

پرسش

۱ ــ چرا امام صادق به آن جوان گفت چه خوشبخت و چه سعادتمندی؟
۲ ــ امام صادق چه دستورهایی به جوان داد؟ پنج جمله از آن جملات را بگویید.
۳ ــ خدا در بارهٔ رفتار با پدر و مادر چه فرمان داده است؟
۴ ــ شما در چه کارهایی به پدر و مادر خود کمک می‌کنید؟
۵ ــ امام صادق چرا به آن جوان سفارش کرد که سپاسگزار خدا باشد؟ مگر او چه خدمتی می‌نمود؟

تمرین

این درس را برای افراد خانوادهٔ خود بخوانید ودربارهٔ وظیفهٔ اعضای خانواده نسبت به‌پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ با هم گفتگو کنید.

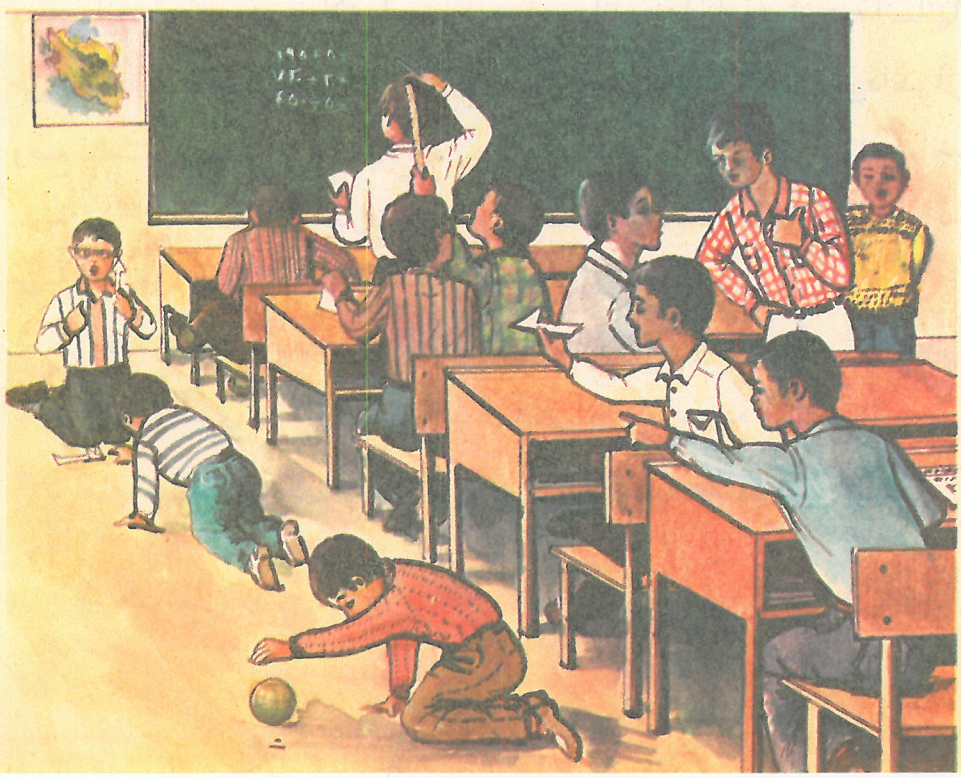
درس هفدهم

امام، رهبر امّت

آموزگار در کلاس چه می‌کند؟

آیا شخص نادان می‌تواند آموزگار باشد؟

اگر آموزگار نتوانست مدّتی سر کلاس حاضر شود چه کسی را به جایش می‌گذارند که درس بدهد؟ آیا شخص نادان می‌تواند جانشین آموزگار گردد؟



آیا می‌دانید: چه کسی، بعد از پیغمبر، کارهای او را، انجام می‌دهد؟

آیا می‌دانید: پیشوای مردم، بعد از پیغمبر کیست؟

آیا می‌دانید: چه کسی بعد از پیغمبر، قانونهای دین را نگهداری می‌کند؟

آیا می‌دانید: امّت اسلامی را بعد از پیغمبر چه کسی رهبری و سرپرستی می‌نماید؟

* * *

امام رهبر دین و جانشین پیغمبر است و بعد از پیغمبر کارهای او را انجام می‌دهد. امام، ولیّ و پیشوای مردم است. سرپرستی و ادارهٔ جامعهٔ اسلامی برعهدهٔ اوست. امام قانونها و دستورهای دین را می‌داند و به مردم می‌رساند. امام نیز مانند پیغمبر، یک رهبر کامل است.

آنچه برای رهبری لازم است، همه را می‌داند؛ خدا را بهتر از همهٔ انسانها می‌شناسد، از حلال و حرام دین اطّلاع دارد. اخلاق خوب و بد را می‌داند، از وضع قیامت و بهشت و جهنّم اطّلاع دارد. راه پرستش خدا و رستگاری را می‌داند.

در علم و دانش و قدرتِ رهبری از همهٔ مردم بالاتر است و هیچ‌کس به مرتبهٔ او نمی‌رسد.

خدای دانا، به وسیلهٔ پیغمبر، همه این علوم را، به امام داده است و پیغمبر به امر خدا رهبری و سرپرستی اُمّت اسلامی را باو سپرده است.

امام، حافظ و نگهدار دین و ولیّ و رهبر جامعه مسلمین است.

ولیّ = سرپرست و رهبر

پرسش و تمرین

۱ ــ آیا می‌دانید امام کیست؟

۲ ــ پیامبر به فرمان چه کسی امام را تعیین می‌کند؟ چه مسئولیتی را بر عهده‌اش می‌گذارد؟

۳ ــ دانایی و آگاهی و قدرت رهبری امام چگونه است؟ آیا کسی به مرتبه‌اش می‌رسد؟

۴ ــ این دانایی و آگاهی و قدرت رهبری را چه کسی در اختیار امام گذارده است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید

۱ ــ امام _____ دین و جانشین پیغمبر است.

۲ ــ امام پیشوای مردم است و _____ برعهدهٔ اوست.

۳ ــ خدای دانا _____ همهٔ این علوم را به امام یاد داده است.

۴ ــ پیغمبر به امر خدا _____ را به او سپرده است.

۵ ــ امام _____ دین و _____ جامعهٔ مسلمین است.

نخستین امام
حضرت امیرالمؤمنین، امام علی علیه‌السّلام

نخستین امام ما، حضرت امیرالمؤمنین امام علی ــ علیه‌السّلام ــ است. پیغمبر بزرگ اسلام، به فرمان خدا، حضرت علی را به مردم معرّفی کرد و ولایت و سرپرستی امّت اسلامی را به او سپرد، تا بعد از خودش امام و پیشوای مردم باشد و آنان را رهبری کند.

حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ روز سیزدهم ماه رجب، در شهر مکّه به دنیا آمد. نام پدرش ابوطالب و نام مادرش فاطمه (دختر اَسَد) است.

حضرت علی پسر عموی پیغمبر بود، از کودکی به خانهٔ پیغمبر آمد و زیر نظر پیغمبر تربیت شد و آداب زندگی را به خوبی یاد گرفت. و در آن خانه بزرگ شد.

حضرت علی (ع) پسر باهوش و زرنگی بود. گفته‌های پیغمبر را خوب می‌فهمید و عمل می‌کرد. هرگز دروغ نمی‌گفت، فحش نمی‌داد، با ادب و شیرین زبان بود. به مردم احترام می‌گذاشت، درستکار و پاکیزه بود. در کارها به پیغمبر کمک می‌کرد. پسر شجاع و نیرومندی بود. با کودکان دوست و مهربان بود. آنها را اذیّت نمی‌کرد، امّا هیچ‌کس هم جرأت نداشت او را اذیّت کند.

حضرت محمّد، سالی یک ماه، به کوه «حراء» می‌رفت و در آن‌جا عبادت می‌کرد، حضرت علی در آن روزها، برای حضرت محمّد، آب و غذا می‌برد.

حضرت علی می‌فرمود: من در کوه حراء با پیغمبر بودم و آثار پیغمبری را در او می‌دیدم.

حضرت علی نخستین مردی بود که دعوت پیامبر اسلام را پذیرفت، در آن وقت، تقریباً ده سال داشت، اما بقدری باهوش و خوش‌فهم بود که خوب و بد را کاملاً تشخیص می‌داد و صداقت پیامبر و ارزش دعوتش را درمی‌یافت و می‌فهمید که حضرت محمّد راست می‌گوید و از طرف خدا، پیغمبر شده است.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ نام نخستین امام ما چیست؟ چه کسی او را برای امامت تعیین نمود؟
۲ ــ حضرت علی در کدام شهر به دنیا آمد؟ در چه ماهی؟ و در چه روزی؟
۳ ــ نام پدر و مادرش، چه بود؟ با پیغمبر چه نسبتی داشت؟
۴ ــ او چگونه پسری بود؟ آیا کودکان را آزار می‌داد؟ آیا کودکان دیگر او را اذیّت می‌کردند؟ ... چرا؟
۵ ــ تربیت کنندهٔ او که بود؟ در چند سالگی دعوت پیامبر را پذیرفت؟
۶ ــ تربیت کننده شما کیست؟ رفتار شما چگونه است؟
۷ ــ آیا از حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ درست پیروی می‌کنید؟

ولایت = سرپرستی و رهبری

درس نوزدهم

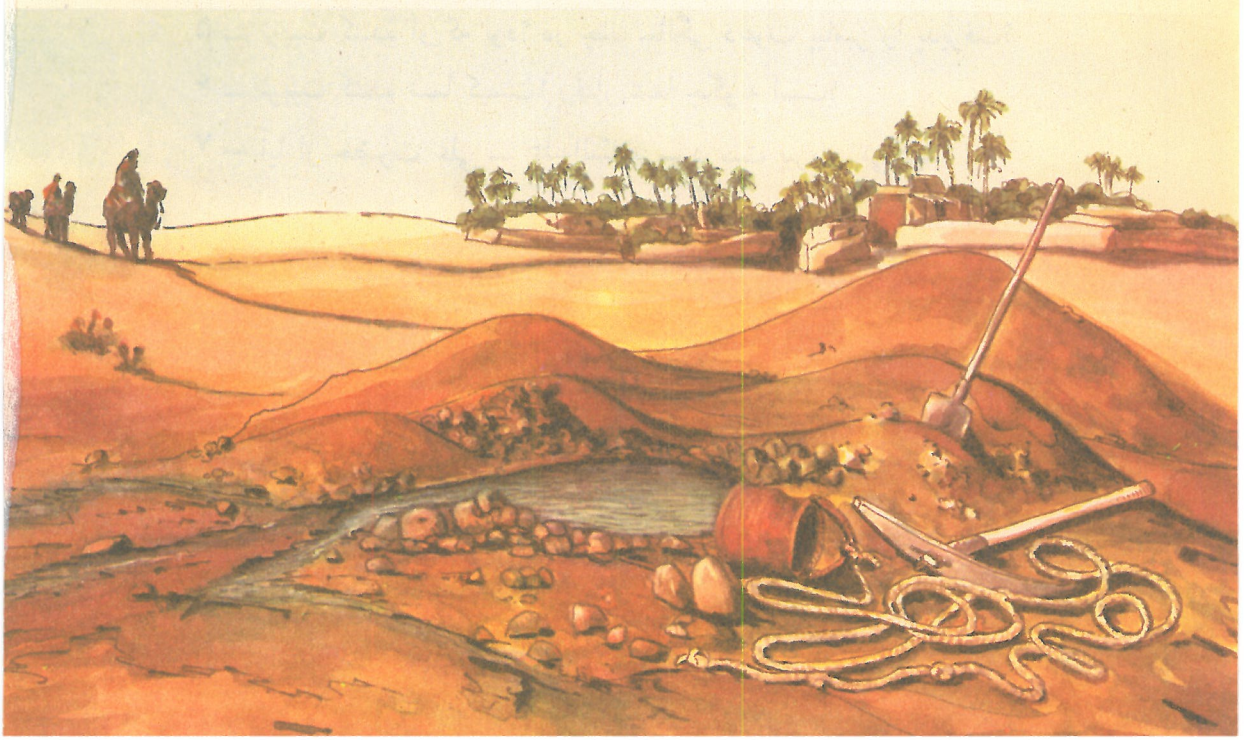
کار و بخشش

حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ مرد پرکار و کاردانی بود، در کشاورزی و درختکاری کوشش می‌نمود، چندین مزرعه و باغ را آباد کرد و همه را در راه خدا، مصرف نمود.

یک قطعه زمین در اطراف مدینه تهیّه کرد تا آن را آباد کند. تصمیم گرفت برای آبیاری آن زمین چاهی بکند، برای کندن چاه جای مناسبی را پیدا کرد و به امید خدا مشغول کار شد.

روزها می‌گذشت ولی از آب خبری نبود.

روزی حضرت علی کلنگ را برداشت و داخل چاه شد، و مدّتی با کوشش و جدّیت، کار کرد امّا باز هم از آب خبری نشد. خسته، از چاه بیرون آمد، عرقهای پیشانی را با دست پاک کرد، قدری استراحت نمود و دوباره داخل



چاه رفت. طوری کلنگ می‌زد که صدای نفسش از دور شنیده می‌شد. ضربهٔ محکمی کوبید، زمین شکافته شد، آب جوشید و بالا آمد.

حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ با عجله از چاه بیرون آمد؛ چاه عجیبی بود. مردم برای تماشا جمع شدند، هر یک از تماشاچیان چیزی می‌گفت.

یکی می‌گفت: علی مرد کاردان و دانائی است.

دیگری می‌گفت: چون علی مرد خوب و خیرخواهی است، خدا برایش خوب خواست.

دیگری می‌گفت: علی و فرزندانش برای همیشه ثروتمند شدند. یکی تبریک می‌گفت، دیگری حسودی می‌کرد.

حضرت علی، فرمود: قلم و کاغذی برایم بیاورید! وقتی قلم و کاغذ حاضر شد، حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ در کناری نشست و چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحیم

این چاه را با زمینهای اطرافش وقف کردم که درآمدش را در راههای زیر به مصرف برسانند:

۱ـ به درماندگان و بینوایان کمک شود.

۲ـ به کسانی که در راه، بی‌خرجی مانده‌اند، کمک شود.

۳ـ برای عروسی دختران و پسران یتیم به مصرف برسد.

۴ـ به همیاران فقیر کمک شود.

۵ـ در کارهای خیر که نفع همگانی دارد به مصرف برسد.

این چاه را برای رضای خدا و ثواب آخرت وقف کردم تا از آتش جهنم نجات پیدا کنم. امضاء: علی ابن ابی طالب

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ درآمد چاه و زمینهای اطرافش را برای چه کارهایی قرارداد؟

۲ ــ چند کار خیر را که نفع همگانی دارد بشمارید.

۳ ــ کارهای خیری را که برای دوستان شما سودمند است و شما می‌توانید آنها را انجام دهید، بشمارید.

۴ ــ حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ چرا آن چاه را، وقف کرد؟

۵ ــ شما، چه کارهایی را انجام می‌دهید، تا از آتش جهنّم نجات پیدا کنید؟

۶ ــ درسهایی را که از این داستان، باید آموخت، برای دوستان خود بگویید.

۷ ــ سه صفت از صفاتی که برای حضرت علی در این درس آمده است، بگویید.

امام دوّم

حضرت امام حسن، علیه‌السّلام

امام دوّم ما شیعیان، حضرت امام حسن ــ علیه‌السّلام ــ است، پدرش حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ و مادر گرامیش، فاطمه دختر پیغمبر است.

در پانزدهم ماه رمضان، سال سوّم هجری، در مدینه به دنیا آمد.

حضرت محمّد (ص) امام حسن را بسیار دوست و گرامی می‌داشت او را می‌بوسید و می‌فرمود: حسن را دوست دارم و دوست‌داران حسن را نیز دوست دارم.

و می‌فرمود: حسن و حسین، بهترین جوانان اهل بهشتند.

امام حسن (ع) بسیار دانا و پرهیزگار بود، در نماز و عبادت کوشش می‌کرد. بینوایان و درماندگان را دوست می‌داشت و به آنان کمک می‌کرد.

حضرت علی ــ علیه‌السّلام ــ به دستور پیغمبر، امام حسن را معرّفی فرمود که بعد از خودش ولیّ و امام مردم باشد.

امام حسن پیوسته به مردم آگاهی می‌داد و در افشاگری و رسوا ساختن ستمگران کوشش می‌کرد تا دروغگویی و فریبکاری آنان روشن شود و زمینهٔ مبارزه آماده گردد. و سرانجام، روز بیست‌وهشتم ماه صفر، سال پنجاه هجری شهید شد و بدنش را در مدینه، به خاک سپردند. درود فراوان بر او باد.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ حضرت امام حسن، در چه سالی به دنیا آمد؟ در چه ماهی؟ در چه روزی؟

۲ ــ نام پدرش چه بود؟ نام مادرش چه بود؟

۳ ــ حضرت محمّد دربارهٔ امام حسن چه فرمود؟

۴ ــ رفتار حضرت امام حسن با بینوایان چگونه بود؟

۵ ــ چه کسی امام حسن را برای امامت و ولایت تعیین کرد؟ به دستور که بود؟

۶ ــ حضرت امام حسن، در چه روزی، شهید شد؟

۷ ــ بدنش را کجا به خاک سپردند؟

۸ ــ آیا داستانی از رفتار و اخلاق حضرت امام حسن می‌دانید؟ بیان کنید.

کمک به درماندگان

امام حسن علیه‌السّلام تازه وارد منزل شده بود. خسته بود و می‌خواست استراحت کند. در این هنگام مردی در زد، اجازه گرفت و وارد منزل شد. سلام کرد و نشست، امام حسن جواب داد و احترام گذاشت و احوال‌پرسی کرد. مرد نشسته بود و چیزی نمی‌گفت، معلوم بود کاری دارد امّا خجالت می‌کشد. امام حسن نگاهی به چهره پریشان او کرد و ناراحت شد، می‌دانست مرد گرفتاری است، منتظر بود درد دل کند تا به دادش برسد. مرد تازه‌وارد آهی کشید و گفت: ای فرزند گرامی امیرالمؤمنین! من از دشمن به شما پناه آورده‌ام، دشمن خطرناک و ستمگر و بی‌رحم. دشمنی که نه به بزرگسالان احترام می‌گذارد، نه بر کودکان خردسال ترحّم می‌کند، این دشمن نیرومند و بدکردار روزگارم را سیاه کرده است، جانم به تنگ آمده و بیچاره شده‌ام. ای پسر پیامبر! بفریادم برس و از این دشمن بی‌رحم نجاتم بده.

امام حسن علیه‌السلام که به سخنان مرد خوب گوش می‌داد با ناراحتی فرمود: دشمنت کیست؟ دشمنت هر که باشد من از تو دفاع می‌کنم. من مسلمانم و مسلمان باید از برادر ستمدیده‌اش دفاع کند و حقّش را بگیرد. بگو دشمنت کیست؟ آن مرد که از شدّت خجالت صورتش سرخ شده بود آهسته گفت: دشمن من فقر و تهی‌دستی است، همین دشمن بزرگ است که نه به پیرمرد احترام می‌گذارد، نه بر کودکان ناتوان ترحم می‌کند. ای پسر پیامبر! من بیکار و تنبل نیستم. من کار می‌کنم امّا به مقدار مخارج درآمد ندارم، گرفتاریها و پیش‌آمدهای زندگی مرا پریشان ساخته است. مقروض و بی‌خرجی هستم. شما خانوادهٔ کَرَم و

سخاوت هستید. آیا می‌توانید مرا از این وضع رقّت‌بار نجات دهید؟

امام حسن که خیلی غمناک و ناراحت شده بود، به خدمتگزارش فرمود:

هرچه پول در منزل داریم زود حاضر کن. خدمتگزار پولهای موجود منزل را در کیسه‌ای ریخت و خدمت امام آورد. آن حضرت پولها را به مرد داد و عذرخواهی کرد. فرمود: «بااین پولها قرضت‌رابده ومشکلات زندگی‌خودت‌را برطرف ساز، آن‌گاه با فکر آزاد مشغول کسب و کار شو. امیدوارم با کار و کوشش بی‌نیازگردی. امّا تو را سوگند می‌دهم که اگر این دشمن باز هم به تو حمله کرد شکایتش را نزد من بیاور.»

فقر و تنگدستی زحمتکشان و بی‌نوایان به این جهت است که حقّشان به طور کامل ادا نمی‌شود.

توجّه به وضع زندگی تنگدستان و بی‌نوایان و رسیدگی به آنان و انفاق و احسان به محتاجان و ناتوانان حقّی است که آنان بر گردن ثروتمندان و بی‌نیازان دارند.

ما مسلمانان وظیفه داریم که این حقّ درماندگان و تهیدستان را نادیده نگیریم و به آنان کمک کنیم و از حقوق آنان دفاع نماییم و کوشش کنیم در بین مردم عدل و احسان و برادری برقرار شود، تا دیگر فقیر و درمانده‌ای نباشد.

۱ ــ مسلمان دربارهٔ برادر ستمدیده‌اش چه وظیفه‌ای دارد؟

۲ ــ آن مرد تهیدست، دشمن خود را چگونه به امام حسن معرفی کرد؟

۳ ــ وقتی امام حسن پولها را به آن مرد نیازمند داد، به او چه فرمود؟ دربارهٔ چه چیز اظهار امیدواری نمود؟

۴ ــ وظیفه ما نسبت به درماندگان و تهیدستان چیست؟

امام سوّم
حضرت امام حسین، علیه‌السّلام

حضرت امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ امام سوم شیعیان می‌باشد. پدرش حضرت علی و مادر گرامیش فاطمه، دختر پیغمبر است.

در سال چهارم هجری، سوّم ماه شعبان، در شهر مدینه به دنیا آمد.

بعد از امام حسن، به امامت و رهبری رسید. پیغمبر، امام حسین را بسیار دوست می‌داشت، او را می‌بوسید و می‌فرمود: حسین از من و من از حسین هستم، هرکس حسین را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد.

امام حسین، دانا و پرهیزگار بود، به بینوایان و درماندگان و کودکان یتیم رسیدگی می‌کرد، شجاع و نیرومند بود و تن به خواری نمی‌داد. با ستمکاران مبارزه می‌کرد، راستگو و دُرُستکار بود، از دورویی و چاپلوسی بدش می‌آمد.

امام حسین به اصحاب خود می‌فرمود:

«مگر نمی‌بینید که به حقّ عمل نمی‌کنند و از باطل دست نمی‌کشند؟ در چنین وقتی مؤمن باید آمادهٔ جهاد و شهادت گردد و با باطل پیکار نماید، که من مرگ در راه خدا را، جز نیکبختی نمی‌بینم و زندگی و سازش با ستمکاران را جز خواری و آزردگی نمی‌دانم.»

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ امام سوم ما کیست؟ نام پدر و مادرش چیست؟
۲ ــ دو سخن از پیامبر دربارهٔ امام حسین بگویید.
۳ ــ هشت صفت از صفات امام حسین که در درس آمده است بگویید.
۴ ــ امام حسین به اصحاب خود، چه می‌فرمود؟
۵ ــ در چه وقتی مؤمن باید آمادهٔ جهاد و شهادت باشد و با باطل پیکار نماید؟
۶ ــ در نظر امام حسین مرگ در راه خدا چگونه و سازش با ستمکاران چگونه است؟

دستگیری و کمک، خدا را خشنود می‌کند

یکی از یاران پیغمبر، سخت بیمار شد، امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ به عیادتش رفت، دید بسیار ناراحت و غمگین است: ناله می‌کند، و آه می‌کشد.

امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ دلش به حال او سوخت و فرمود: برادر! چرا غصّه می‌خوری؟! بگو، تا غم و غصّه‌ات را برطرف کنم.

آن بیمار گفت: به مردم بدهکارم، چیزی هم ندارم که قرضم را بپردازم، می‌ترسم بمیرم و به مردم بدهکار بمانم.

امام حسین فرمود: برادرجان! غصّه نخور، من ضامن می‌شوم که بدهی تو را بپردازم.



بیمار مسلمان گفت: دلم می‌خواهد، هنگام مرگ به کسی بدهکار نباشم، می‌ترسم پیش از این که شما بدهکاری مرا بپردازید، مرگم فرا رسد و به مردم بدهکار بمانم.

امام حسین فرمود: ناراحت نباش! امیدوارم قبل از فرا رسیدن مرگ، قرض تو را بپردازم.

امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ خداحافظی کرد و بیرون رفت و فوراً پولی فراهم کرد و قرض آن بیمار را پرداخت و به او خبر داد که: راحت باش! قرض تو را پرداختم.

آن بیمار خوشحال شد. خدا هم از این دستگیری و کمک بسیار خشنود گردید.

* * *

پیغمبر گرامی ما فرمود: هرکس مؤمنی را خشنود کند، مرا خشنود کرده و هرکس مرا خشنود کند، خدا را خشنود کرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ وقتی یکی از دوستان شما بیمار می‌شود، آیا به عیادتش می‌روید؟

۲ ــ حضرت امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ از آن بیمار چه پرسید؟ آن بیمار در پاسخ چه گفت؟

۳ ــ امام حسین، ناراحتی آن بیمار را، چگونه برطرف کرد؟

۴ ــ آیا شما، به کسی بدهکار هستید؟... بهتر نیست بدهی خود را، زودتر بپردازید؟

۵ ــ آیا امروز، مسلمانی را خشنود کرده‌اید؟... چگونه؟

۶ ــ پیامبر گرامی ما، دربارهٔ خشنود کردن یک مؤمن، چه می‌فرماید؟

کودک مبارز و شجاع

عبدالله پسر امام حسن علیه‌السّلام بعد از شهادت پدرش، با عمویش امام حسین علیه‌السّلام می‌زیست و به او بسیار علاقه داشت. امام حسین هم این برادرزادهٔ خردسالش را خیلی دوست می‌داشت.

عبدالله با عموی خود به کربلا آمده بود و همهٔ حوادث را از نزدیک می‌دید، برادران و عموزادگان جوان خود را می‌دید که زره می‌پوشند و با فریاد الله‌اکبر شمشیرشان را می‌چرخانند و به میدان نبرد می‌شتابند و با دشمنان دین و قرآن می‌جنگند، منافقانِ کافر را می‌کشند و اسلام را با شهادت خود زنده می‌کنند.

عبدالله هم دلش می‌خواست به میدان برود و با ستمگران نبرد کند و از اسلام و از عمویش که رهبر اسلام بود دفاع کند ولی افسوس که او کوچک بود و اجازه‌اش نمی‌دادند.

همهٔ دوستان، برادران، و همهٔ سپاهیان امام حسین شهید شدند و عبدالله پیام یاران امام حسین را در آخرین لحظه‌های خداحافظی می‌شنید که به یکدیگر سفارش می‌کردند که مبادا رهبر و امامتان را تنها بگذارید. این جمله را می‌گفتند و به میدان نبرد می‌شتافتند و آگاهانه شهادت را برمی‌گزیدند.

آخرین سرباز امام‌حسین هم شهید شد و امام، خود به‌میدان مبارزه رفت، عبدالله کنار خیمه‌ها ایستاده بود و از دور عمویش را نگاه می‌کرد. ساعتی بعد دیگر عمویش را ندید. بی‌اختیار به سوی میدان دوید. عمّه‌اش حضرت زینب خواست مانع شود ولی نتوانست. عبدالله، می‌خواست عمویش را پیدا کند و ازاو

دفاع نماید. با تلاش و اصرار خود را رها کرد و دوان‌دوان پیش‌رفت ....

بالاخره عمو را پیدا کرد. حیرت‌زده کنار پیکر در خون خفتهٔ عمو ایستاد و خیره‌خیره به پیشانی خونین او نگریست. امام حسین چشم گشود و او را دید...

شمشیر یکی از دشمنان بالا رفت تا بر پیکر امام حسین فرود آید. عبدالله برق شمشیر را دید سر برداشت و فریاد زد: آیا می‌خواهی عموی مرا بکشی؟ ای ناپاک خیانتکار! و بی‌درنگ دستش را سپر پیکر خونین عمو قرار داد.

شمشیر دشمن فرود آمد و دست عبدالله را قطع کرد. پیکر خونین آن کودک شجاع و فداکار بر سینهٔ امام حسین افتاد و همان‌جا به‌شهادت رسید و برای همهٔ کودکان پیام جهاد و آزادگی فرستاد.

امام حسین در آخرین لحظه‌ها به او گفت:عزیزم! شهادت افتخار ماست، هم اکنون پدرت امام حسن و جدّت رسول خدا در بهشت در انتظار تو هستند و من و تو به آنان می‌پیوندیم.

پرسش

۱ ــ عبدالله که بود، نام پدرش چه بود؟
۲ ــ در روز عاشورا چه چیزهایی می‌دید؟
۳ ــ پیام یاران امام حسین در آخرین لحظه‌های خداحافظی چه بود؟
۴ ــ چرا امام حسین (ع) به عبدالله اجازهٔ نبرد نمی‌دادند؟
۵ ــ عبدالله چگونه شهید شد؟ پیش از شهادت به آن دشمن چه گفت؟
۶ ــ امام حسین در آخرین لحظه‌ها به آن کودک شجاع چه فرمود؟

تمرین

۱ ــ آیا می‌توانید این درس را از زبان آن کودک مبارز و شجاع بنویسید؟
اینطور شروع کنید: نام من عبدالله است، من فرزند امام حسن هستم...
۲ ــ آیا می‌توانید سرگذشت یکی از شهیدان انقلاب اسلامی ایران را بنویسید و در کلاس بخوانید؟

امام چهارم
حضرت سجّاد، علیه‌السّلام

چهارمین امام شیعیان حضرت سجّاد و نامش علی بود، در سال سی و هشت هجری، در مدینه به دنیا آمد.

پدرش حضرت امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ و مادرش شهربانو بود.

امام حسین ــ علیه‌السّلام ــ به فرمان خدا او را برای امامتِ بعد از خود، تعیین نمود.

حضرت سجّاد در کربلا حاضر بود ولی چون در روز عاشورا سخت بیمار بود، نتوانست با سپاهیان یزید بجنگد، و به همین جهت، شهید نشد.

هنگام بازگشت از کربلا، در کوفه و شام سخنرانی می‌کرد و هدف مقدّس پدرش را برای مردم، بیان می‌نمود و یزید ستمگر را رسوا می‌ساخت.

امام سجّاد ــ علیه‌السّلام ــ دوست می‌داشت: کودکان یتیم و مردم بینوا و نابینا و زمین‌گیر، مهمانش شوند. به بسیاری از خانواده‌های فقیر، خوراک و پوشاک می‌داد.

حضرت سجّاد، به قدری در عبادت خدا، کوشش می‌کرد که او را «زین‌العابدین = زینت عبادت کنندگان» و «سجّاد = بسیار سجده کننده» نامیدند.

پنجاه‌وهفت سال، در این جهان زندگی کرد و روز بیست‌وپنجم ماه محرّم، در سال نود و پنج هجری، در مدینه به شهادت رسید و بدن مبارکش را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ نام چهارمین امام ما، چیست؟ پدرش کیست؟ نام مادرش چیست؟
۲ ــ بعد از شهادت پدرش، هدف او را، چگونه روشن می‌فرمود؟
۳ ــ «زین‌العابدین» یعنی چه؟ «سجّاد» یعنی چه؟ چرا او را به این دو نام می‌خوانند؟
۴ ــ رفتار امام چهارم با درماندگان و بینوایان چگونه بود؟
۵ ــ عمر مبارکش، چندسال بود؟ در چه سالی و در چه روزی به شهادت رسید؟
۶ ــ بدنش را کجا به خاک سپردند؟

* تاکنون، با زندگی چهار امام، آشنا شده‌اید، نامشان را بترتیب بگویید.

گفتگو با خدا

پروردگارا! چشمها به خواب رفته‌اند، خورشید غروب کرده و ستارگان در آسمان ظاهر شده‌اند، امّا تو، ای فرمانروای جهان! همیشه بیدار و زنده و پاینده هستی و جهان و جهانیان را اداره می‌کنی.

پروردگارا! فرمانروایان درِ کاخهای خود را محکم بسته‌اند، و نگهبان گمارده‌اند؛ امّا، درِ خانهٔ تو، ای خدای عزیز! همیشه و برای همه کس باز است و برای یاریِ گرفتاران و شفای دردمندان و کمک به ستمدیدگان آماده هستی.

ای خدای مهربان! و ای محبوب جهانیان! این بندهٔ ناتوان در این تاریکی شب، به خانهٔ تو آمده، شاید به او نظرِ مرحمتی بفرمایی.

ای خدایی که در شبهای تار، به فریاد بیچارگان می‌رسی!

ای خدایی که گرفتاران را از بند، نجات می‌دهی!

ای خدایی که در سختیها و دشواریها بندگانت را یاری می‌کنی!

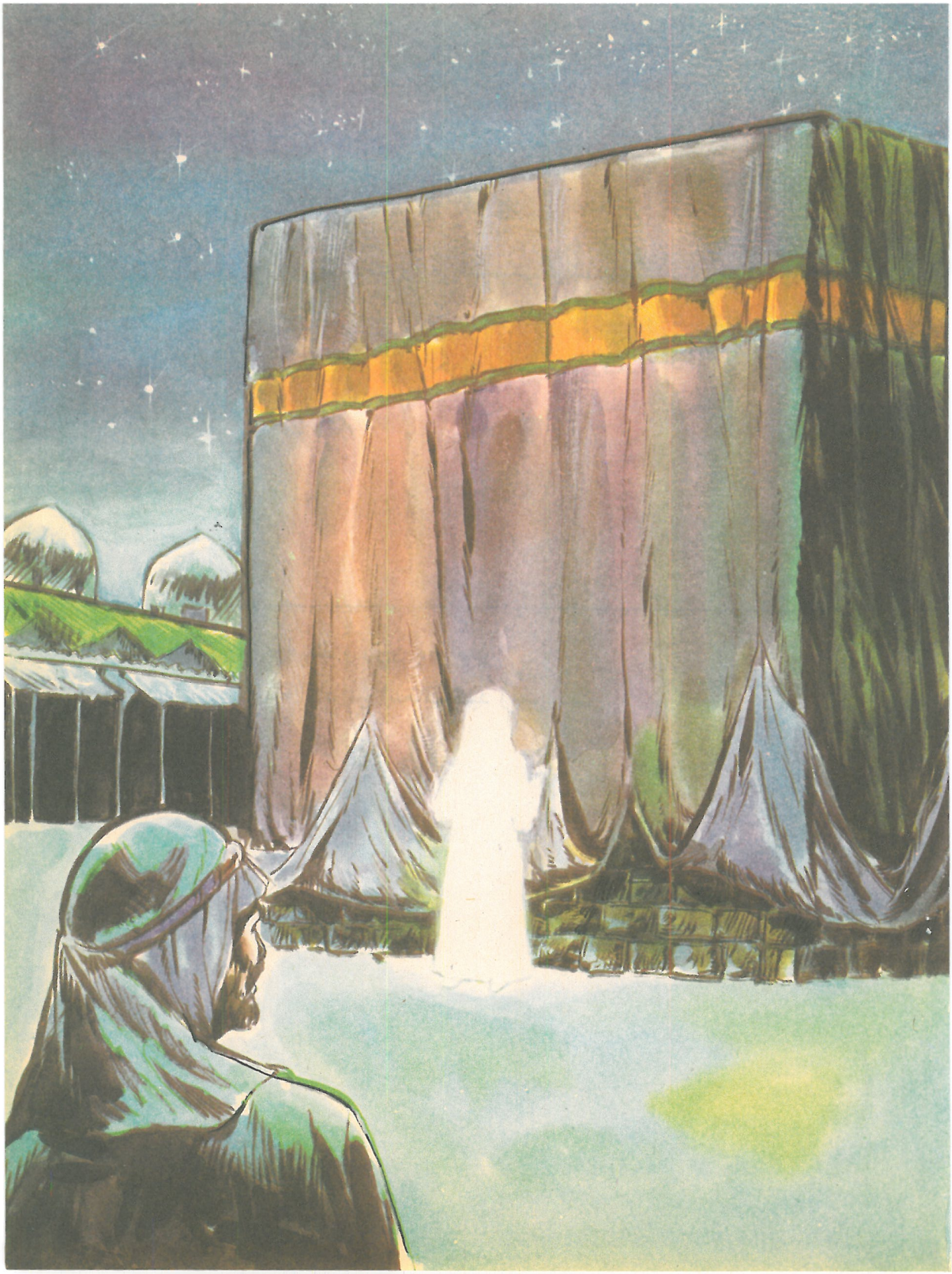
ای خدایی که دردمندان را شفا می‌دهی!

پروردگارا! مهمانهای تو، در اطراف خانه‌ات به خواب رفته‌اند، ولی تو، ای خدای عزیز! تنها کسی هستی که خواب نداری و جهان و جهانیان را اداره می‌کنی.

پروردگارا! من در این شب تار، به خانهٔ تو آمده‌ام و تو را می‌خوانم چون خودت فرموده‌ای که: مرا بخوانید.

خدایا! تو را به این خانهٔ گرامی سوگند، بردیده‌های گریان من تَرَحُّم کن.

پروردگارا! اگر بندگانت درِ خانهٔ تو نیایند و به تو امیدوار نباشند درِ خانهٔ که،



بروند و به چه کسی امیدوار باشند؟!

* * *

مردی که این مناجات را می‌شنید می‌گوید: از گفتگوی جوان راز و نیازکننده با خدا خوشم آمد، نزدیک رفتم تا او را ببینم و بشناسم، دیدم امام سجّاد «زین‌العابدین» است که اینگونه مناجات می‌کند.

تمرین

۱ ــ درس را بلند و روان بخوانید.

۲ ــ ده جمله از درس انتخاب کنید و بنویسید.

درس بیست و هفتم

نماز بخوانیم

نماز بهترین توشه برای انسان است

نماز، از بهترین عبادتهاست. ما را به خدا نزدیک می‌کند و برای جهان آخرت، بهترین توشه است.

اگر دُرُست نماز بخوانیم، در جهان آخرت، خوشبخت و سعادتمند خواهیم شد.

حضرت محمّد ــ صلّی‌الله‌علیه‌وآله ــ می‌فرمود:

«دوست دارم در دنیا، نماز بخوانم، دلخوشی و چشم‌روشنی من، به نماز است» و نیز می‌فرمود:

«نماز چون چشمهٔ پاک و پرآبی است که نمازگزار، در هر شبانه‌روز، پنج بار، خود را در آن شست و شو می‌دهد.»

در نماز، با خدای خوب و مهربان، سخن می‌گوییم و دل ما به سوی او، توجّه می‌کند. کسی که نماز نخواند، خدا و پیغمبر، او را دوست ندارند.

پیغمبر می‌فرمود: من از کسی که نماز واجبش را نخواند بیزارم.

خدا نمازگزاران را دوست دارد و به آنان پاداش بسیار نیک می‌دهد، مخصوصاً کودکانی را که از کودکی نماز بخوانند، بسیار دوست می‌دارد.

* * *

نماز در زندگی این جهان نیز تأثیر فراوان دارد. کسی که نماز می‌خواند چون به‌خداوند توجّه دارد، همواره در آرامش است. به آسانی از زشتیها و گناهان دوری می‌جوید و با آسودگی‌خاطر و پاکی روح زندگی می‌کند.

انسانی که نماز می‌خواند با دیگران مهربان و خوش‌رفتار است و هرگز نسبت به مردم ظلم و ستم روا نمی‌دارد و همواره یار مظلومان و مددکار محرومان است.

نماز به مسلمانان نیرو می‌دهد و بر الفت و یگانگی آنان می‌افزاید.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ حضرت محمّد ــ صلّی الله علیه و آله ــ دربارهٔ نماز چه فرموده است؟ سه سخن از ایشان بگویید.

۲ ــ چگونه نماز بخوانیم تا در جهان آخرت، سعادتمند شویم؟

۳ ــ پیغمبر دربارهٔ کسی که نماز واجبش را نمی‌خواند، چه فرموده؟

۴ ــ خدا، چه کودکانی را بسیار دوست دارد؟

۵ ــ آیا شما هم از کسانی هستید که خدا آنها را بسیار دوست دارد؟

۶ ــ رفتار کسی که نماز می‌خواند چگونه است؟ چرا؟

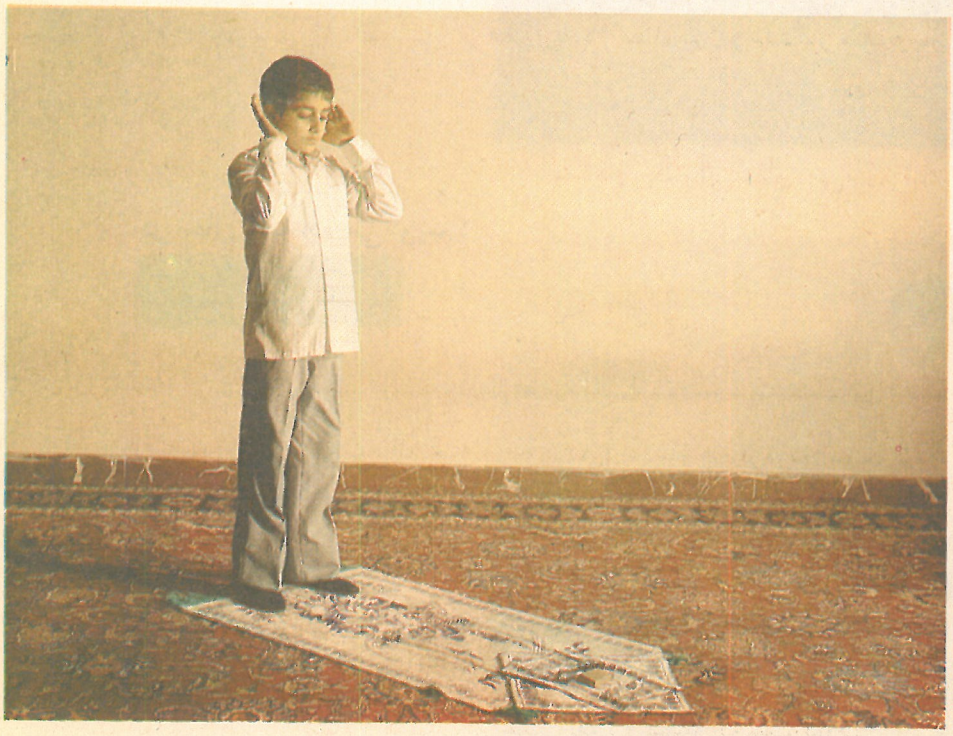
۷ ــ نماز چه اثری در زندگی مسلمانان دارد؟

چگونه نماز بخوانیم[۱]

* رو به‌قبله می‌ایستیم و نیّت نماز می‌کنیم یعنی قصد می‌کنیم که برای تقرّب به خداوند نماز صبح یا ظهر یا مغرب و... می‌خوانیم.

* با آوردن دستها تا نزدیک گوش اللهُ‌اکبر می‌گوییم و شروع به خواندن سورهٔ حمد[۲] می‌کنیم.

* سپس یک سوره از قرآن مجید مانند سورهٔ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَد[۳] (سورهٔ توحید) را می‌خوانیم.



(۱) ــ پیش از نماز باید وضو بگیرید، پیش مربّی خود وضو بگیرید و بپرسید: آیا وضوی من درست است؟

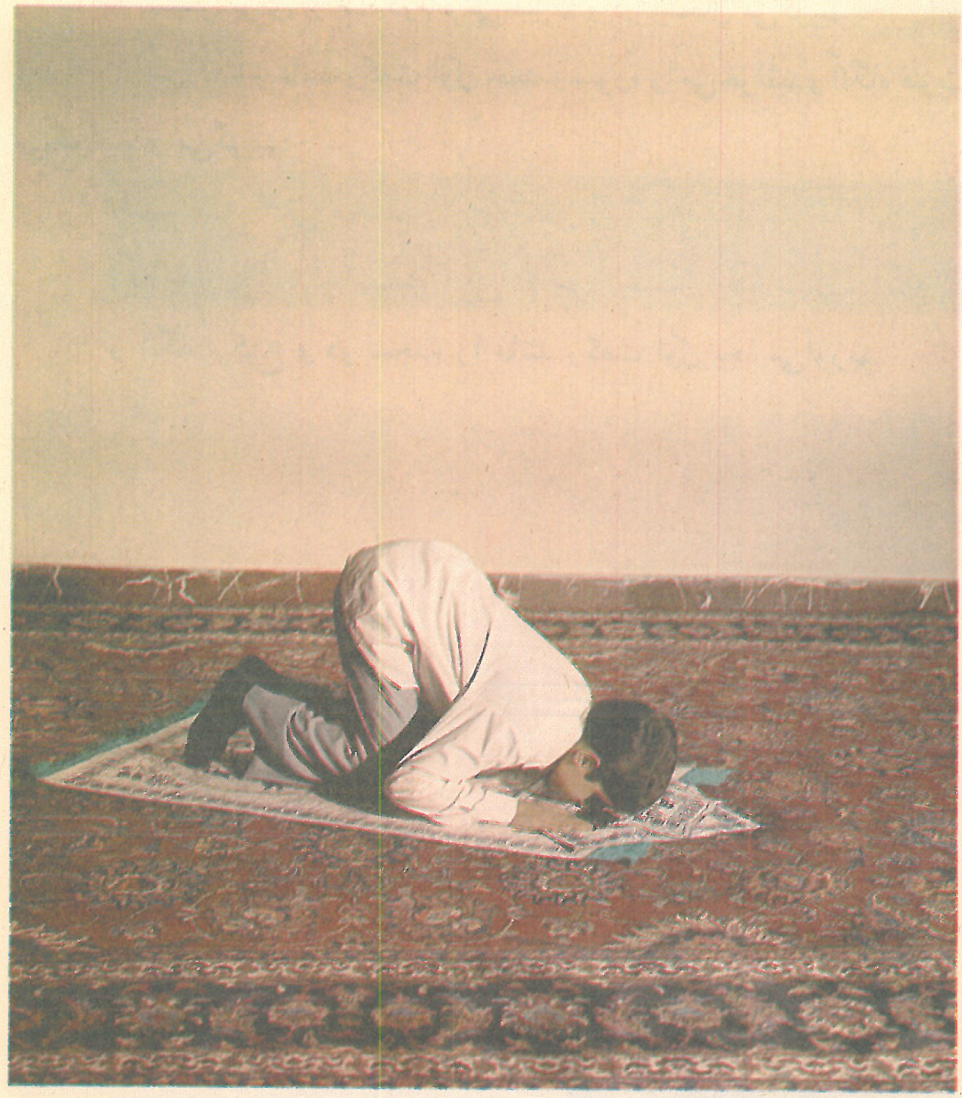
(۲) و (۳) ــ سورهٔ حمد و سورهٔ توحید در بخش قرآن آمده است. به آنجا نگاه کنید.



* آنگاه به رکوع می‌رویم و سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ یا سه بار سُبْحانَ اللهِ می‌گوییم و سر از رکوع برمی‌داریم.



* در حال ایستاده می‌گوییم:
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَه



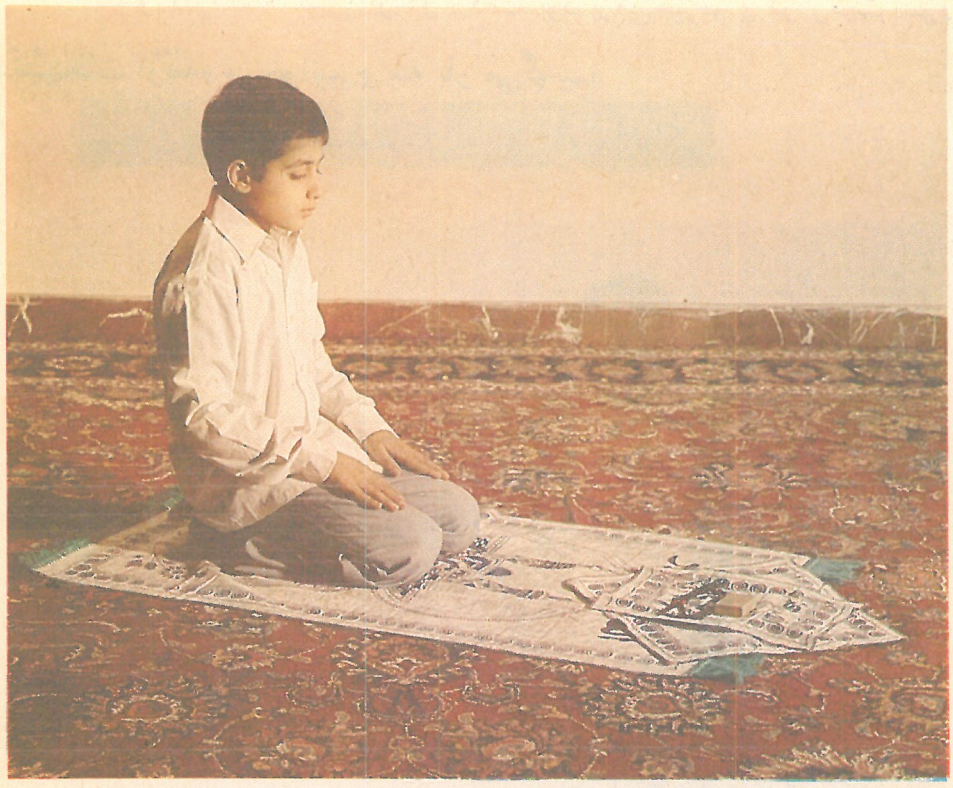
* بعد به سجده می‌رویم و سُبْحانَ رَبِّیَ الْاَعْلیٰ وَبِحَمْدِهِ یا سه بار سُبْحانَ‌اللّٰه می‌گوییم و از سجده بلند می‌شویم و می‌نشینیم و دوباره به سجده می‌رویم و همان ذکر را می‌گوییم و از سجدهٔ دوّم بلند می‌شویم و می‌نشینیم.

* سپس برای رکعت دوّم برمی‌خیزیم و در اینحال می‌گوییم بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدْ و مانند رکعت اوّل حمد و سوره را می‌خوانیم و آنگاه قنوت می‌خوانیم و می‌گوییم:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
رَبَّنٰا آتِنٰا فِی الدُّنْیٰا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ

و آنگاه رکوع و دو سجده را مانند رکعت اوّل بجا می‌آوریم.





* سپس می‌نشینیم و تشهّد می‌خوانیم.

اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

آنگاه اگر نمازمان دو رکعتی مانند نماز صبح بود سلام می‌دهیم و می‌گوییم:

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاٰتُهُ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْنٰا وَعَلیٰ عِبٰادِاللهِ الصّٰالِحِینَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاٰتُهُ.

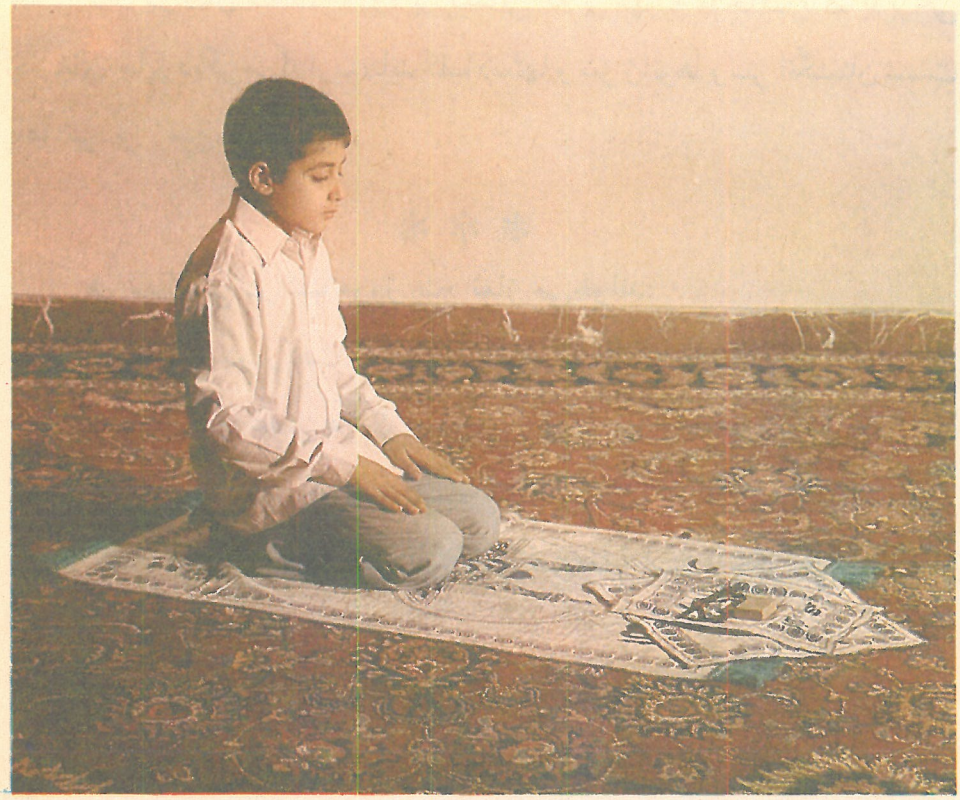
و نماز تمام می‌شود.

* و اگر نماز بیش از دو رکعت بود برمی‌خیزیم و در رکعت سوّم «تَسْبیحاتِ اَرْبَعَه» می‌خوانیم و سه بار می‌گوییم:

سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُلِلّهِ وَلاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرْ



و به رکوع و سجود می‌رویم و پس از برخاستن از سجده‌ها در نماز سه رکعتی (نماز مغرب) تشهّد و سلام می‌خوانیم و اگر چهار رکعتی بود مانند نماز ظهر و



عصر و عشاء ، پس از سجده‌های رکعت سوّم برمی‌خیزیم و رکعت چهارم را مانند رکعت سوّم می‌خوانیم و آنگاه پس از رکوع و سجود تشهّد می‌خوانیم و سلام می‌دهیم و نماز تمام می‌شود.

* * *

* نماز را باید با توجّه کامل بجای آوریم و عجله نکنیم و کلمات را شمرده بخوانیم.

* در حال نماز نباید به این طرف و آن طرف نگاه کنیم و حمد و سوره و ذکرهای نماز را باید با آرامش بدن، بدون حرکت و تکان خوردن بخوانیم.

* در حال سجده علاوه بر پیشانی که بر مهر و یا خاک پاک یا برخی چیزهای جایز دیگر می‌گذاریم، باید کف دستها و سر زانوها و سر انگشتان شست پاها نیز بر زمین قرار گیرد.

* * *

هر مسلمانی در شبانه‌روز پنج نماز می‌خواند:

نماز صبح دو رکعت، از سپیده صبح تا طلوع خورشید

نماز ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، از اوّل ظهر تا مغرب

نماز مغرب سه رکعت و عشاء چهار رکعت، از اوّل شب تا نیمه‌شب

گفتن اذان و اقامه پیش از نماز، مستحبّ است، چگونگی آن را از آموزگار خود یاد بگیرید.



تمرین و پرسش

۱ ــ برای نماز چگونه نیّت می‌کنیم؟ (مثلاً برای نماز ظهر)

۲ ــ در رکوع و در سجده چه می‌گوییم؟

۳ ــ در قنوت نماز چه می‌خوانیم؟

۴ ــ تشهّد و سلام نماز را بگویید.

۵ ــ بدن ما در حال نماز باید چگونه باشد؟

یک نماز کامل سه رکعتی (نماز مغرب) را برای یکی از افراد خانواده بخوانید.

سعی کنید نماز خود را در مسجد بجا آورید.

۶ ــ هر مسلمان، در شبانه‌روز چند نماز می‌خواند، هر یک چند رکعت است؟

همیشه، پاکیزه باشیم

همه می‌دانیم که: چیزهای ناپاک و آلوده، برای سلامت ما زیان دارند و ما باید از آنها دوری کنیم.

مثلاً: ادرار و مدفوع انسان، آلوده و کثیف است و دین اسلام این دو را نَجِس و ناپاک می‌داند.

اسلام به ما می‌گوید:

* اگر بدن یا لباس ما با آنها آلوده شد، باید با آب بشوییم تا پاک شود. بدن و لباس نمازگزار، باید کاملاً پاک و پاکیزه باشد.

* خوردنِ غذای نجس و آلوده، حرام است و گناه دارد.

اسلام به ما می‌گوید:

* وقتی به مستراح می‌روید، طوری بنشینید که ذرّه‌های ادرار، به بدن و لباس شما نپاشد، زیرا ذرّه‌های ادرار، هر چند هم ریز باشند، بدن و لباس را آلوده و نَجِس می‌کنند.

* محلّ خروج ادرار را باید با آب بشوییم، یعنی دو یا سه مرتبه آب بریزیم تا پاک شود.

* محل خروج مدفوع را می‌توانیم با آب بشوئیم یعنی بر محل نجاست آب بریزیم و با دست چپ بشوئیم تا کاملاً پاک شود و یا می‌توانیم بوسیله سه قطعه چیز پاک مانند کاغذ یا سنگ... محل نجاست را کاملاً پاک کنیم.

خوب است بعد از بیرون آمدن از مستراح دستمان را با آب و صابون، بشوییم تا کاملاً پاک و پاکیزه شود.

رو به قبله یا پشت به قبله، ادرار کردن حرام است و گناه دارد.

هنگام ادرار کردن، باید نشسته باشیم.

پیامبر ما می‌فرماید:

ایستاده ادرار نکنید.

و در کنار نهرها و چاهها و زیر درختان میوه‌دار و در خیابانها و کوچه‌ها ادرار نکنید.

* * *

دین اسلام دین پاکیزگی است و «پاکیزگی جزءِ دین است».

یک کودک مسلمان می‌کوشد تا بدن و لباس خود را پاک نگهدارد و همیشه پاکیزه باشد.



فکر کنید و پاسخ دهید

۱ ــ اگر لباسی نجس باشد، آیا می‌توان با آن نماز خواند؟

۲ ــ دو چیز نجس و ناپاک را بگویید.

۳ ــ اگر لباس یا بدن به آن دو چیز آلوده باشد، چگونه باید پاک کنیم؟

۴ ــ پیامبر در مورد ادرار کردن از دو کار نهی کرده‌اند، آن دو چیست؟

۵ ــ رو به قبله و پشت به قبله ادرار کردن چه حکمی دارد؟

۶ ــ آیا شما بدن و لباس خود را پاک و پاکیزه نگهداری می‌کنید؟

روزه از بهترین عبادتهاست

ماه رمضان بهترین ماههاست، ماه عبادت و نماز و روزه است، ماه گذشت و ایثار و فداکاری است. سحرهای بسیار زیبا و دلپذیری دارد. مسلمانان سحرهای این ماه مبارک بیدار می‌شوند و مناجات می‌کنند و نماز و دعا می‌خوانند. شما هم بارها دیده‌اید که پدر و مادرتان سحرهای ماه رمضان برمی‌خیزند، وضو می‌گیرند،نماز می‌خوانند،دعای سحر می‌خوانند و با خدای خویش راز و نیاز می‌کنند . سحری می‌خورند و نیّت روزه می‌کنند و تا مغرب چیزی نمی‌خورند و نمی‌نوشند.

کودکان خوب نیز سحرهای ماه رمضان را دوست دارند، سحرگاه از خواب بیدار می‌شوند و در مراسم سحر با پدر و مادر شرکت می‌کنند و تا ظهر یا هر وقتی که توان دارند چیزی نمی‌خورند و به این ترتیب در ثواب و پاداش روزه‌داران شریک می‌شوند.

پذیرایی از مهمان در وقت افطار یکی از بهترین کارهای ما مسلمانان است. هر کس روزه‌داری را مهمان کند و افطاری دهد خدای بزرگ، خیر و رحمت فراوانش را بر او ارزانی می‌دارد.

پرسش

۱ ــ ماه رمضان چه ماهی است؟ مراسم این ماه چیست؟
۲ ــ ما مسلمانان سحرهای ماه رمضان چه مراسمی را انجام می‌دهیم؟
۳ ــ کودکان چگونه در ثواب و پاداش روزه شریک می‌شوند؟
۴ ــ یکی از بهترین کارهایی که هنگام افطار انجام می‌دهیم چیست؟
۵ ــ پاداش کسی که روزه‌داری را افطار می‌دهد، چیست؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

۱ ــ ماه رمضان، ماه عبادت، ماه گذشت و _____ است.
۲ ــ سحرهای ماه رمضان بسیار _____ و _____ است.
۳ ــ مسلمانان سحرگاه ماه رمضان نیّت روزه می‌کنند و تا مغرب _____.
۴ ــ کودکان نیز _____ بیدار می‌شوند.
۵ ــ کودکان سحری می‌خورند و تا ظهر _____ چیزی نمی‌خورند.
۶ ــ هر کس روزه‌داری را مهمان کند _____ خدای بزرگ _____.

درس

قرآن مجید

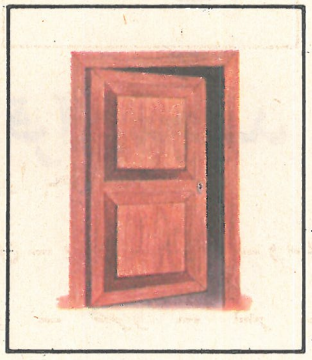
به نام خدا

درس اوّل

اَ

۱ ــ اسم شکلهای زیر را بنویسید:







۲ ــ با رنگ قرمز صدای ــَــ بگذارید و بخوانید.

ا ــ ب ــ پ ــ ت ــ ث ــ ج ــ چ ــ ح ــ خ ــ د ــ ذ ــ ر ــ ز ــ ژ ــ س ــ ش

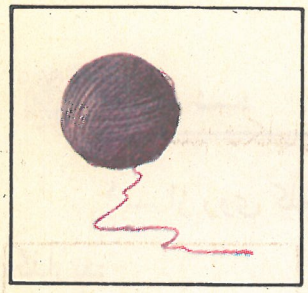
ص ــ ض ــ ط ــ ظ ــ ع ــ غ ــ ف ــ ق ــ ک ــ گ ــ ل ــ م ــ ن ــ و

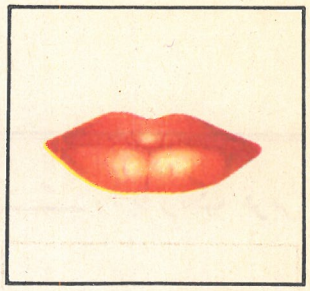
ه ــ ی

۳ ــ کلمه‌های زیر را بخوانید:

مَن ــ تَن ــ بَر ــ زَن ــ صَد ــ کَم ــ بَد ــ سَر ــ زَد ــ بَم ــ نَم

۴ ــ نام هر شکل را زیر آن بنویسید و با رنگ قرمز صداگذاری کنید و سه‌بار بلند بخوانید:



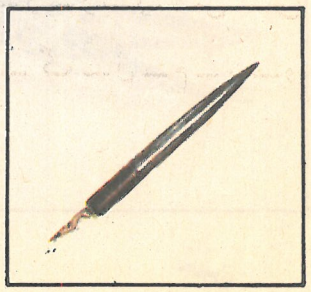


۵ ــ کلمه‌های زیر را بخوانید:

عَمَل ــ کَرَج ــ طَبَس ــ حَسَن ــ وَرَق ــ طَرَف ــ وَسَط ــ خَطَر ــ قَسَم ــ قَمَر ــ قَصَص ــ نَمَک ــ نَظَر ــ ضَرَر ــ کَمَر ــ سَبَد ــ اَحَد ــ خَبَر

۶ ــ نام هر شکل را زیر آن بنویسید و با رنگ قرمز صداهای آن را بگذارید و سه بار بلند بخوانید:





۷ ــ سه کلمهٔ زیر را بخوانید:

حَسَنَک ــ مَگَسَک ــ مَلَخَک

تکلیف شب:

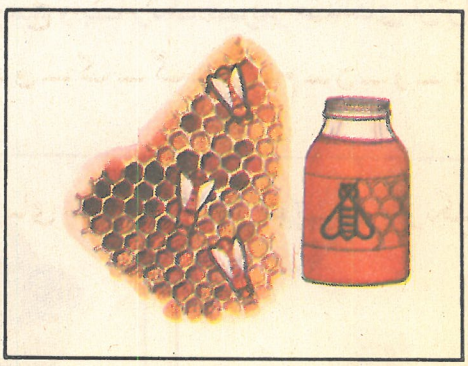
۱ ــ از روی کلمه‌های زیر بنویسید و صدای ـَـ را با رنگ قرمز بگذارید:

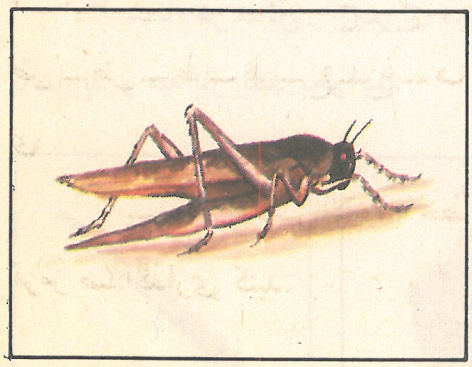
شَب ــ گَچ ــ هَر ــ غَم ــ تَر ــ نَم ــ زَر ــ عَسَل ــ کَلَم ــ اَسب ــ دَست

اَبر ــ قَند ــ سَبز ــ مَرمَر ــ پَرپَر ــ جَنگَل ــ سَنگَر

۲ ــ کلمه‌های زیر را مانند مثال بخش کنید و بنویسید:

مثال: عَسَل = عَ + سَل　　مَلَخ = مَ + لَخ





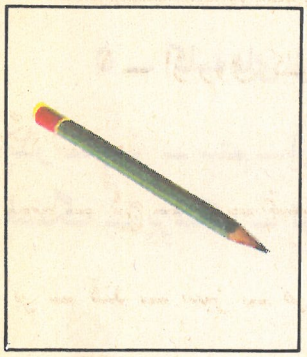
عَسَل =　　قَلَم =　　چَمَن =

کَلَم =　　مَلَخ =　　حَسَنَک =

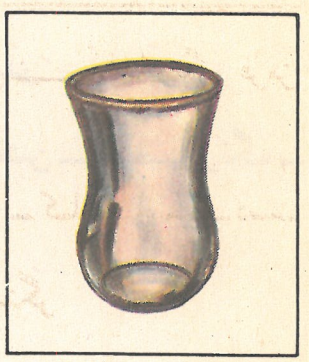
درس دوّم

اِ

۱ ــ اسم شکلهای زیر را بنویسید:







۲ ــ با رنگ قرمز صدای ـِـ بگذارید و بخوانید مثال: اِ ــ بِ

ا ــ ب ــ پ ــ ت ــ ث ــ ج ــ چ ــ ح ــ خ ــ د ــ ذ ــ ر ــ ز ــ ژ ــ س ــ ش

ص ــ ض ــ ط ــ ظ ــ ع ــ غ ــ ف ــ ق ــ ک ــ گ ــ ل ــ م ــ ن ــ و ــ ه

ی

۳ ــ حالا قسمت بالا را با خطّ زیبای خودتان یک بار بنویسید و با رنگ قرمز صداگذاری کنید.

۴ ــ در کلمه‌های زیر، صدای ـِـ را بگذارید و آنها را بلند بخوانید:

یک ــ گل ــ دل ــ جت ــ شن ــ اسم ــ علم ــ مهر ــ جلد ــ کشت ــ زشت

فلفل ــ تک‌تک

۵ ــ کلمه‌های زیر را بخش کنید. مثال: پِدَر = پِ + دَر

پِدَر ــ پِسَر ــ سِتَم ــ اِرَم ــ بِخَر ــ بِبَر ــ پَرِش ــ خَشِن ــ اَلِف ــ زِرَنگ ــ فِشَنگ ــ پِزِشک ــ نِوِشت ــ تَمِشک ــ دِرَخت.

تکلیف شب:

۱ ــ از روی کلمه‌های شمارهٔ ۴ یک بار با خطّ زیبا بنویسید.

۲ ــ کلمه‌های شمارهٔ ۵ را بخش کنید و مانند مثال بنویسید.

درس سوّم

اُ ـُ

۱ ـ اسم شکلهای زیر را بنویسید:







۲ ـ با رنگ قرمز صدای ـُـ بگذارید و دوبار بلند بخوانید:

ا ـ ب ـ پ ـ ت ـ ث ـ ج ـ چ ـ ح ـ خ ـ د ـ ذ ـ ر ـ ز ـ ژ ـ س ـ ش

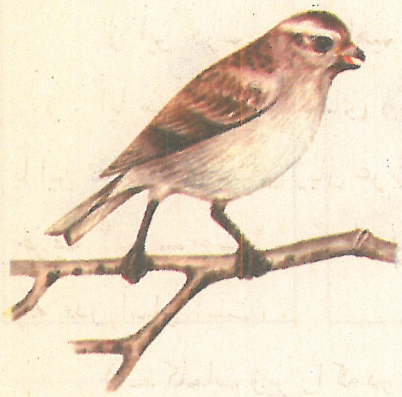
ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ف ـ ق ـ ک ـ گ ـ ل ـ م ـ ن ـ و ـ ه

ی

۳ ـ حالا قسمت بالا را بنویسید و صدای ـُـ را با رنگ قرمز بگذارید، تا بهتر یاد بگیرید.

۴ ــ کلمات زیر را با صدای بلند بخوانید و یک بار بنویسید:

پُر ــ دُم ــ پُل ــ قُم ــ رُم ــ بُت ــ شُد ــ نُه ــ سُرخ ــ مُرغ ــ صُبح ــ گُفت ــ شُکر ــ جُرم ــ سُرب ــ فُرم ــ تُند ــ کُند



۵ ــ کلمه‌های زیر را بخش کنید:

مثال: بُلبُل = بُل + بُل

سُنبُل ــ قُلقُل ــ شُرشُر ــ قُدقُد ــ دُشمَن ــ گُنبَد ــ دُختَر ــ مُحکَم

مُحسِن ــ مُمکِن ــ سُفره ــ لُقمه ــ زُهره ــ پُشت ــ خُشک ــ بُرد ــ دُرُست

دُرُشت

تکلیف شب:

۱ ــ از روی کلمه‌های شمارهٔ ۴ یک بار با خطّ زیبا بنویسید، صداها را با رنگ قرمز بگذارید.

۲ ــ کلمه‌های شمارهٔ ۵ را بخش کنید و سپس مانند مثال بنویسید.

درس چهارم

دانش‌آموز عزیز! خدای مهربان در قرآن می‌فرماید:

«اگر شکر کنید، من نعمتهایم را برای شما زیادتر می‌کنم» حالا ما خدا را شکر می‌کنیم که با کمک او توانستیم در راه یادگرفتن قرآن قدم بگذاریم و از او می‌خواهیم که ما را بیشتر کمک کند.

از این درس می‌خواهیم خواندن کلمه‌های قرآن را شروع کنیم.

آیا می‌دانید که الفبای زبان عربی همان الفبای زبان فارسی است؟ با این تفاوت که الفبای زبان عربی چهار حرف هم از فارسی کمتر دارد، آن چهار حرف (پ ــ چ ــ ژ ــ گ) هستند. به‌زودی خواهیم دید که یادگرفتن قرآن چه قدر آسان است.

۱ ــ کلمات زیر را که در قرآن به کار رفته است بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را به خاطر بسپارید:

اَمَرَ = امر کرد، دستور داد

خَلَقَ = خلق کرد، آفرید

کَسَبَ = کسب کرد، به‌دست آورد

۲ ــ کلمات قرآنی زیر را با صدای بلند سه بار بخوانید و ببینید که خواندن کلمات قرآن چه قدر آسان است.

لَکَ ــ تَرَ ــ مَعَ ــ کَفَرَ ــ قَتَلَ ــ جَمَعَ ــ خَرَجَ ــ ظَلَمَ ــ عَبَدَ ــ صَبَرَ

فَعَلَ ــ وَلَدَ ــ حَسَدَ ــ فَجَعَلَ ــ فَنَظَرَ ــ خَلَقَکَ ــ وَ قَتَلَ ــ وَ کَفَرَ ــ فَجَمَعَ

فَخَرَجَ ــ ظَلَمَکَ ــ فَعَدَلَکَ ــ وَ وَجَدَکَ ــ فَخَلَقَکَ

۳ ــ کلمه‌های زیر « بــخش بــخش » نـوشته شده است، شما آنـها را بــنویسید:

مثال: حَ + سَ + دَ = حَسَدَ

وَ + قَ + بَ =　　جَ + عَ + لَ =　　ضَ + رَ + بَ =

بَ + سَ + رَ =　　ظَ + لَ + مَ =　　عَ + شَ + رَ =

فَ + ذَ + هَ + بَ =　　فَ + صَ + دَ + قَ =

۴ ــ کلمه‌های شمارهٔ (۲) را مانند مثال بخش کنید:

مثال: لَکَ = لَ + کَ

۵ ــ این لغات را که در قرآن به کار رفته، سه بار بـا صدای بـلند بـخوانید و چـه بهتر که معنی آنها را هم به خاطر بسپارید:

۱ ــ بَقَر: گاو　　۵ ــ عَسَل: عسل

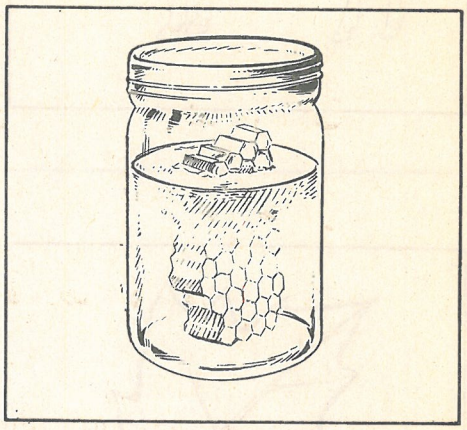
۲ ــ قَمَر: ماه　　۶ ــ بَصَل: پیاز

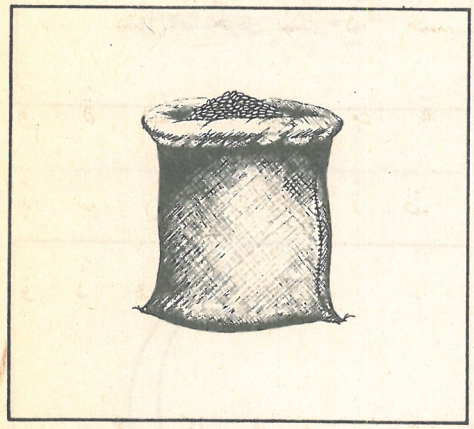
۳ ــ شَجَر: درخت　　۷ ــ عَدَس: عدس

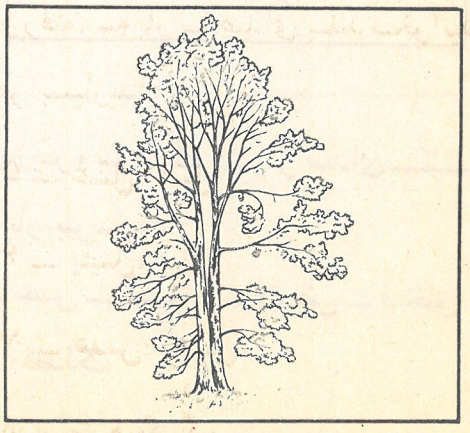
۴ ــ غَنَم: گوسفند　　۸ ــ وَرَق: برگ

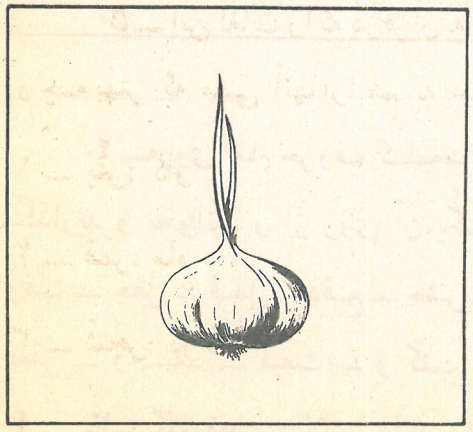
تکلیف شب:

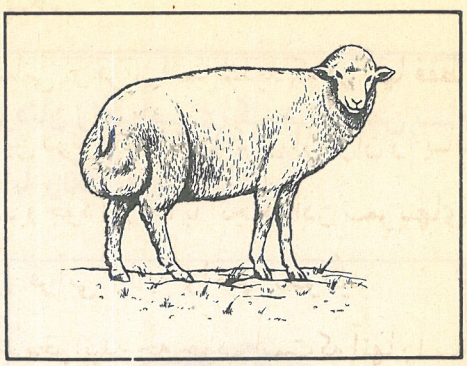
۱ ــ شکلهای زیر را با سلیقهٔ خودتان رنگ‌آمیزی کنید، و سپس نام قرآنی آنها را بنویسید، حرکت آنها را با رنگ قرمز بگذارید:

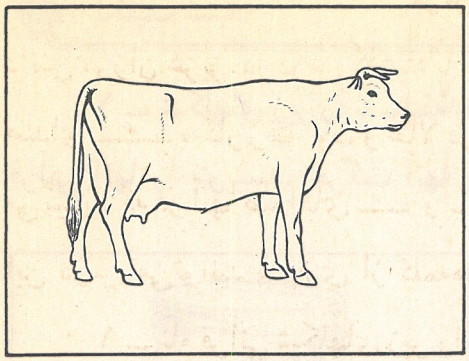


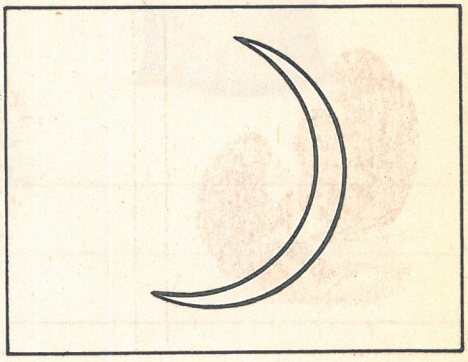


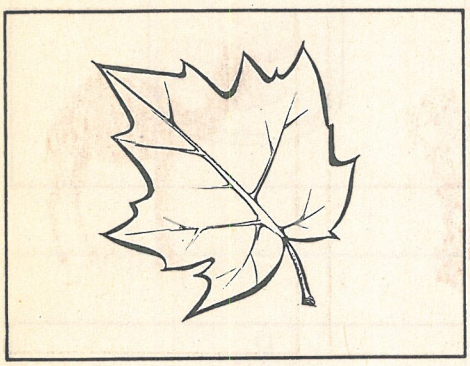












۲ ــ روی تمام حروفِ کلمه‌های زیر، با رنگ قرمز صدای ـَـ بگذارید و بخوانید و از روی آن یک بار بنویسید:

وقب ــ جعل ــ فعل ــ دفع ــ حشر ــ عبس ــ ضرب ــ فرض ــ فخلق

فعقر ــ وخسف ــ فبعث ــ و کتب ــ فعدلک

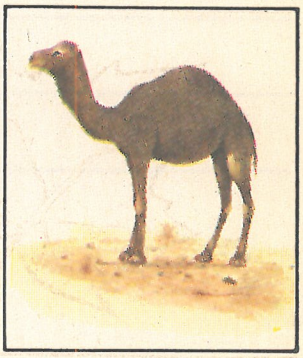
۳ ــ کلمه‌های بالا را مانند مثال زیر بخش کنید و بنویسید:

مثال: وَقَبَ = وَ + قَ + بَ

درس پنجم

دانش‌آموزان عزیز! در درس گذشته با کلماتی از قرآن آشنا شدید که در آنها فقط صدای ـَـ به‌کار رفته بود، و حالا در این درس کلمات دیگری از قرآن را یاد می‌گیرید که در آنها صداهای ـِـ و ـُـ وجود دارند، با انجام دادن تمرینهای این درس می‌توانید بسیاری از کلمه‌های قرآنی را به راحتی بخوانید.

۱ ــ نام قرآنی شکلهای زیر را بلند بخوانید. چه خوب است که آنها را به خاطر بسپارید:







اِبل = _____ عِنَب = _____ قِرَدَه = _____

۲ ــ کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را یادبگیرید:

سَمِعَ	یعنی	شنید
حَسِبَ	یعنی	گمان کرد
عَلِمَ	یعنی	دانست

۳ ــ کلمه‌های زیر را با صدای بلند سه بار بخوانید:

لِمَ ــ بِمَ ــ عَمِلَ ــ عَلِمَ ــ حَفِظَ ــ اَذِنَ ــ شَرِبَ ــ اَمِنَ ــ حَسِبَ ــ رَحِمَ

تَبِعَ ــ اَفَاَمِنَ ــ تَبِعَکَ ــ فَلَبِثَ

۴ ــ کلمه‌های زیر را مانند مثال بخش کنید و بنویسید.

مثال: مَلِکَ = مَ + لِ + کَ

اِرَمَ ــ حَبِطَ ــ سَمِعَ ــ خَسِرَ ــ عَمِلَ ــ بِشَرَرٍ ــ لَعَلِمَ ــ بِوَرِقٍ

تکلیف شب:

۱ ــ فارسی کلمه‌های قرآنی زیر را بنویسید:

اِبِل = عَلِمَ = سَمِعَ = عِنَبٍ = قِرَدَه =

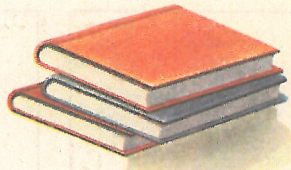
۲ ــ از روی کلمه‌های شمارهٔ (۳) یک بار با خط زیبا بنویسید.

۳ ــ پنج کلمه از کلمه‌های شمارهٔ ۳ را بخش کنید و بنویسید.

درس ششم

اُ ـُ

۱ ــ کلمه‌های زیر را بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را به خاطر بسپارید:



کُتُب = کتابها



سُرُر = تختها

۲ ــ حالا در کلمات قرآنی زیر برای هر حرف که حرکتی ندارد، با مداد قرمز صدای ـُـ بگذارید و سپس آنها را با صدای بلند سه بار بخوانید:

رسل ــ نقرَ ــ یطبعِ ــ خلقَ ــ نذرِ ــ لهوَ ــ نفخَ ــ بصر ــ کتبَ ــ جمعَ

۳ ــ کلمه‌های بخش شدهٔ زیر را بنویسید:

مثال: حُ + شِ + رَ = حُشِرَ

وُ + لِ + دَ =　　قُ + دِ + رَ =　　صُ + حُ + فِ =

کَ + بُ + رَ =　　ضَ + عُ + فَ =　　قُ + طِ + عَ =

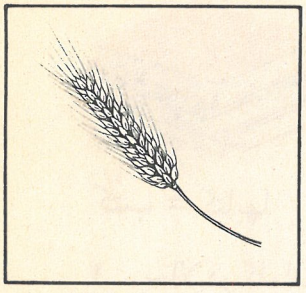
فَ + هُ + وَ =　　فَ + طُ + بِ + عَ =　　وَ + جُ + مِ + عَ =

۴ ــ این کلمه‌ها را که در قرآن به کار رفته است، سه بار با صدای بلند بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را هم یاد بگیرید:

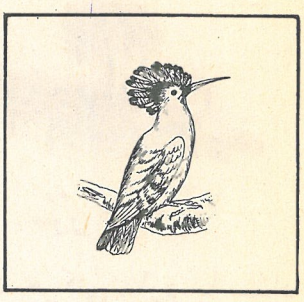
رُطَب = خرما　　سُنبُله = خوشهٔ گندم　　هُدهُد = شانه بسر

تکلیف شب:

۱ ــ شکلهای زیر را با سلیقهٔ خودتان رنگ‌آمیزی کنید، سپس نام قرآنی آنـها را بنویسید:







۲ ــ کلمه‌های شمارهٔ (۴) را با خط زیبا بنویسید. صداها را با رنگ قرمز بگذارید.

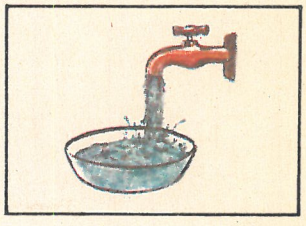
حالا که این پنج درس را تمام کردید، یک بار دیگر آنها را بخوانید و تـمرینها را دوباره انجام دهید. هر چه بیشتر تمرین کنید بهتر یاد می‌گیرید.

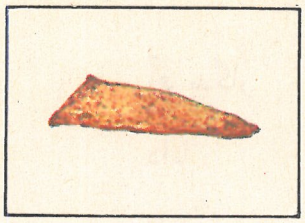
قرآن کتاب دینی ما مسلمانان است، به ما درس زندگی و آزادگی می‌دهد، ما باید خواندن قرآن را یاد بگیریم و در فهمیدن آن بکوشیم و به دستورهایش عمل کنیم.

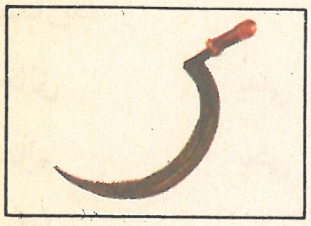
درس هفتم

آ ـ ا

۱ ـ نام شکلهای زیر را بنویسید:







۲ ـ بخوانید:

آ ـ با ـ تا ـ ثا ـ جا ـ حا ـ خا ـ دا ـ ذا ـ را ـ زا ـ سا ـ شا ـ صا ـ ضا

طا ـ ظا ـ عا ـ غا ـ فا ـ قا ـ کا ـ لا ـ ما ـ نا ـ وا ـ ها ـ یا

۳ ـ شما می‌توانید کلمه‌های زیر را به‌خوبی بخوانید، حالا امتحان کنید:

آدم ـ آسمان ـ آبادی ـ آبادان ـ آزادی ـ آبی ـ آرام ـ آبشار ـ بادام ـ بابا

سارا ـ حاکم ـ باطل ـ خالص ـ عادل ـ شاهد ـ مالک

۴ ـ حالا کلمه‌های بالا را بادقت بخش کنید.

مثال: آدم = آ + دم بادام = با + دام

در قرآن (آ ـ ا) را این طور می‌نویسند: ٰا

۵ ـ حالا بخوانید:

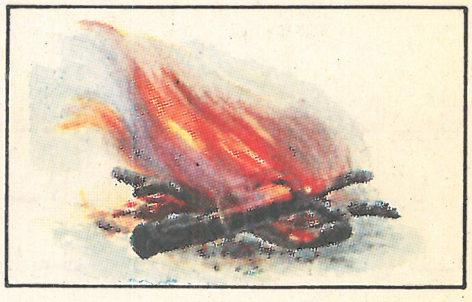
ٰا ـ بٰا ـ تٰا ـ ثٰا ـ جٰا ـ حٰا ـ خٰا ـ دٰا ـ ذٰا ـ رٰا ـ زٰا ـ سٰا ـ شٰا ـ صٰا

ضا ـ طا ـ ظا ـ عا ـ غا ـ فا ـ قا ـ کا ـ لا ـ ما ـ نا ـ وا ـ ها ـ یا

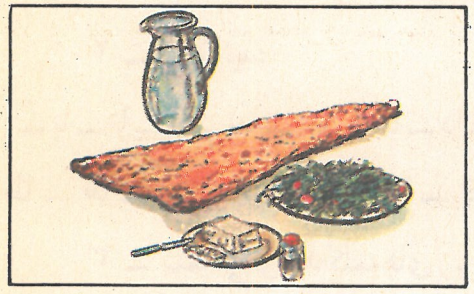
۶ ـ شمارهٔ ۵ را یک بار بنویسید و صدای ـــا را با رنگ قرمز بگذارید.

۷ ـ با کلمه های قرآنی زیر آشنا شوید و چه بهتر که آنها را به خاطر بسپارید:

خالِق	یعنی	آفریدگار
عالِم	یعنی	دانا
جاهِل	یعنی	نادان



نار = آتش



طَعام = غذا

۸ ـ جاهای خالی را پر کنید. صداها را فراموش نکنید.

فارسی	قرآنی
خالق	خالِق
عالم	ـــــ
ـــــ	مالِک

فارسی	قرآنی
جامع	جامِع
ـــــ	آیات
طعام	ـــــ

فارسی	قرآنی
ـــــ	جاهِل
ظالم	ـــــ

فارسی	قرآنی
ـــــ	صالِح
قادر	ـــــ

۹ ــ برای شما کلماتی را از قرآن انتخاب کرده‌ایم که به آسانی می‌توانید همهٔ آنها را بخوانید اگر باور ندارید امتحان کنید:

قالَ ــ کانَ ــ اِذا ــ ایاتُ ــ اَمَنَ ــ اَثَرَ ــ نارُ ــ اَدَمُ ــ عِبادُ ــ طَعامُ ــ مَنافِعُ

اَصابَ ــ اَساوِرَ ــ یُضاعِفُ ــ رِعایَتِها ــ رَاهُ ــ نَا ــ مَابِ ــ رَاکَ

مَارِبُ ــ شَنَانُ ــ نَمارِقُ ــ سَلامُ ــ عَذابُ ــ ناسِ ــ خافَ

۱۰ ــ اکنون کلمات بالا را بخش کنید (مواظب باشید اشتباه نکنید)

مثال: نارُ = نا + رُ طَعامُ = طَ + عا + مُ اَدَمُ = ا + دَ + مُ

تکلیف شب:

۱ ــ معنی کلمه‌های قرآنی زیر را بنویسید:

نار = طَعام = جاهِل = عالِم = خالِق =

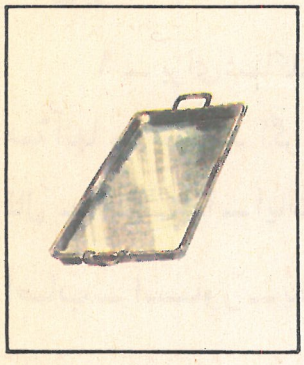
۲ ــ کلمه‌های شمارهٔ (۹) را بخش کنید و سپس بنویسید:

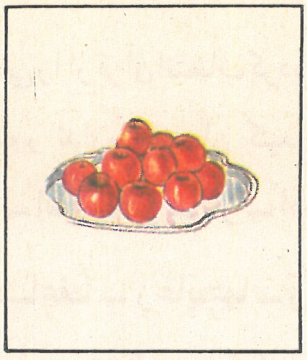
مثال: مَنافِعُ = مَ + نا + فِ + عُ

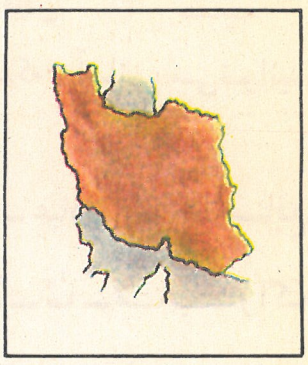
درس هشتم

(ایـ ـ یـ ـ ی)

۱ ـ نام هر یک از شکلها را زیر آن بنویسید:







۲ ـ با صدای بلند بخوانید:

ای ـ بی ـ تی ـ ثی ـ جی ـ حی ـ خی ـ دی ـ ذی ـ ری ـ زی ـ سی

شی ـ صی ـ ضی ـ طی ـ ظی ـ عی ـ غی ـ فی ـ قی ـ کی ـ لی ـ می

نی ـ وی ـ هی ـ یی

۳ ـ آیا می‌توانید کلمه‌های زیر را بخوانید؟

(ایـ) این ـ ایمان ـ ایست ـ ایزد ـ ایجاد ـ ایلام

(یـ) سیما ـ دین ـ دید ـ دیر ـ شیر ـ تیغ ـ کیف

(ی) ساری ـ ایرانی ـ ماهی ـ ویرانی ـ شیرینی

۴ ـ بیایید کلمه‌های بالا را با هم بخش کنیم:

مثال: این = این ایمان = ای + مان سیما = سی + ما

(اِ ـ ـِ ـ ـِی)

در قرآن صدای(اِ ـ ـِ ـ ـِی) را این‌طور می‌نویسند:(اِ ـ ـِ ـ ـِی)

۵ ـ حالا می‌توانید حروف زیر را با صدای ـِی بخوانید.

ای ـ بی ـ تی ـ ثی ـ جی ـ حی ـ خی ـ دی ـ ذی ـ ری ـ زی ـ سی

شی ـ صی ـ ضی ـ طی ـ ظی ـ عی ـ غی ـ فی ـ قی ـ کی ـ لی

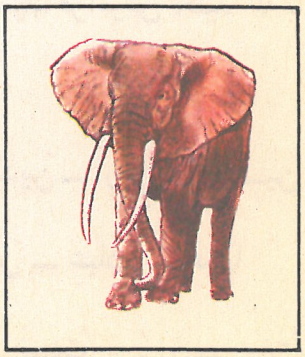
می ـ نی ـ وی ـ هی ـ یی

۶ ـ از روی حروف بالا یک‌بار بنویسید، صدای ـِی را با رنگ قرمز بگذارید.

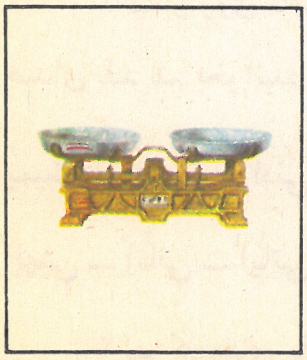
۷ ـ با سه کلمهٔ قرآنی زیر آشنا شوید و سعی کنید آنها را یاد بگیرید.

تین = انجیر　　فیل = فیل　　میزان = ترازو

۸ ـ اسم قرآنی شکلهای زیر را بنویسید:







۹ ـ برای شما کلماتی را از قرآن انتخاب کرده‌ایم که به‌آسانی می‌توانید ،

همهٔ آنها را بخوانید، حالا شروع کنید و از این‌که می‌توانید قرآن را به این خوبی بخوانید شادمان باشید:

(اِیـ) ایمانُ ــ ایلافِ ــ ایمانُها

(یـ) دینِ ــ فیهِ ــ حَدیثُ ــ ضَعیفًا

(یِ) فی ــ اَبی ــ عَمَلی ــ اَرادَنی ــ رُسُلی ــ قَمیصی

۱۰ ــ حالا کلمه‌های بالا را بخش کنید (مواظب باشید، اشتباه نکنید)

مثال: ایمانُها = اِیـ + مـا + نُ + ها

تکلیف شب:

۱ ــ از روی کلمات قرآنی زیر یک‌بار بنویسید، فراموش نکنید که با صدای بلند هم بخوانید:

یُمیتُ ــ یُعیدُ ــ اَرادَنی ــ حافِظینَ ــ کاتِبینَ ــ خالِدینَ ــ اَرِنی ــ اَکِلـینَ

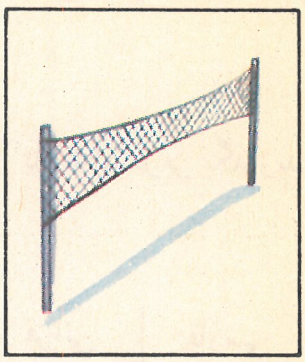
اِلهَتی ــ اَتانی ــ اَیاتی ــ اُخَرینَ ــ اُمِنینَ ــ اَبابیلَ ــ عِبادی ــ فیها

۲ ــ کلمه‌های بالا را مانند مثال بخش کنید: یُمیتُ = یُـ + مِـ + تُ

درس نهم

« او ــ و »

۱ ــ نام هر شکل را زیر آن بنویسید:







۲ ــ حروف زیر را بخوانید:

او ــ بو ــ تو ــ ثو ــ جو ــ حو ــ خو ــ دو ــ ذو ــ رو ــ زو ــ سو ــ شو

صو ــ ضو ــ طو ــ ظو ــ عو ــ غو ــ فو ــ قو ــ کو ــ لو ــ مو ــ نو ــ وو

هو ــ یو

۳ ــ آیا کلمه‌های زیر را می‌توانید بخوانید؟ امتحان کنید:

او ــ مو ــ روز ــ توپ ــ پارو ــ سوت ــ دوست ــ پول ــ دارو

۴ ــ کلمه‌های زیر را بخش کنید:

مثال: دیروز = دی + روز

سوسن ــ غروب ــ طلوع ــ نور ــ روستا ــ پرستو ــ جارو ــ وضو

در قرآن صدای «او ــ و» را این‌طور می‌نویسند: «اُو ــ وُ»

۵ ــ با صدای بلند بخوانید:

اُ ــ بُ ــ تُ ــ ثُ ــ جُ ــ حُ ــ خُ ــ دُ ــ ذُ ــ رُ ــ زُ ــ سُ ــ شُ

صُ ــ ضُ ــ طُ ــ ظُ ــ عُ ــ غُ ــ فُ ــ قُ ــ کُ ــ لُ ــ مُ ــ نُ

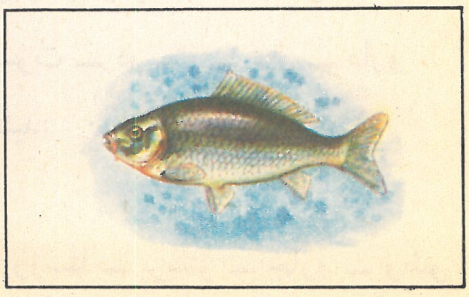
وُ ــ هُ ــ یُ

۶ ــ قسمت بالا را بنویسید و صدای«وُ »را با رنگ قرمز بگذارید.

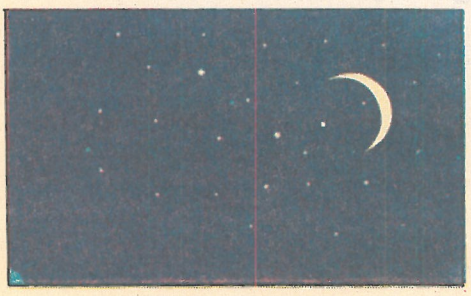
۷ ــ جاهای خالی را پرکنید:

قرآنی	فارسی
نُوح	نوح
ـــــ	رسول
ـــــ	سجود
رُکُوع	ـــــ
قُبُور	ـــــ

قرآنی	فارسی
نُور	نور
ـــــ	غروب
طُلُوع	ـــــ
ـــــ	قلوب
خُلُوص	ـــــ



حُوت = ماهی



نُجُوم = ستارگان

۸ ــ کلمه‌های قرآنی زیر را سه‌بار با صدای بلند بخوانید:

(اُو) اُوتَ ــ اُوفِ ــ اُوذِینا ــ اُوتُوهُ ــ اُوتِیتَ

(وُ) طُورِ ــ اَعُوذُ ــ یَقُولُ ــ یَطُوفُ ــ صُدُورِ ــ اَقُومُ ــ اَفُوزَ

قُلُوبُنا ــ یُقِیمُونَ ــ یَقُولُونَ ــ یُوقِنُونَ ــ مُتَنافِسُونَ

تکلیف شب:

۱ ــ از روی کلمه‌های بالا یک‌بار با خط زیبا بنویسید، صدای «وُ» را با رنگ قرمز بگذارید.

۲ ــ کلمه‌های بالا را بخش کنید.

مثال: اُوتَ = اُو + تَ طُورِ = طُو + رِ

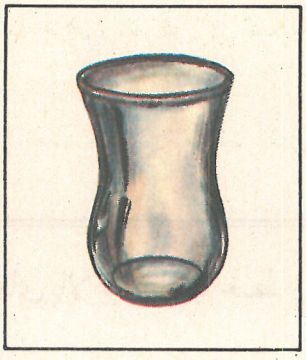
درس دهم

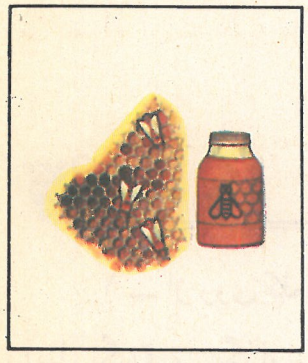
علامت ساکن ـْـ

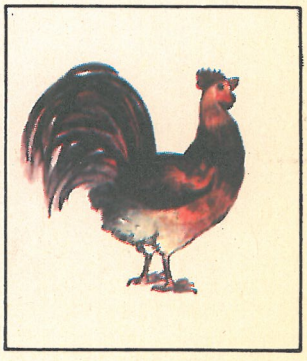
۱ ــ نام هر شکل را زیر آن بنویسید و آنها را مانند مثال صداگذاری کنید.

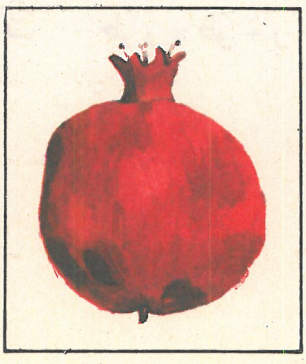
مثال: اَسب، اِستِکان

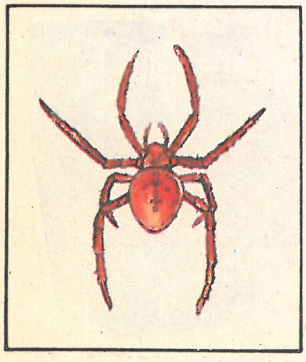












۲ ــ در نامهای بالا هرجا که صدا ندارد علامت ساکن بگذارید.

مثال: اَسْبْ، اِسْتِکانْ

حرفی را که روی آن علامت ـْـ باشد «ساکن» می‌گوییم.

۳ ــ برای کلمه‌های زیر صدا و علامت بگذارید:

مثال: کَبُوتَرْ

ابـر ــ در ــ ببر ــ چمن ــ قلم ــ ملخ ــ عسل ــ کتاب ــ مداد ــ اردک

نان ــ ایران ــ خروس ــ ماهی ــ قوری ــ بادام ــ زنبور ــ درخت

۴ ــ کلمات بخش شدهٔ زیر را مانند مثال بنویسید:

مثال: اَبْ + رُو = اَبْرُو



اَ + تَشْ = کِبْ + رِیتْ = کیفْ = کَ + بُو + تَرْ =

اِ + باسْ = قُرْ + آنْ = سا + عَتْ = مَشْ + غُولْ =

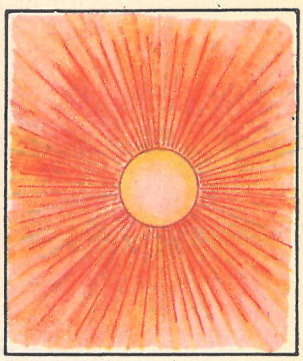
۵ ــ کلمات زیر را بخش کنید و بنویسید:

مثال: تَعْطیلْ = تَعْ + طیلْ

ناظِمْ ــ مَجیدْ ــ سَعیدْ ــ دَبِستانْ ــ عالِمْ ــ اَصْحابْ ــ اَذانْ ــ صاحِبْ

اَطْرافْ ــ عاقِبَتْ ــ عادِلْ ــ اِسْلامْ ــ اِنسانْ ــ قُرْانْ

۶ ــ با توجّه به شکلهای زیر، آیا می‌توانید معنی کلمات قرآنی زیر را بگویید؟



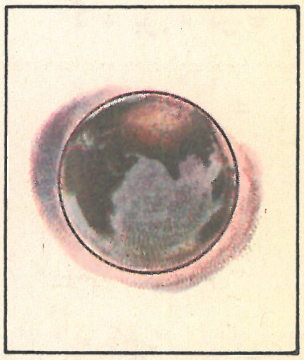
شَمْسْ = _____



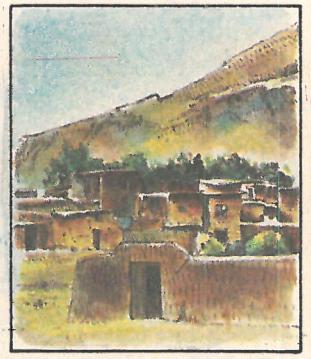
نَجْمْ = _____



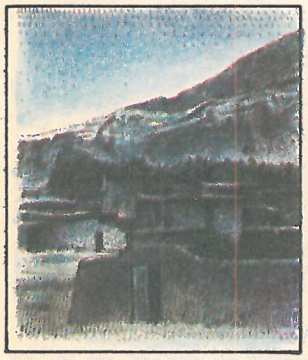
نَخْلْ = _____



اَرْضْ = _____



نَهارْ = _____



لَیْلْ = _____

۷ ــ آیا معنی قرآنی کلمات زیر را می‌دانید؟

خورشید = _____ ستاره = _____ درخت خرما = _____

زمین = _____ روز = _____ شب = _____

۸ ــ حالا کلمات قرآنی زیر را بخوانید و سپس آنها را بخش کنید، ببینید چه قدر خوب می‌خوانید:

مَنْ ــ اِنْ ــ قُلْ ــ کُمْ ــ مِنْ ــ هَلْ ــ بابْ ــ لَکُمْ ــ بِهِمْ ــ جِهادْ ــ ثَوابْ

اَنْتُمْ ــ اَیْنَ ــ تَقْویمْ ــ مِثْقالْ ــ اَعْبُدُ ــ عَلَیْهِمْ ــ لَمْ یَلِدْ ــ لَمْ یُولَدْ ــ تَعْلَمُونَ

یُوَسْوِسُ ــ اِیلافِهِمْ

توجّه: آیا می‌دانید که علامت ساکن را به این شکل ــْــ هم می‌نویسند؟

تکلیف شب:

۱ ــ کلمات قرآنی زیر را سه بار بلند بخوانید و با خط زیبای خود یک بار بنویسید، صدا و علامت را با رنگ قرمز بگذارید.

اَبْ ــ یَدْ ــ اَجْرُ ــ رِزْقِ ــ نِعْمَتَ ــ غَیْرِ ــ کَیْدَهُمْ ــ تَرْمیهِمْ ــ اَلَمْ نَشْرَحْ

۲ ــ کلمه‌های بخش شدهٔ زیر را بنویسید و بلند بخوانید:

لَیْ + سَ =　　اَعْ + لَ + مُ =　　اَنْ + تَ =

اِ + مامْ =　　ذَ + قُ + لَتْ =　　تَحْ + تِ + ها =

یَعْ + مَلْ =　　اَطْ + عَ + مَ + هُمْ =

یَحْ + سَ + بُ =　　اَ + رَ + اَیْ + تَ =

۳ ــ آیا معنی این کلمات را می‌دانید؟

۱ ــ شَمْسْ =　　۲ ــ نَجْمْ =　　۳ ــ نَخْلْ =

۴ ــ نَهارْ =　　۵ ــ اَرْضْ =　　۶ ــ لَیْلْ =

تا کنون ده درس خوانده‌اید، هر چه بیشتر تمرین کنید خوبتر یاد می‌گیرید.

آیا دوست دارید به درس اوّل بازگردید و درسها را با دقّت دوره کنید؟

آیا می‌خواهید بدانید که چه قدر از قرآن را یاد گرفته‌اید؟

تا کنون با صداهای ـِـُ و (اَ ــ ی ــ وُ) و علامت ساکن ـْـ آشنا شده‌اید و هزاران کلمهٔ قرآنی را می‌توانید به راحتی بخوانید. خوب است که برای این همه موفّقیّت خدا را شکر کنید.

حالا خود را بیازمایید. برای هر عبارت که درست می‌خوانید یک نمره به خود بدهید، ببینید نمرهٔ شما چند می‌شود؟ حتماً نمرهٔ خوبی خواهید گرفت.

۱ ــ مٰالِکِ

۲ ــ نَعْبُدُ

۳ ــ نَسْتَعِینُ

۴ ــ صِرٰاطَ

۵ ــ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ

۶ ــ وَلَمْ یَکُنْ

٧ ــ بِحَمْدِهْ

٨ ــ لِمَنْ حَمِدَهْ

٩ ــ اَشْهَدُ

١٠ ــ اَلْحَمْدُ

١١ ــ لاٰ شَرِيکَ لَهْ

١٢ ــ وَاَتُوبُ اِلَيْهْ

١٣ ــ لاٰ اَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونْ

١٤ ــ وَلاٰ اَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا اَعْبُدْ

١٥ ــ اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلْ

١٦ ــ اَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکْ

١٧ ــ وَوَضَعْنٰا عَنْکَ وِزْرَکْ

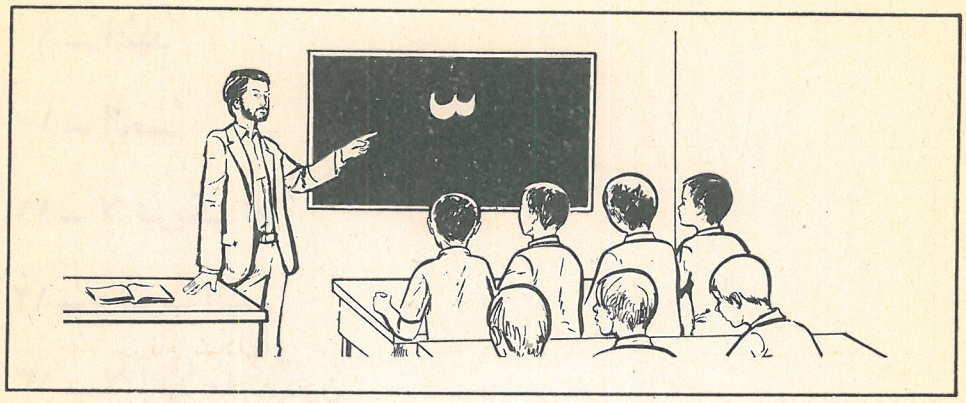
١٨ ــ وَرَفَعْنٰا لَکَ ذِکْرَکْ

١٩ ــ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

٢٠ ــ بِمٰا اُنْزِلَ اِلَيْکَ وَمٰا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکْ

درس یازدهم

علامت تشدید ـّـ



مُعَلِّمْ

کلمهٔ بالا را بخوانید، آیا می‌دانید که این‌طور بخش می‌شود: مُعَلِّمْ = مُ + عَلْ + لِمْ

بَـنْـنـا ← بَـنّـا

نَـجْـجـارْ ← نَـجّـارْ

نَـقْـقـاشْ ← نَقّـاشْ

۱ ــ کلمه‌های زیر را بخوانید:

اَوَّلْ ــ قِصّه ــ ذُرَّتْ ــ مُدَّتْ ــ نَجّارْ ــ حَمّامْ ــ اَیّامْ ــ مُرَبّا ــ ذَرّه ــ قَصّابْ

صَیّادْ ــ عَکّاسْ ــ ذَرّاتْ ــ مُعَلِّمْ ــ ثُرَیّا ــ اِتِّفاقْ ــ قَنّادی ــ زَرّافه

مَجَلّه ــ مَحَلّه ــ مُوَفَّقْ

۲ ــ آیا می‌توانید کلمه‌های شمارهٔ (۱) را بخش کنید؟

مثال: ذُرَّتْ = ذُرْ + رَتْ　　قِصّه = قِصْ + صه

۳ ــ کلمه‌های بخش شدهٔ زیر را بنویسید:

مثال: ذَرْ + راتْ = ذَرّاتْ

اَیْ + یامْ =　　بَنْ + نا =　　شِدْ + دَتْ =

حَمْ + مامْ =　　نَجْ + جارْ =　　مُدْ + دَتْ =

مُ + عَلْ + لِمْ =　　تَ + رَقْ + قي =

۴ ــ کلمات بالا را چگونه نوشتید؟ در هریک از کلمات، چه حرفی را ننوشتید و به‌جایش علامت تشدید گذاشتید؟

۵ ــ کلمه‌های قرآنی زیر را حتماً می‌توانید بخوانید، اگر باور ندارید امتحان کنید:

اِنَّ ــ اِلّا ــ کَلّا ــ شَرِّ ــ حَجَّ ــ رَبَّنا ــ فَاَمّا ــ مِمّا ــ اِنَّما ــ بِرَبِّ ــ فَصَلِّ

عَلَّمَ ــ حُصِّلَ ــ جَنّاتٍ ــ جَبّارْ ــ جَهَنَّمَ

دیدید قرآن خواندن چه‌قدر برای شما آسان شده است؟

۶ ــ کلمه‌های بالا را بخش کنید و مانند مثال بنویسید.

مثال: شَرِّ = شَرْ + رِ　　بِرَبِّ = بِ + رَبْ + بِ

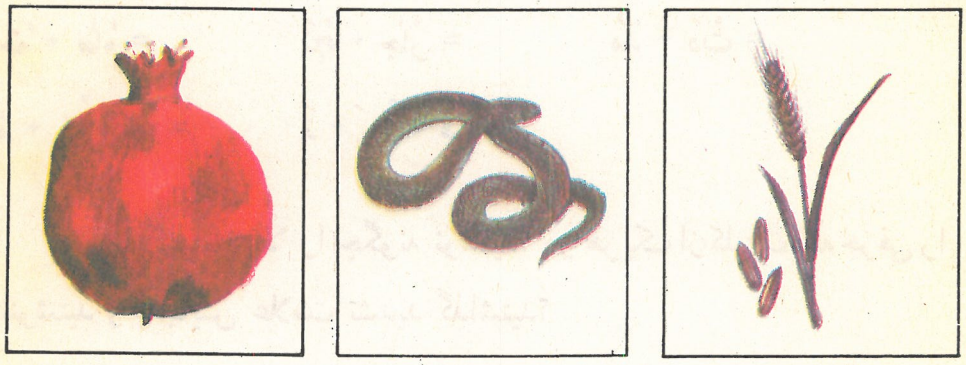
۷ ــ آیا می‌توانید بگویید که در کلمه‌های شمارهٔ ۵ کدام حرف را

ننوشته‌ایم و به‌جای آن علامت تشدید گذارده‌ایم؟

مثال: شَرّ (رْ) بَرَبّ (بْ)

۸ ــ هر یک از این کلمات را زیر شکل مناسب بنویسید.

حَیَّه = مار رُمّانْ = انار حَبَّه = دانه جَنَّة = باغ



۹ ــ نام قرآنی کلمات زیر را جلوی آنها بنویسید:

دانه = مار = انار = باغ =

تکلیف شب:

۱ ــ از روی کلمه‌های زیر یک بار با خط زیبا بنویسید و آنها را بخوانید.

ثُمَّ ــ اَمّا ــ کُلِّ ــ لَمّا ــ رَبُّکَ ــ یَتَّبِعُ ــ سَبَّحَ ــ بَشِّرْ ــ اَلَّذینَ ــ کُلَّما ــ اِنَّها

يُعَذِّبُ ـ جَنَّتي ـ فَذَكِّرْ ـ لَعَلَّ ـ اَلَّتي ـ فَضَّلَ ـ كَذَّبَ

۲ ـ کلمه‌های بالا را بخش کرده و بنویسید.

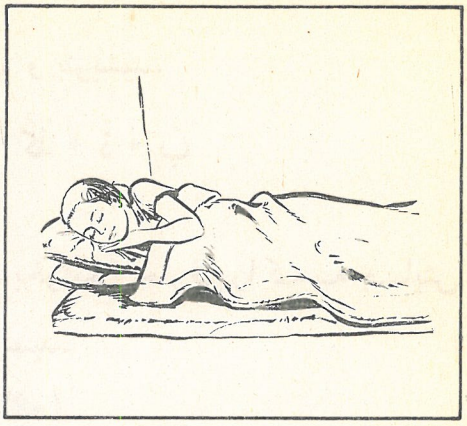
مثال: ثُمَّ = ثُمْ + مَ كَذَّبَ = كَذْ + ذَ + بَ

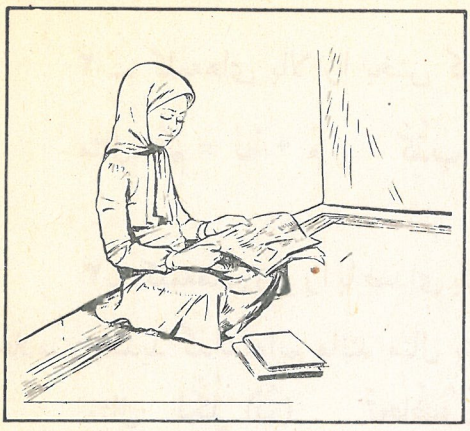
۳ ـ کلمه‌های زیر را با صدای بلند بخوانید و حرفی را که به جایش علامت تشدید گذاشته‌ایم مانند مثال بنویسید:

مثال: لِكُلِّ (لْ) تَحاضُّونَ (ضْ)

فَصَبَّ ( )	حُصِّلَ ( )	لِحُبِّ ( )
غَرَّكَ ( )	بُشِّرَ ( )	اَشَدُّ ( )
فُجِّرَتْ ( )	فَكَّرَ ( )	يُكَذِّبُ ( )
تَنَفَّسَ ( )	اَلَّذينَهُمْ ( )	تَتَّخِذُ ( )
لِلَّذينَ ( )	لِلْمُتَّقينَ ( )	تُحِبُّونَ ( )
يَذَّكَّرُونَ ( )	تَطَّلِعُ ( )	عَلَّمَ ( )

درس دوازدهم





خوابیدن　　خواندن

کلمات بالا را بخوانید، کدام حرف آنها خوانده نمی‌شود؟ (　　)

۱ ــ کلمات زیر را بخوانید و به‌حرفی که خوانده نمی‌شود،توجّه کنید:

خویش ــ خواهر ــ خواستن ــ خویشتن ــ خواربار ــ خواستار ــ خوار استخوان ــ خواندنی ــ خواب ــ خواستم.

۲ ــ حالا کلمه‌های زیر را بخوانید (به‌حروف آبی رنگ توجّه کنید.)

(و) حَیٰوتُنا ــ صَلٰوتي ــ زَکوٰةٌ* ــ مِشْکوٰةٌ

(ا) اَنَا ــ اٰمَنوُا ــ وَانْحَرْ ــ وَالْفَتْحُ ــ بِالْحَقِّ ــ فَلْیَعْبُدُوا

(ا) اَلشَّمْسُ ــ اَلسَّمٰاءُ ــ اَلنّٰارِ ــ اَلنَّجْمُ ــ اَلرِّجٰالُ ــ اَلطَّلاٰقُ

(ی) اِلیٰ ــ بَلیٰ ــ مَتیٰ ــ هُدیٰ ــ عَلیٰ ــ موُسیٰ ــ عیسیٰ ــ تَصْلیٰ

---

* ت = ت = ة = ـة

۳ ــ کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید و حروفی را که خوانده نمی‌شوند مانند مثال بنویسید:

مثال: بِالدِّینِ (ا ــ ل)

بِالدِّینِ (ــ) یَصْلَی النّارَ (ــ ــ ــ)

وَالسَّقْفِ (ــ) ذَوِی الْقُرْبیٰ (ــ ــ ــ)

فِی السَّمٰاءِ (ــ ــ) وَاتَّقُوااللّٰهَ (ــ ــ ــ ــ)

عَلَی الَّذِینَ (ــ) ذُوالْجَلالِ (ــ)

مَاالْقارِعَةُ (ــ) ذُوالْعَرْشِ (ــ)

کَالْفَرٰاشِ ( ) وَالرُّوحِ (ــ)

لَهُ الدِّینُ (ــ) اَقِیمُوا الصَّلٰوةَ (ــ ــ ــ ــ)

بِالصَّبْرِ (ــ) اٰتُوا الزَّکٰوةَ (ــ ــ ــ ــ)

۴ ــ کلمه‌های بالا را مانند مثال بخش کنید.

مثال: بِالدِّینِ = بِ + دِ + نِ

۵ ــ این کلمه را به دقت بخوانید «کَفَرُوا السُّفْلیٰ» حروفی را که خوانده نمی‌شوند به ترتیب بنویسید (ــ ــ ــ ــ)

حالا به تمرین شمارهٔ (۳) نگاه کنید و بگویید چه حرفهایی خوانده نمی‌شوند؟

توجّه: فقط چهار حرف (و ــ ا ــ ل ــ ی) اگر صدا یا علامت نداشته باشند خوانده نمی‌شوند.

درس سیزدهم

خدا را شکر می‌کنیم که می‌توانیم بسیاری از کلمات قرآن را بخوانیم. دوست دارید امتحان کنید؟ سورهٔ حمد را بخوانید و بنویسید. فراموش نکنید که صداها و علامتها را با رنگ قرمز بگذارید. آیا این سوره را حفظ هستید؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ * اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ *
مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * اِيّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّاكَ
نَسْتَعِينُ * اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِراطَ
الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضّالِّينَ *

درس چهاردهم

این سوره را با دقّت سه بار بخوانید:

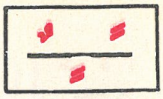
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ * مَلِکِ النّاسِ * اِلٰهِ النّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنّاسِ * اَلَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ *

برای این که این سوره را خوبتر یاد بگیرید، با دقّت کامل، یک بار با خطّ زیبا بنویسید و سپس حفظ کنید.

درس پانزدهم

علامت تنوین



مَثَلاً = مَ + ثَ + لَنْ

۱ ــ آیا می‌توانید کلمات زیر را بخوانید؟

مَثَلاً ــ اِتِّفاقاً ــ اَبَداً ــ اَوَّلاً ــ اَصْلاً ــ عَمْداً ــ قَبْلاً ــ بَعْداً

۲ ــ حالا این کلمات را حتماً می‌توانید بخوانید:

کِتاباً ــ ناراً ــ اَحَداً ــ مَحَمَّداً ــ رَسُولاً ــ قُرْاناً ــ اِماماً ــ خَیْراً

چگونه خواندید؟ آیا این طور خواندید؟ کِتابَنْ

کِتاباً = کِتابَنْ　　اَحَداً = اَحَدَنْ　　رَسُولاً = رَسُولَنْ　　اِماماً = اِمامَنْ

ناراً = نارَنْ　　مُحَمَّداً = مُحَمَّدَنْ　　قُرْاناً = قُرْانَنْ　　خَیْراً = خَیْرَنْ

دقّت کنید:

همیشه به جای علامت تنوین «نْ» می‌خوانیم

۳ ــ حالا به خوبی می‌توانید کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مِثال: ناراً = نا + رَنْ

طَیْراً ــ مالاً ــ جَمْعاً ــ صُبْحاً ــ شَرّاً ــ قَدْحاً ــ ضَبْحاً ــ نَقْعاً ــ اَشْتاتاً



کِتابٍ = کِتابِنْ

۴ ــ آیا می‌توانید کلمات زیر را درست بخوانید؟

کِتابٍ ــ نارٍ ــ اَحَدٍ ــ مُحَمَّدٍ ــ رَسُولٍ ــ قُرْآنٍ ــ اِمامٍ ــ خَیْرٍ

چگونه خواندید؟ آیا این طور خواندید؟ کِتابِنْ

کِتابٍ = کِتابِنْ　　نارٍ = نارِنْ　　اَحَدٍ = اَحَدِنْ　　مُحَمَّدٍ = مُحَمَّدِنْ

رَسُولٍ = رَسُولِنْ　　قُرْآنٍ = قُرْآنِنْ　　اِمامٍ = اِمامِنْ　　خَیْرٍ = خَیْرِنْ

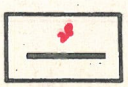
۵ ــ حالا به خوبی می‌توانید کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مثال: حاسِدٍ = حا + سِ + دِنْ

اَمْرٍ ــ مَسَدٍ ــ لَهَبٍ ــ غاسِقٍ ــ قُرَیْشٍ ــ جُوعٍ ــ کَعَصْفٍ ــ سِجِّیلٍ

تَضْلیلٍ

۶ ــ به این علامت توجه کنید:



کِتابٌ = کِتابُنْ

حالا حتماً می‌توانید کلمات زیر را به راحتی بخوانید:

کِتابٌ ــ نارٌ ــ اَحَدٌ ــ مُحَمَّدٌ ــ رَسُولٌ ــ قُرْآنٌ ــ اِمامٌ ــ خَیْرٌ

چگونه خواندید؟ آیا این طور خواندید؟ کِتابُنْ

کِتابٌ = کِتابُنْ　　نارٌ = نارُنْ　　اَحَدٌ = اَحَدُنْ　　مُحَمَّدٌ = مُحَمَّدُنْ

رَسولٌ = رَسُولُنْ　　قُرْآنٌ = قُرْآنُنْ　　اِمامٌ = اِمامُنْ　　خَيْرٌ = خَيْرُنْ

۷ ــ اگر خوب دقّت کرده باشید، کلمات قرآنی زیر را می‌توانید کاملا درست بخوانید و بخش کنید:

مثال: اَحَدٌ = اَ + حَ + دُنْ

سَلامٌ ــ طَعامٌ ــ عابِدٌ ــ حَبْلٌ ــ عَيْنٌ ــ لَشَهيدٌ ــ لَخَبيرٌ ــ لَكَنُودٌ ــ اَكْوابٌ

۸ ــ به این کلمه‌ها و چگونگی خواندن آنها توجّه کنید:

کِتاباً = کِتابَنْ　　هُدًى = هُدَنْ　　مَغْفِرَةً = مَغْفِرَةَنْ　　سَواءً = سَواءَنْ

آیا می‌دانید که: تنوین ـــً را به‌این شکلها هم می‌نویسند ـــًى و ـــًة؟

تکلیف شب:

۱ ــ کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بنویسید:

يُسْراً ــ تَوّاباً ــ اَفْواجاً ــ رُوَيْداً ــ سِراجاً ــ وَهّاجاً ــ ثَجّاجاً ــ عِظاماً ــ خَيْرٍ

فَضْلٍ ــ لِنَفْسٍ ــ عَظيمٍ ــ شَيْطانٍ ــ رَجيمٍ ــ مُطاعٍ ــ صُحُفٍ ــ كاذِبَةٍ

مَرْقُومٌ ــ حِلٌّ ــ فَوَيْلٌ ــ كُتُبٌ ــ كادِحٌ ــ اِطْعامٌ ــ سُرُرٌ ــ نَذيرٌ ــ واحِدَةٌ

۲ ــ آیا می‌توانید این کلمات را با دقّت بخش کنید ؟ بخش کنید و بنویسید.

صَفّاً	سُدیً	مَغْفِرَةً	واجِفَةٌ	جَزاءً
کِذّاباً	هُدیً	نَخِرَةً	ماءً	عَطاءً
مَفازاً	طُویً	فاکِهَةٌ	سُوءً	سَواءً
یَتیماً	فَتیً			

تا کنون پانزده درس خوانده‌اید، آیا دوست دارید برای این که بهتر یاد بگیرید، درسها را با دقّت دوره کنید و همهٔ تمرینها را هم دوباره انجام دهید؟

درس شانزدهم

بخوانید و سپس حفظ کنید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ❊ اَللّٰهُ الصَّمَدُ ❊ لَمْ يَلِدْ

وَلَمْ يُولَدْ ❊ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ ❊

این سوره را این‌جا بنویسید، حرکتها را با رنگ قرمز بگذارید:

درس هفدهم

سورهٔ زیر را بخوانید و سپس در همین صفحه بنویسید و حفظ کنید، از رنگ قرمز هم استفاده کنید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ * اِنَّ الْاِنْسانَ لَفي خُسْرٍ * اِلَّا الَّذينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَتَواصَوْا بِالْحَقِّ وَتَواصَوْا بِالصَّبْرِ *

درس هجدهم

بخوانید و بنویسید و حفظ کنید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ *

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ

فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ *

درس نوزدهم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ * وَرَاَيْتَ النّٰاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوٰاجاً * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ
رَبِّکَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهُ كٰانَ تَوّٰاباً *

سورهٔ بالا و سورهٔ زیر را با دقّت بخوانید، سپس بنویسید و آن‌گاه حفظ کنید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِنّٰا اَعْطَيْنٰاکَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ *
اِنَّ شٰانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ *

درس بیستم

سورهٔ زیر را با دقّت بخوانید و سپس بنویسید و حفظ کنید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ * وَمٰا اَدْرٰیکَ مٰا لَیْلَةُ الْقَدْرِ * لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلٰائِکَةُ وَ الرّوحُ فیهٰا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ اَمْرٍ * سَلٰامٌ هِیَ حَتّٰی مَطْلَعِ الْفَجْرِ *

به شما تبریک می‌گوییم که توانستید این درسها را تمام کنید، پیروز و شادمان باشید، تاکنون بیست درس خوانده‌اید و می‌توانید با دقّت و توجّه،بیشترِ قرآن را درست بخوانید. برای این‌که بهتر و دقیق‌تر یاد بگیرید، چه خوب است که یک‌بار دیگر همهٔ درسها را دوره کنید و تمرینها را هم با دقّت تمام انجام دهید.

قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن

(ویژهٔ امور تربیتی)

دانش‌آموزان عزیز:

اکنون که به یاری خداوند با قرآن مجید آشنا شده‌اید و ارزش و اهمیّت آموختن قرآن و سپس عمل کردن به آن را می‌دانید، چه بهتر که با علاقمندی بیشتر در این راه بکوشید تا بهره‌های فراوان‌تر از این گنجینه بزرگ الهی ببرید.

ازاینرو با شرکت فعّال در برنامه قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن علاقمندی هرچه بیشتر خود را به قرآن مجید نشان دهید و آمادگی بهتر برای استفاده از این کتاب مقدس و ارزشمند را بدست آورید.

اکنون برای آشنائی بیشتر با این برنامه، جدول زیر را نگاه کنید. در این جدول با آیات و احادیثی که باید بیاموزید و مطالبی که باید به خاطر بسپارید و حفظ کنید و امتیازات آنها برای مسابقات آشنا می‌شوید. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به مربّی پرورشی و ستاد قرآن در مدرسه خود مراجعه کنید.

جدول امتیازات مواد آموزش و مسابقات قرآن

گروههای «ق» کلاس سوّم ــ «ر» کلاس چهارم «الف» کلاس پنجم ابتدائی

مواد	توضیحات	مجموع ۸۰۰
قرائت	صحت قرائت کتاب قرآن درسی	۱۰۰
	صوت و لحن	۱۵۰
حفظ و مفاهیم	قرائت و ترجمه نماز	۱۰۰
	حفظ شعارهای هفته باترجمه	۱۰۰
	حفظ سوره‌های کتاب قرآن درسی	۲۰۰
اخلاق و رفتار	اخلاق و رفتار در منزل و مدرسه	۱۵۰

در صفحات بعد اذان و اقامه و نماز و ترجمه آنها و نیز احادیث و شعارهای هفته دراختیار شما گذاشته می‌شود تا انشاءالله با آمادگی کامل در هفتهٔ قرآن در مسابقات شرکت کنید و امتیازات خوبی بدست آورید. امیدواریم که شاگرد شایسته قرآن و اسلام باشید و توجّه کنید که «برتری قرآن بر دیگر کتابها چون برتری خالق است بر مخلوق و احترام به قرآن، احترام به خدا و پیامبر است». برای آیات و سوره‌های تعیین شده می‌توانید از سوره‌های همین کتاب و نیز قرآنهای موجود استفاده کنید.

نماز و ترجمه آن

اذان و اقامه

اذان		اقامه
۴ بار	اَللهُ اَکْبَرُ	۲ بار
	خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ	۲ بار
	گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ	۲ بار
	گواهی می‌دهم محمد (ص) پیامبر و فرستادهٔ خداست.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللهِ	۲ بار
	گواهی می‌دهم علی (ع) ولی خداست.	
۲ بار	حَیَّ عَلَی الصَّلٰوةِ	۲ بار
	بشتاب بسوی نماز.	
۲ بار	حَیَّ عَلَی الْفَلاٰحِ	۲ بار
	بشتاب بسوی رستگاری.	
۲ بار	حَیَّ عَلیٰ خَیْرِ الْعَمَلِ	۲ بار
	بشتاب بسوی بهترین عمل.	
نمی‌خوانیم	قَدْ قٰامَتِ الصَّلٰوةُ	۲ بار
	همانا نماز برپا شد.	

۲ بار | اَللّٰهُ اَکْبَرُ | ۲ بار

خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.

۲ بار | لااِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ | ۱ بار

نیست خدائی جز خدای یگانه.

قرائت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ

سپاس مخصوص خدائی است که پروردگار جهانیان است.

اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

که بخشنده و مهربان است.

مٰالِکِ یَوْمِ الدِّینِ

صاحب اختیار روز جزا و قیامت است.

اِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

اِهْدِنَا الصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِیمَ

ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرٰاطَ الَّذِینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ

راه کسانیکه به ایشان نعمت داده‌ای

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلاَالضّالّينَ

نه کسانیکه بر آنان غَضَبْ کرده‌ای و نه گمراهان.

بِسْمِ‌اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ

بگو خدا یکتاست.

اَللهُ الصَّمَدُ

خدا از هرچیز و هرکس بی‌نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نزائیده و زائیده نشده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

هیچکس همتای او نیست.

ذکر رکوع

سُبْحٰانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِه

پاک و منزه است پروردگار بزرگ من و او را ستایش می‌کنم.

ذکر سجود

سُبْحٰانَ رَبِّيَ الْاَعْلىٰ وَبِحَمْدِه

منزه است پروردگار بلند مرتبهٔ من و من او را ستایش می‌کنم.

قنوت

رَبَّنٰا اٰتِنٰا فِی الدُّنْیٰا حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ

پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار.

ذکر بعد از رکوع

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

خدا ستایش کسی که او را می‌ستاید می‌شنود.

ذکر هنگام برخاستن

بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ

به حول و قوهٔ خداوند برمی‌خیزم و می‌نشینم.

تسبیحات اربعه

سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُلِلّٰهِ

پاک و منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست.

وَلَااِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ

و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است.

تَشَهُّد

اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ

گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَحْدَهُ لاٰشَرِیکَ لَهُ

یکتاست و شریکی ندارد.

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

و گواهی می‌دهم که محمد (ص) بندهٔ او و فرستاده اوست.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمّد (ص) و آل او درود و رحمت بفرست.

سلام

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاٰتُهُ

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکتهای خدا بر تو باد.

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْنٰا وَعَلیٰ عِبٰادِاللهِ الصّٰالِحِینَ

سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خدا

اَلسَّلاٰمُ عَلَیْکُمْ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاٰتُهُ

سلام بر شما و رحمت و برکتهای خدا بر شما باد

برنامهٔ هفتگی قرآن صبحگاهی دورهٔ ابتدائی

هفتهٔ اول

قرائت: سورهٔ حمد و سوره توحید

شعار هفته: جهاد

ثَوابُ الْجِهادِ اَعْظَمُ الثَّوابِ

ترجمه: پاداش جهاد در راه خدا بالاترین پاداش است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غُرَرُالْحِکَمْ)

هفتهٔ دوم

قرائت: سورهٔ مسدّ و سورهٔ ماعون

شعار هفته: احترام و مقام معلم

تَواضَعوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمِ

ترجمه: به کسی که علم از او می‌آموزید احترام کنید.

امام صادق (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (بحارالانوار)

هفتهٔ سوّم

قرائت: سورهٔ هُمَزه

شعار هفته: دوست‌یابی

مَنْ اَحَبَّکَ نَهاکَ

ترجمه: کسی که تو را دوست می‌دارد، ترا از کار زشت باز می‌دارد.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غُررالحکم)

هفتهٔ چهارم

قرائت: سورهٔ قارعه

شعار هفته: احترام به پدر و مادر

بِرُّالْوالِدَیْنِ اَکْبَرُ فَریضَةً

ترجمه: نیکی به پدر و مادر از بزرگترین واجبات است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)

هفتهٔ پنجم

قرائت: سورهٔ حاقّه آیات ۱ تا ۱۰

شعار هفته: سلام

یُسَلِّمُ الصَّغیرُ عَلَی الْکَبیرِ

ترجمه: همواره کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

امام صادق (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (اصول کافی)

هفتهٔ ششم

قرائت: سورهٔ ناس و سورهٔ عصر

شعار هفته: ناسزاگویی

اَلْفُحْشُ وَالتَّفَحُّشُ لَیْسا مِنَ الْاِسْلامِ

ترجمه: ناسزاگوئی در اسلام نیست.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)

هفتهٔ هفتم

قرائت: سورهٔ عادیات

شعار هفته: نماز

فَرَضَ اللهُ الصَّلوٰةَ تَنْزیهاً مِنَ الْکِبْرِ

ترجمه: خداوند نماز را برای دوری از تکبر و غرور واجب کرد.

حضرت فاطمه (عَلَیهاالسَّلام) (بحارالانوار)



هفته هشتم

قرائت: آیات ۱ تا ۵ سورهٔ بیّنه

شعار هفته: خوش‌اخلاقی

اَلْخُلْقُ الْحَسَنُ نِصْفُ الدّینِ

ترجمه: اخلاق نیکو نصف دین است.

پیامبر اکرم (صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (بحارالانوار)



هفتهٔ نهم

قرائت: آیات ۶ تا ۸ سورهٔ بیّنه

شعار هفته: پرخوری

مَنْ قَلَّ طَعامُهُ قَلَّ الاٰمُهُ

ترجمه: هر کس غذایش کمتر باشد دردها و ناراحتیهایش نیز کمتر است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)

هفتهٔ دهم

قرائت: سورهٔ تکاثر و سورهٔ تین

شعار هفته: اذیت و آزار

اَلْاَذیٰ یَجْلِبُ الْقِلیٰ

ترجمه: اذیت و آزار دشمنی را زیاد می‌کند.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)



هفته یازدهم

قرائت: سورهٔ ضُحیٰ

شعار هفته: شجاعت

اَفَةُ الشَّجاعَةِ اَلْبَغْیُ

ترجمه: ستم و سرکشی شجاعت را ازبین می‌برد.

پیامبر اکرم (صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (نهج‌الفصاحه)



هفته دوازدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۱ سورهٔ لیل

شعار هفته: اسراف

اَلْاِسْرافُ یُفْنِی الْجَزیلَ

ترجمه: اسراف و زیاده‌روی بخشش را از بین می‌برد.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)

هفتهٔ سیزدهم

قرائت: آیات ۱۲ تا ۲۱ سورهٔ لیل

شعار هفته: احسان و نیکی

مَنْ کَثُرَ اِحْسانُهُ اَحَبَّهُ اِخْوانُهُ

ترجمه: کسی که کار نیکش زیاد شود دوستان و برادرانش او را دوست می‌دارند.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)



هفتهٔ چهاردهم

قرائت: سورهٔ قدر و فلق

شعار هفته: حسد

اَلْحَسَدُ یُذیبُ الْجَسَدَ

ترجمه: حسادت جسم انسان را ذوب و نابود می‌کند.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)



هفتهٔ پانزدهم

قرائت: سورهٔ شمس

شعار هفته: مسواک کردن

مِنْ اَخْلاقِ اَلْاَنْبِیاءِ اَلسِّواکُ

ترجمه: یکی از اخلاق پیامبران مسواک زدن است.

امام صادق (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (بحارالانوار)

هفتهٔ شانزدهم

قرائت: سورهٔ فیل و قریش

شعار هفته: صبر

اِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ

ترجمه: پیروزی همراه با صبر است.

پیامبر اکرم (صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (بحارالانوار)



هفتهٔ هفدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۰ سورهٔ بلد

شعار هفته: راستگویی

مَنْ صَدَقَ نَجیٰ

ترجمه: هر کس راست گوید نجات می‌یابد.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (بحارالانوار)



هفتهٔ هیجدهم

قرائت: آیات ۱۱ تا ۲۰ سورهٔ بلد

شعار هفته: عیب‌جویی

غِطاءُ الْعُیوبِ اَلْعَقْلُ

ترجمه: عیب‌پوشی نشانه عقل و خرد است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ)(غررالحکم)

هفتهٔ نوزدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۵ سورهٔ فجر

شعار هفته: قرآن

زَیِّنُوآ الْقُرْآنَ بِاَصْواتِکُمْ

ترجمه: قرآن را (بهنگام خواندن) با صدای خود زینت دهید.

پیامبر اکرم (صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (بحارالانوار)



هفتهٔ بیستم

قرائت: آیات ۱۶ تا ۳۰ سورهٔ فجر

شعار هفته: ادب

اَفْضَلُ الشَّرَفِ اَلْاَدَبُ

ترجمه: ادب بهترین بزرگواری و شرف است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)



هفتهٔ بیست و یکم

قرائت: سورهٔ نصر و کافرون

شعار هفته: امانت‌داری

اِتَّقُوااللهَ وَعَلَیْکُمْ بِاَداءِ اَلْاَمانَةِ

ترجمه: از (خشم) خدا بترسید و امانت‌دار باشید.

امام صادق (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (بحارالانوار)

هفتهٔ بیست و دوّم

قرائت: سورهٔ انشراح و کوثر

شعار هفته: دعاء

اَلدُّعاءُ مَفاتیحُ اَلنَّجاحِ

ترجمه: دعا کلیدهای رستگاری و خوشبختی است.

امام علی (عَلَیْهِ‌السَّلامُ) (غررالحکم)

هفتهٔ بیست و سوّم

قرائت: سورهٔ زلزال

شعار هفته: نظافت

اَلْاِسْلامُ نَظیفٌ فَتَنَظَّفوا

ترجمه: اسلام پاکیزه است شما هم پاکیزه باشید.

پیامبر اکرم (صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (نهج‌الفصاحه)

هفتهٔ بیست و چهارم

قرائت: آیة الکرسی

شعار هفته: عهد و پیمان

حُسْنُ الْعَهْدِ مِنَ اَلْایمانِ

ترجمه: خوش‌قولی و رعایت عهد و پیمان از نشانه‌های ایمان است.

پیامبر اکرم (صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم) (بحارالانوار)